

موسسه فرهنگی و آموزشی مبتکران  
آشنایی با وضعیت نظام آموزشی در کشور آلمان





- ✚ جمعیت
- ✚ نظام آموزشی در نگاهی گذرا
- ✚ بودجه و هزینه های آموزشی
- ✚ ساختار آموزشی
- ✚ آموزش استثنایی
- ✚ سیستم نمره دهی
- ✚ آموزش پایه
- ✚ آموزش عالی
- ✚ آموزش فنی و حرفه ای
- ✚ آموزش متوسطه
- ✚ آموزش فنی و حرفه ای
- ✚ آموزش عملی
- ✚ ارزیابی تحصیلی
- ✚ آموزش متوسطه
- ✚ ارزیابی تحصیلی
- ✚ همکاری آموزشی
- ✚ اولویت های آموزشی
- ✚ آموزش معلمان
- ✚ رابطه متقابل با دانش آموزان
- ✚ حقوق و مزایای معلمان
- ✚ رده های سنی
- ✚ سیستم های آموزشی
- ✚ معضلات آموزشی
- ✚ ملاحظات تاریخی

- ❖ جمعیت آن ۸۱،۹۰۴،۰۰۰ میلیون نفر است. پایتخت آن از سال ۱۹۹۰ برلین می باشد که این شهر حدود ۳/۵ میلیون نفر جمعیت دارد. زبان رسمی این کشور آلمانی است و اکثر مردم به زبان انگلیسی آشنایی دارند.
- ❖ شهرهای مهم آن عبارتند از: برلین ، دوسلدورف ، هامبورگ ، فرانکفورت ، مونیخ ، کلن و هانوفر.

## نظام آموزشی در نگاهی گذرا

- ❖ مدارس آلمان تحت نظارت حوزه فرهنگی ۱۶ ایالت می باشند و در دستور کار به طور قابل ملاحظه‌ای از یک ایالت به ایالت دیگری تغییر پیدا می کند. به منظور تعیین استانداردهای قابل قیاس اطمینان از اینکه گواهینامه‌ها در سراسر کشور معتبر می‌باشند، کنفرانس وزرای آموزشی کلیه ایالتها (KMK)، بطور منظم راه حلها و قوانینی را تصویب می‌کنند که بوسیله تمام اعضا قابل قبول است. تفاوت‌های بسیاری در سیاست‌های آموزشی در بین ایالت‌های مختلف وجود دارد. گروه‌های سیاستمدار که دارای قدرت هستند معمولاً تعیین می‌کنند چه سیستم‌های آموزشی باید در مدارس به کار گرفته شوند. در حالی که آزادی خواهان برای حرکت به دستیابی آموزش برای همه دانش-آموزان در تلاشند. بسیاری از ایالات محافظه کار همچنین با سراسری نمودن آزمون‌های و یا آزمون‌ها تکمیلی دیگر کار می‌کنند. بسیاری از اولیاء و مربیان نیز از مسأله سراسری نمودن آزمون راضی بودند. سراسری نمودن آزمون‌ها باعث مقایسه مدارس با یکدیگر و جلوگیری کردن از پائین آمدن روحیه دانش‌آموزان بخاطر عملکرد ضعیف آن‌ها مدرسه شود. . مدرسه به دانش‌آموزانش آموزشهای عمومی پیشرفته را بدون اینکه از نظر عملی آن‌ها افت کنند ارائه می‌دهد و آنان را برای آزمون تکمیلی آماده می‌سازند. و بعد از سال دهم به آن‌ها آموزش‌های شغلی می‌دهد. کسانی که در مدرسه در آزمون تکمیلی بتوانند به خوبی موفق شوند همچنین می‌توانند به مقاطع بالاتر بروند. به دانش‌آموزان مطالب تئوری، آموزشهای فرهنگی و ادبی که باعث می‌شود آن‌ها را جهت ورود به دانشگاه تقویت کند داده می‌شود. به‌سازی سیستم مدارس آلمان معمولاً توسط تجدید نظر و بازدیدهای مداوم کارشناسان و ناظران آموزشی صورت می‌گیرد. بسیاری از دانش‌آموزان از آموزش مدارس راضی هستند. در حالی که بعضی از معلمان از موفقیت و کیفیت آموزش در زمان خودشان نسبت به حال ابزار تأسف نمودند. از زمانی که معلمان خدمتگذار مدنی دولت شده‌اند، نمی‌توانند به صورت قانونی اخراج شوند یا نرفیع بگیرند، بلکه تنها راه حفظ بودجه، قطع دوره‌های آموزشی می‌باشد. بسیاری از معلمان از تغییرات چشم اندازهای اجتماعی در آلمان صحبت می‌کنند و می‌گویند این مطلب چه روی تدریس آن‌ها و بر روی مطالب درسی تأثیر مستقیم دارد. در بعضی از مدارس بیش از ۶۰ درصد دانش‌آموزان مدرسه، خارجی بودند و با آلمانی صحبت کردن مشکل داشتند. در مقاطع بالا معلمان، دانش‌آموزان خارجی را خیلی کوشاتر از آلمانی‌های اصیل می‌دانند. . به هر حال دانش‌آموزان، اولیاء و معلمان از روش و عملکرد مدارس آلمان، سیستم و سودمندی آن خشنود می‌باشند.

## بودجه و هزینه های آموزشی

### منابع تأمین کننده

اطلاعات در مورد منابع سرمایه برای مدارس آلمان نشان دهنده آن است که ۲ / ۷۹ درصد از سرمایه برای مدارس ابتدایی و مقدماتی متوسطه از طریق ایالت و ۸ / ۲۰ درصد آن از بخش دولت محلی بصورت قرض الحسنه تأمین اعتبار می‌گردد. قسمتی از هزینه‌ها نیز از محل شهریه های دریافتی از دانش‌آموزان تأمین می‌گردد. در مدیریت مدارس بودجه مربوطه از طریق دفتر آموزش شهری اختصاص می‌یابد. این سیستم باعث پخش شدن بودجه‌ها در هر ایالت شده است. با وجود این که مدارس از کمی بودجه و بی‌عدالتی شکایتی نمی‌کنند اما مدارس آلمان تحت تأثیر وضعیت اقتصادی نابسامان اخیر آلمان قرار گرفته‌اند. وضعیت نابسامان رفاهی جامعه باعث بوجود آمدن نابرابری در برخورداری از امکانات آموزشی گردیده است. این در حالی است که در سطح آموزشی *Gymnasium* حداقل نامساوی بودن رفتارها نتوانسته باعث تفاوت سرمایه‌ای بشود زیرا در این حالت کمکهای نقدی اولیاء از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است. مدارس *Gymnasium* فعالیت اولیاء معمولاً بیشتر و گوناگون می‌باشد. کمکهای اولیاء عمدتاً صرف جهت فعالیتهای گوناگون مانند تکمیل تجهیزات، سفرهای علمی و گاهی کلاس‌های فوق برنامه برای دانش‌آموزان می‌شود. علاوه بر این مدارس *Gymnasium* به فراهم سازی امکان فعالیت‌های مافوق برنامه مانند کلاس‌های موزیک و تئاتر نیز مبادرت می‌نمایند. برخی از مدارس نظیر مدرسه *Grundschule* واقع در یکی از مناطق کارگرنشین با جمعیت بیش از ۶۰٪ دانش‌آموزان خارجی می‌باشد. به دریافت کمک‌های عمده از والدین در زمینه نقاشی و خرید ابزار رفاهی مبادرت می‌نمایند. هزینه‌های آموزشی و شهریه تحصیلی دریافتی از اولیاء دانش‌آموزان برای برخی از آنها که از نظر مسائل مالی در وضعیت مناسب نیستند مشکل ایجاد کرده است. به موجب اتخاذ چنین سیاستی کاهش بودجه دولتی اختصاص یافته منجر به افزایش تبعیض میان دانش‌آموزان مدرسه منجر شده است. تجهیزات و امکانات آموزشی مدارس موجود در مرکز مشور کاملاً مشابه ابزار آموزشی سایر ایالات کشور است. با این حال ممکن است هنوز بی‌عدالتی‌هایی در مدارس غرب و شرق وجود داشته باشد. از این روی تلاش‌های گسترده‌ای جهت تأمین امکانات آموزشی این مناطق با وجود کساد اقتصادی شرق وجود دارد. ساختمان‌های مدارس آلمان در کل جامعه آلمان تا حدودی منعکس کننده میزان برخورداری مدارس از امکانات و بودجه آموزش می‌باشد. با وجود این که عمر بعضی از این ساختمان‌ها حتی متجاوز از یک قرن می‌باشد. با این حال سایر مدارس از وضعیت مناسبی از نظر ساختمان و عملکرد برخوردار می‌باشند.

## ساختار آموزشی

نوجوانان آلمانی بخش ویژه‌ای از وقتشان را در مدرسه و انجام فعالیتهای مربوط به مدرسه مانند انجام تکالیف می‌گذرانند مدارس از ساعت ۷:۳۰ یا ۸ صبح باز می‌شوند و حداقل تا ۱ ظهر فعالیت دارند. برنامه دانش‌آموزان هر روز متفاوت است. دانش‌آموزان رشته‌های تحصیلی در *Gymnasium* یا *Gesamtschule* بطور متوسط ۳۰-۴۰ کلاس در هفته دارند. که هر کلاس ۴۵ دقیقه به طول می‌انجامد. بسیاری از مدارس بعد از ظهر ها فعالیتهای فوق برنامه ارائه می‌دهند اغلب نوجوانانی که ورزش میکنند وقت خود را در باشگاههای ورزشی می‌گذرانند نه در مدرسه. بیشتر معلمان، والدین و

دانش‌آموزان احساس می‌کنند که مدارس باید فعالیتهای فوق برنامه بیشتری ارائه دهند. تعداد کمی از دانش‌آموزان در کنار درس خواندن کار هم میکنند. عموماً کار کردن در هنگام تحصیل توسط والدین و معلمان توصیه نمیشود. دانش‌آموزان هنرستان‌ها استثنا هستند. بعلاوه وجود قسمتی از سیستم آموزشی دو گانه این دانش‌آموزان طی دوران تحصیلشان در یک کارخانه محلی بصورت پاره وقت کار میکنند. یکی از مشکلات عمده نوجوانان در خانه وجود والدینی است که برای فرزندانشان حوصله ندارند یا علاقه‌ای به کارهای فرزندانشان نشان نمی‌دهند معلمان تاکید کردند که مدارس نقش مهم و مرکزی در اجتماعی کردن جوانان دارند. بسیاری از دانش‌آموزان فکر میکنند مدرسه در زندگیشان یک بار اضافی است و مدرسه برای آن‌ها یک اجبار است. به علاوه بسیاری از دانش‌آموزان مدرسه را به‌عنوان جایی می‌دانند که بر اساس عملکرد آن‌ها روشی انتقادی را پیش می‌گیرد به هر حال اغلب دانش‌آموزان از یاد گرفتن دیدن همکلاسیها و برقراری رابطه متقابل با معلمان در مدرسه لذت می‌برند. ایجاد انگیزه در یک دانش‌آموز برای موفق شدن در مدرسه بوسیله عوامل زیادی صورت می‌گیرد که این عوامل شامل حمایت همکلاسیها و همیاری والدین می‌باشد. همچنین مهم است که ارتباط بین وضعیت دانش‌آموز در مدرسه و شغل آینده او را تشخیص دهیم. این انگیزه سازی برای کسب موفقیت در مدرسه در طول چند سال آخر دوره متوسطه افزایش یافته و این درست زمانی است که دانش‌آموزان درباره مسیر زندگی آینده شان در حال تصمیم گیری می‌باشند. بدلیل نیاز برای کسب گواهی نامه برای ورود به بسیاری از کارها انگیزه ای قوی برای جوانان بوجود آمده است تا هرچه زودتر در مورد مسیر زندگی آینده تصمیم بگیرند. حمایت‌های جامعه برای تصمیم گیریهای شغلی متعدد است که شامل بروشورهای منتشر شده دولتی

❖ مشاوره‌های شغلی و کتابخانه‌ها می‌باشد. بسیاری از مدارس به دانش‌آموزانی که به کار نیاز دارند یک دوران کارآموزی سه هفته‌ای در یک موسسه یا شرکت طی سال‌های تحصیل، ارائه می‌دهند. دانش‌آموزانی که آرزو دارند تحصیلاتشان را در دانشگاه ادامه دهند باید گواهینامه **Abitur** را بدست آورند. درصد زیادی از نوجوانان آلمانی به یکی از ۴۰۰ دوره کارآموزی وارد می‌شوند طی کارآموزیهای سیستم دو گانه آموزش دانش‌آموزان بیشتر از نصف روز همزمان با تحصیل کار میکنند. پذیرش در بسیاری از دوره‌های کارآموزی بویژه در بانک‌ها و اداره‌های بیمه به صورت رقابتی می‌باشد. نقش والدین در آموزش فرزندانشان از مدارس مقدماتی متوسطه به بعد و برطبق سن آنها تغییر می‌کند. والدین دانش‌آموزانی که ۱۸ سال یا بیشتر هستند مستقیماً در آموزش فرزندانشان دخالت نمی‌کنند حضور در جلسات شبانه معلم - والدین توسط والدین دانش‌آموزان **Hauptschule** بسیار کم رنگ است حال آنکه از والدین دانش‌آموزان **Realschule** انتظار بیشتری می‌رود تا در این جلسات شرکت کنند. والدین دانش‌آموزان **Gymnasium** بیشترین فعالیت را دارند. معلمان بیشتر از مشکلات نوجوانان و عملکرد ضعیف آن صحبت میکردند که علت آنرا فقدان حمایت یا علاقه والدین می‌دانستند. غفلت (**Verwahrlosung**) واژه‌ای بود که اغلب معلمان برای توصیف وضعیت خانوادگی دانش‌آموزان مشکل دار استفاده می‌کردند. مدارس آلمان دانش‌آموزان را در کلاس‌هایی تقسیم بندی می‌نمایند که معمولاً برای چندین سال در کنار یکدیگر می‌مانند و بنابراین فرصتهای بیشتری برای برقراری ارتباط همسالان خود دارند. سیستم کلاسی تلاشی برای راحت بودن دانش‌آموزان در مدرسه است. دور نمای ضعیف استخدام بویژه در آلمان شرقی در بسیاری از مواد سر چشمه ناامیدی و فقدان انگیزه برای بسیاری از نوجوانان می‌باشد.

❖ **Gymnasium** به دو سطح پایین و بالاتر تقسیم می‌گردد. سطح پایین شامل کلاسهای ۵ الی ۱۰ و سطح بالا شامل کلاسهای ۱۱ الی ۱۳ می‌باشد. برای هر کدام از سطوح دوره تحصیلات نیازهای جداگانه‌های وجود دارد. به علاوه **Gymnasium** در ارائه دوره تحصیلی مطمئن به طور تخصصی عمل می‌کند و دانش‌آموزان می‌توانند در **Gymnasium** که یک با تعداد بیشتری رشته تحصیلی ارائه می‌دهد یکی را انتخاب نمایند.

❖ **نرخ برنامه‌های پایه هفتگی آموزشی برای پایه‌های ۵ الی ۱۰ در **Gymnasium** (ایالت مرکزی)**

❖ **کل ۱۰۹۸۷۶۵ موضوع ۲۴۴۴۴۴۴ ریاضیات ۸۱-۲۲۲ از زیست‌شناسی ۶۲۲۲- -- شیمی ۸۲۲۲۲-**

فیزیک در پایه ۵ الی ۱۰، دوره تحصیلات می‌تواند براساس نوع **Gymnasium** فرق کند. دوره تحصیلی ارائه شده اختصاصی بوسیله **Gymnasium** اغلب شامل زبان‌های کلاسیک، ریاضی، علوم، زبان‌های مدرن یا برنامه‌های هنری ویژه می‌باشد. دروس اجباری در موضوعاتی شامل آلمانی، دو زبان خارجی، تاریخ، جغرافی، ریاضیات، علوم، هنری، موسیقی، تربیت بدنی، تعلیمات مدنی به همراه دروس اختیاری وجود دارد. عموماً حداقل دو زبان و در بعضی موارد سه زبان خارجی مورد نیاز می‌باشد. دوره‌ها در سطوح بالاتر **Gymnasium** در تمام آلمان شامل دو سطح ابتدایی و پیشرفته می‌باشد. دوره‌های پیشرفته بیشتر مطالب را با یک روش جامع تر تدریس می‌کنند و سخت‌تر می‌باشد. دوره‌های ابتدایی با همان رشته‌ها سر و کار دارند اگر چه در یک پایه سطحی تر، از مثالهای ساده برای توضیح مفاهیم کلیدی و تکنیکها استفاده می‌شود. دروس اجباری آموزش شامل (I) زبان، ادبیات، هنر؛ (II) علوم اجتماعی؛ (III) ریاضیات، علوم و تکنولوژی؛ (IV) دینی (به نظر شخصی ایالتها و گذار شده است) و (V) تربیت بدنی، در این بخشهای تعیین شده، دوره تحصیلات به سطوح ابتدایی و پیشرفته تقسیم شد.



❖ **دوره‌های ابتدایی و پیشرفته در تعداد نسبت‌ها فرق می‌کند:**

- ❖ -تعداد دوره‌های هفتگی ( سه بار برای دوره‌های ابتدایی، پنج الی شش بار برای دوره‌های پیشرفته)
- ❖ -پیچیدگی موضوع دروس
- ❖ -درجه مهارت و پراکندگی
- ❖ -درجه‌ای از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که دروس را یاد گرفته و بتوانند به طور مستقل فعالیت نمایند.

- ❖ در طول کلاسهای ۱۲ و ۱۳ دانش‌آموزان باید ۲۲ کلاس هفتگی در هر نیمسال در هر دو بخش I (زبان، ادبیات و هنرهای زیبا) و III (ریاضیات و علوم) و کلاسهای ۱۶ هفته‌ای در بخش II (علوم اجتماعی) را بگذرانند. دانش‌آموزان وارد شده به پایه ۱۲ باید دو کلاس پیشرفته را انتخاب کنند که یکی از آن‌ها باید ریاضی یا علوم باشد. دومی می‌تواند از گروه کلاسهای فلسفه، فیزیک و علوم کامپیوتر انتخاب شود. هدف از قوی کردن اطلاعات پایه دانش‌آموزان انجام اصلاحات در تمام مقیاس‌های درجه بندی، بمنظور کاهش بار موجود در کلاسهای پیشرفته بود که اکنون هر کدام به ارزش ۳۰ امتیاز می‌باشند. قبل از برنامه اصلاحات ۱۹۸۷، آزمون‌های نهایی در دوره ابتدایی و دوره پیشرفته هر کدام در کل ۳۰۰ امتیاز را از کل ۹۰۰ امتیاز کسب کردند. از زمان اصلاحات ۱۹۸۷ دانش‌آموزان می‌توانند در کل ۸۴۰ امتیاز کسب کنند که ۳۳۰ امتیاز از دوره ابتدایی، ۲۱۰ امتیاز از دوره پیشرفته و ۳۰۰ امتیاز از آزمون‌های **Abitur** بدست می‌آید.
- ❖ بنابر این ارزش دوره‌های ابتدایی افزایش یافت، حال آنکه از ارزش دوره‌های پیشرفته کاسته شد دانش‌آموزانی که فقط در دوره‌های پیشرفته خوب بودند حداکثر ۳۰ درصد کمتر امتیاز را در آزمون **Abitur** ۱۹۸۷ بدست آوردند. در ارزیابی مجدد تعداد کلاسهای ابتدایی مورد نیاز از ۲۰ به ۲۲ افزایش یافته بود حال آنکه تعداد کلاسهای پیشرفته از ۸ به ۶ کاهش یافته بود. در اصلاحات ۱۹۸۷ تمام دانش‌آموزان باید حداقل در دو درس از دروس زیر نام نویسی کنند. آلمانی، یک زبان خارجی یا ریاضیات، در پایان، اگر آلمانی به‌عنوان مرحله اولیه کلاس پیشرفته گرفته شود، موضوع یکی از چهار آزمون **Abitur** باید ریاضی یا زبان خارجی باشد.
- ❖ در ایالت مرکزی، خط مشی‌های رسمی آموزش درجه بالایی از انعطاف پذیری مناسبی را در انتخاب مبحث تدریس در اختیار معلمان **Gymnasium** قرار می‌دهد. براساس این خط‌مشی‌های آموزشی، اعضای کمیسیون مربوط به هر موضوع درباره موضوعاتی که باید در دوره یک یکساله تدریس شوند، تصمیم می‌گیرند. هدفهای آموزشی در دوره تحصیلات ریاضی برای سطح بالاتر **Gymnasium** در ایالت مرکزی مطالبی شامل پرورش موضوع با توجه به انگیزه‌ها، جهت یابی مثبت به سمت ریاضی، تشویق تفکر خلاق و ابتکار، بالابردن توانایی گفتگو و همکاری، پیدا کردن راهکارهای عملی برای مفاهیم ریاضی، بدست آوردن مترادفهای منطقی برای مفاهیم ریاضی، واقعیات و مراحل، گرایشهای کار، محدودیتها و امکانات، ماشین حسابها، و دیگر وسایل کمکی را توجیه می‌کنند. به علاوه خط‌مشی‌های دوره تحصیلات بحث تفاوت‌های موجود بین دوره‌های پیشرفته و ابتدایی، فهرستی از **Abitur** اجباری مربوط به سر فصلها، توصیف دوره مربوط به پایه‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ را نمایان می‌سازند. توصیف هر دوره های شامل یک توضیح مختصر، پیش نیازها، سر فصلها و تفاسیر می‌باشد. در ایالت‌های جنوبی، هیئت آموزش گروههای کاری تشکیل داد که وظیفه آنها بررسی وضعیت ویژه دوره تحصیلات می‌باشد و بنابراین طرحهای تدریس و معیارها با همکاری معلمانی که عضو این گروه هستند بهبود می‌یابند. دوره تحصیلات جدید و اصلاح شده به اندازه دوره تحصیلات قبلی سر فصل ندارد و معلمان گفتند که زمان فراوانی برای تدریس مطالب دارند. دوران تحصیلی در ایالت جنوبی به طور متوسط هر ۵ سال، بسته به نیاز، اصلاح می‌گردد. بعضی سر فصلها بدون تغییر باقی می‌مانند، حال آنکه احتیاج است بقیه به طور مرتب با تغییر اطلاعات اصلاح شوند. دوره تحصیلات نه تنها به معلمان می‌گوید چه چیزی را باید تدریس کنند بلکه آنها را در اینکه چگونه این مطالب در هر سال تحصیلی باید تقسیم شوند راهنمایی می‌کند. برای مثال تجربه و تحلیل دوره معلمان اذعان داشتند که دوره های تحصیلات اخیر به اندازه لازم نمی‌باشد اما شامل موضوعات مورد نیاز برای یادگرفتن می‌باشد.

## سیستم آموزشی کلاسی‌های درسی

❖ مدارس آلمان، دانش‌آموزان ورودی جدید را در کلاس‌هایی تقسیم می‌کنند که معمولاً در بسیاری از سال‌ها در کنار یکدیگر باقی می‌مانند. برای مثال یک مدرسه **Hauptschule** ممکن است ۱۲۰ دانش‌آموز پایه پنجم را به چهار کلاس **A5, B5, C5, D5** تقسیم کند. طی سال بعد، کلاس **A5, A6** می‌شود. بنابر این دانش‌آموزان مدت زمان زیادی از زمانشان را در مدرسه با یک گروه ثابت شامل ۲۵ تا ۳۰ همکلاسی می‌گذرانند. گاهی اوقات با ورود دانش‌آموزان جدید، دانش‌آموزان از یکدیگر جدا می‌شوند. به علاوه، دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر در **Gymnasium** یک سیستم دوره‌ای را دنبال می‌کنند که کلاس‌ها بر طبق علائق دانش‌آموزان به دوره‌های مختلف تقسیم می‌شوند. گذراندن چنین زمان زیادی با یک گروه ثابت از هم کلاسی‌ها و اعتمادی دو طرفه را پرورش می‌دهد. بر طبق گفته معلمان، یکی از سخت‌ترین زمان‌ها در یک مدرسه، با انتقال بعد از پایه چهارم است، یعنی وقتی دانش‌آموزان از یک کلاس مدارس ابتدایی (که ۴ سال در آن با هم بوده‌اند) خارج می‌شود و به انواع مختلفی از مدارس مقدماتی متوسطه منتقل می‌شوند. گروه‌های هم کلاسی و روش برخورد با مدرسه، در مدارس مقدماتی متوسطه، دانش‌آموزان بیان کردند. که آنان براساس تجربه‌های مدارس قبلی شان به گروه‌هایی تقسیم شوند. اغلب دانش‌آموزان **Gymnasium**، رفتارهای منفی دانش‌آموزان را در **Hauptschule** و **Realschule** بیان کردند. برای مثال آن‌ها گفتند دانش‌آموزان **Realschule** نیاز دارند بمنظور فهم مطالب، چیزهایی به صورت پیوسته برای آن‌ها توضیح داده شود. و دانش‌آموزان **Hauptschule** تنبل هستند. در مقایسه دانش‌آموزان **Gymnasium**، خودشان را به عنوان افراد ماهر، متفکران منطقی و افرادی قادر به حل مسائل به تنهایی معرفی کردند. چنین نگرشی توسط معلمان، والدین و جامعه شکل گرفته است. برای مثال والدین و معلمان اغلب بیان کردند، افراد ویژه‌ای برای **Gymnasium** مناسب هستند، در حالیکه افراد متفاوتی برای **Realschule** مناسب می‌باشند. بر طبق گفته معلمان ایالت شرقی از هر دو **Gymnasium** و مدرسه ترکیبی **Haupt/Realschule** که در یک حیاط شریک بودند، دو مدرسه باید برنامه زنگهای تفریح را برای دانش‌آموزان در زمان‌های مختلف تنظیم می‌کردند. وقتی قبلاً دانش‌آموزان **Gymnasium** و **Haupt/Realschule** زنگهای تفریحی در یک زمان داشتند، بین آن‌ها درگیریهایی بوجود می‌آمد. از زمانی که برنامه زنگهای تفریح در ساعتهای مختلف روز تنظیم شده‌اند، تعداد جنگها کاهش یافته است. علاوه بر رقابتها و تقسیمات بین مدرسه‌ای، دانش‌آموزان یک مدرسه اغلب خودشان را به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌کنند. گروه‌های همکلاسی مراجع اجتماعی برای نوجوانان بوجود می‌آورد که به پرورش رفتارهای عادی کمک می‌کند و بنابراین بر عملکرد مدرسه هم تاثیر دارد. معلمان **Gymnasium** ذکر کردند که بهترین دانش‌آموزان آن‌ها اغلب با دوستانشان بطور دسته جمعی مطالعه می‌کنند.

## آموزش استثنایی

❖ اگر چه حرکتی به سمت یکی کردن دانش‌آموزان ناتوان در سیستم تحصیل همگانی وجود دارد، تعداد کمی از دانش‌آموزان ناتوان اخیراً در مدارس عمومی تحت مراقبت قرار گرفته‌اند. میان دانش‌آموزانی که با آن‌ها مصاحبه کردیم، فقط معلمان مدرسه **Grund schule** و یکی از معلمان مدرسه **Hauptschule** از داشتن تعداد کمی (یک یا دو) دانش‌آموز ناتوان در کلاسشان صحبت کردند. دانش‌آموزان ناتوانی که در



مدرسه Grundschule مشغول تحصیل بودند اغلب دانش‌آموزانی بودند که از نظر لغوی، یادگیری یا رفتاری ناتوان بودند. معلمان متذکر شدند که آن‌ها برای نگهداری این دانش‌آموزان در مدرسه Grundschule تلاش می‌کنند و در صورت لزوم به آنها فرصت تکرار دوباره کلاس را خواهند داد تا اینکه این دسته از دانش‌آموزان حداقل بتوانند از مدرسه Grundschule فارغ‌التحصیل شوند. تعداد کمی از معلمان از بار مسئولیت اضافی که هنگام یکی کردن این دانش‌آموزان بر دوش آنهاست صحبت کرده‌اند زیرا این دانش‌آموزان نمی‌توانند به راحتی خود را به سطح کلاس برسانند. به هر حال یکی از معلمان گفت که دانش‌آموزان دیگر کلاس می‌توانند از وجود یک بچه ناتوان سود ببرند. این دانش‌آموز ویژه ممکن است چیزهایی بداند که دیگران نمی‌دانند. کودکان بردباری را می‌آموزند. چندین نفر گفتند با وجود اینکه تعداد کمی از دانش‌آموزان ناتوان وجود داشتند که در سیستم تحصیلی عمومی تحت مراقبت بودند، با یکی سازی آن‌ها موافقت و احساس کردند که این امر برای فرزندانشان مفید خواهد بود که (از مراحل بسیار اولیه) طرز برخورد با دانش‌آموزان ناتوان را بیاموزند. معلمانی که در کلاس خود دانش‌آموزانی با ناتوانی‌های یادگیری یا رفتاری دارند. از حجم محدودی از حمایت‌های آموزشی داخل کلاسی برخوردار می‌باشند. ایالت برای چنین معلمان ویژه‌ای که حدود ۵ ساعت در هفته و بطور شخصی با دانش‌آموزان ناتوان کار می‌کنند بودجه‌ای فراهم می‌کند. اگر چه قوانین در برخی ایالت‌ها به کودکان با ناتوانی‌های جسمی اجازه می‌دهد در سیستم مدارس عمومی تحصیل کنند، معلمان و دانش‌آموزانی که با آنها گفتگو کردیم همگی متذکر شدند که هیچ دانش‌آموز ناتوان از نظر جسمی اخیراً در مدرسه آنها ثبت نام نکرده است. تنها مورد استثنایی دانش‌آموزی در یکی از مدارس Berufs Schule بود که از صندلی چرخدار استفاده می‌کرد. اغلب مدارس عمومی برای دانش‌آموزانی با ناتوانی جسمی وسایل کمکی کافی نداشتند. زمانیکه راجع به این مسئله بحث می‌شد، معلمان متذکر می‌شدند که مدارس Sonder Schule مخصوصاً برای نیازها جسمانی ویژه دانش‌آموزان ناتوان طراحی شده است. قوانین حاکم بر مدارس Sonder Schule مشابه می‌باشند اما میان ایالت‌ها کاملاً یکسان نمی‌باشند و ممکن است بر اساس سطح ناتوانی تغییر کند. عموماً این دسته از کودکان برای رسیدگی در Sonder Schule توسط والدین خود، قیم‌ها و یا مدارس عمومی که در آن نگهداری می‌شود به مدارس Sonder Schule معرفی می‌شوند. از این کودکان معمولاً یکسری آزمون گرفته می‌شود که شامل ارزیابی کودک توسط معلمی از مدرسه Sonder Schule به منظور ارزیابی سطح توانایی یادگیری، تفکر و فهم او می‌باشد. این امتحانات همچنین شامل یک آزمایش پزشکی و شاید یک آزمایش بوسیله روان‌شناس مدرسه می‌باشد. بدنبال این آزمایشات و بر اساس نتیجه آنها، مدرسه به کمک والدین کودک تصمیم می‌گیرند که کودک را در مدرسه Sonder Schule نگهداری کنند یا در مدرسه Grundschule.

❖ والدین و معلمان در مدارس عادی با محدودیت‌های کودکان ناتوان در این مدارس آشنا بودند اما اطلاعات محدودی از مدرسه Sonder Schule داشتند. ما قادر به بازدید از مدرسه Sonder Schule نبودیم اما اطلاعات برای گزارش‌های منتشر شده در دسترس می‌باشد. چندین فرم اولیه مدرسه Sonder Schule در آلمان وجود دارد، اگر چه آنها تا اندازه‌ای در هر ایالتی متفاوت می‌باشند. این فرم‌ها شامل مدرسی برای کند ذهن‌ها، اختلالات رفتاری، ناتوانی فکری، ناتوانی جسمی، ناتوانی سخن گفتن، ناتوانی شنوایی و ناتوانی بینایی می‌باشند. حدود ۱۸ درصد از مدارس Sonder Schule به طور خصوصی اداره می‌شوند و اغلب آنها برای آموزش و تربیت حس تخریب شده تخصص یافته‌اند. (KMK ۱۹۹۳) اکثر مدارس

Sonder Schule نیمروزی هستند. از کل جمعیت مدرسه حدوداً ۴ درصد در ثبت نام می‌شوند. بیش از نیمی از این دانش‌آموزان در مدارس برای آموزش ناتوان‌ها مشغول می‌شوند. تنها ۱۵٪ درصد از تمام دانش‌آموزان برای مشکلات رفتاری در مدرسه Sonder Schule نگهداری می‌شوند. این مدرسه برای آموزش دانش‌آموزان ناتوان تا حدی در دستیابی به اهدافش موفق بوده است. کودکان مبتلا به ناتوانی‌های جسمانی شانس بهتری برای کامل کردن تحصیلاتشان دارند. اغلب کودکان مبتلا به ناتوانی حسی مورد نیاز برای گواهی نامه Hauptschule را دارا می‌باشند و بسیاری از دانش‌آموزانی که اختلالات بینایی یا شنوایی دارند شرایط مورد نیاز برای گواهی نامه Realschule را یا شرایط مورد نیاز برای کسب مدرک Abitur را از مدرسه Sonder Schule دارا می‌باشند. (MPI ۱۹۹۴) اگر چه معلمان مدارس عمومی آلمان که با آنها ملاقات کردیم اظهار داشتند که از وجود هر گونه دانش‌آموز با اختلال حسی در مدرسه ناآگاه بودند، مدرسه‌ای معلمی را استخدام کرده بود که نابینا بود.

### آموزش دانش‌آموزان با استعداد

هیچ برنامه سازمان یافته‌ای در دوره Grundschule جهت ترقی دانش‌آموزان با استعداد در چهار سال اول تحصیلاتشان وجود ندارد. معلمان و والدین عقیده داشتند که تلاش برای ترقی دانش‌آموزان با استعداد به عهده معلمان کلاس گذاشته شده بود. بعضی معلمان نیز به دانش‌آموزان با استعداد در کلاس تمرینهای اضافی یا مقدار کمی تکلیف اضافی می‌دهند اما هیچ سیاست تحصیلی یا خط مشی ویژه دولتی برای تعیین وظایف مدارس وجود ندارد. معلمان باور داشتند که هوش و توانایی دانش‌آموزان باید تقویت و تشویق شوند، اما آموزش کودکان، باید شامل یادگیری گروهی و کمک به یکدیگر باشد مدرسه Grundschule به این صورت تأسیس شده بود که برنامه‌های آزمایشی لذت بخشی به دانش‌آموزان ارائه نماید. معلمان و والدین باور داشتند که دانش‌آموزانی که از نظر تحصیلی توانا تر بودند به مدارس با خواسته‌های بالاتر ترقی خواهند یافت و هیچ احتیاجی برای ایجاد فشار بیشتر به آنها وجود ندارد. سیستم آموزشی سنتی سه گانه، که در پایه پنجم شروع می‌شود، برای ارتقاء دانش‌آموزان باهوش تر به مدارس پر رقابت تر مانند مدرسه Gymnasium طراحی شده است. دوره تحصیلی، معیارهای عملکرد، جهت‌یابی تحصیلی آموزش در مدرسه Gymnasium به معنی رقابت برای بهترین‌ها می‌باشد و اگر چه دامنه‌ای از تواناییها در مدرسه Gymnasium به چشم می‌خورد، معیار بالایی که برای ورود دانش‌آموزان به مدرسه Gymnasium در نظر گرفته می‌شود حاکی از توانایی بالای دانش‌آموزان عضو این مدرسه می‌باشد.

اغلب دانش‌آموزان عقیده داشتند که در پایه‌های ۱۲ و ۱۳ فرصت بیشتری در یادگیری زبان آموزشی Leistung Skurse در اختیار دانش‌آموزان با استعداد قرار می‌گیرد. زیرا این دوره‌ها متمرکزترند و حتی یک سطح بالاتر از دوره‌های عادی مدرسه Gymnasium نیز ارائه می‌دهند. اغلب توضیح داده شده است که برنامه‌های ویژه‌ای برای دانش‌آموزان با استعداد در مدرسه Gymnasium وجود ندارد. به هر حال سیستم وسایل دیگری برای ترقی دانش‌آموزان با استعداد فراهم می‌کند. اگر چه این معمول نیست، معلمان و دانش‌آموزان بیان کردند که به دانش‌آموزان با استعداد اجازه داده شده است که یک پایه را جهشی بخوانند. یک معلم دانش‌آموزی را می‌شناخت که به او اجازه داده شده بود پایه ۵ را جهشی بخواند، و یک دانش‌آموز متذکر شد که به یکی از همکلاسیه‌هایش اجازه داده شده بود که پایه ۱۱ را

جهشی بخواند... بخاطر افراد محدود در مطالعه ما که از این میزان شیوع آگاه بودند، نمی‌توانیم بیان کنیم که آیا برخی پایه‌های آسان‌تر وجود دارند که بتوان در آن جهشی خواند یا آیا پایه‌ای که یک دانش‌آموز جهشی می‌خواند به آن دانش‌آموز ویژه وابسته است یا خیر. اگر چه مدارس خودشان برنامه‌ها یا کلاس‌های ویژه‌ای برای دانش‌آموزان با استعداد نداشتند، تعداد کمی فعالیت اضافه بر دوره تحصیلی گاهی از طریق مدارس در دسترس بودند. معلمان و دانش‌آموزان اظهار داشتند که تعداد کمی فرصت‌های محدود مانند رقابت‌های تحصیلی و سمینارهای خارج از برنامه مدرسه و فرصت‌های تحقیقی برای دانش‌آموزان باهوش در دسترس بوده‌اند... با توجه به محدودیت مطالعات ما، قادر به تخمین میزان بروز این اتفاق نبودیم... همچنین نتوانستیم تعداد دانش‌آموزان درگیر در این فعالیتها و تفاوتها در سراسر ایالتها را مشخص کنیم. به هر حال، به ما گفته شد که میزان شرکت دانش‌آموزان در این فعالیتها بر پایه عملکرد تحصیلی آنها در مدرسه **Gymnasium** استوار بود و به توصیه‌های معلم نیز بستگی داشت. جای هیچ شگفتی وجود ندارد که وقتی از معلمان مدرسه **Realschule – Hauptshule** درباره برنامه‌ها یا منابع مورد اختیار دانش‌آموزان با استعداد سؤال شد، پاسخ عمده این بود که در این مدارس هیچ کلاس یا برنامه خاصی وجود ندارد... بهترین و درخشان‌ترین دانش‌آموزان به مدرسه **Realschule Hauptshule** وارد نمی‌شوند زیرا در اغلب موارد به مدرسه **Gymnasium** منتقل شده‌اند. استثناء نادر در مورد دانش‌آموزان دختر مسلمانی بود که گاهی وارد مدرسه **Gymnasium** نمی‌شدند بدلیل اینکه از نظر والدین آنها کسب مدرک **Arbitur** برای دختران ضروری نمی‌باشد.

❖ در بعضی از ایالات آلمان مدارس **Gesamtschule** تأسیس شده‌اند. در این ایالات والدینی که به اهداف و فلسفه این مدارس باور دارند می‌فرستند اگر چه مدرسه **Gesamtschule** تنها درصد کمی از دانش‌آموزان دوره آموزش مقدماتی متوسطه را ثبت نام می‌کند... همانطور که قبلاً ذکر شد مدرسه **Gesamtschule** ارائه دهنده دوره‌های **A, B, C** می‌باشد. دانش‌آموزان با عملکرد بالا که شامل دانش‌آموزان با استعداد می‌باشد حین تحصیل در پایه ۱۰ در کلاس‌های آموزشی دوره **A** نیز ثبت نام می‌کنند. کاملاً واضح است که دانش‌آموزان با استعداد وارد سیستم سه‌گانه می‌شوند. **Gymnasium** مدرسه‌ای سخت‌گیر و پرقاب است که دانش‌آموزان را برای زندگی منطقی و تحصیل در دانشگاه آماده می‌کند. دانش‌آموزان پس از ترک مدرسه **Grundschule** را طبق انتخاب والدین خود وارد مدرسه **Gymnasium** می‌شوند. در مناطق شهری والدین می‌توانند یکی از بهترین انواع مدارس **Gymnasium** را برای فرزندان با استعداد خود برگزینند. البته مدرسه **Gymnasium** با برتری رسوم قومی‌اش فرصت بیشتری جهت تکمیل تحصیلات دانش‌آموزان با استعداد فراهم می‌کند.

## اهداف آموزشی

❖ این سؤال که چه عاملی باعث "آموزش مناسب" می‌گردد در بین والدین، دانش‌آموزان و خصوصاً معلمان بحث مهمی را بوجود آورده است. به طور کلی معلمان تمایل دارند تا بر روی یکی از ۳ راهی که آموزش زندگی افراد جوان را شکل می‌دهد، تاکید کنند: پیوستن به جامعه، توسعه فردی و شخصی و فراگیری دانشها. بسیاری بر این باورند که ریاضیات، آلمانی و مطالعات مهمترین دروسی هستند که باید در مدارس

ندریس شوند و به نظر بسیاری از معلمان، والدین، و دانش‌آموزان، علوم طبیعی (شیمی زیست شناسی، فیزیک) و زبانهای خارجی از مهمترین دروس می باشند.

❖ معلمان بر این عقیده می باشند که آموزش باید سه وظیفه اصلی را به انجام برسانند و پیشرفت‌های دانش آموزان در مسائل اجتماعی، شخصی، فکری، را ترقی دهد. همچنین برسر این نکته که آموزش تنها در مدرسه اتفاق نمی افتد نیز توافق دارند. به نظر آنها آموزش در خانواده، دوستان و جامعه نیز اتفاق می افتد اما معلمان در ۱ موضوع توافق ندارند و آن مزیتها و برتریهای انواع مختلف مدارس می باشد: معلمان **Gymnasium** بیشتر خواستار اظهار کردن هدف علمی و فرهنگی آموزش بوده‌اند، در حالی که معلمان **haupt/realschule** بیشتر خواستار تأکید بر نقش مهم آموزش به عنوان عامل اجتماعی کننده در نوجوانان می باشد. در مقابل، معلمی از **gesamtschule** و چندین نفر از والدین گفتند که به وظایف ابتدایی به آموزشهای فرعی رسیدگی کرده‌اند تا انگیزه پیشرفت و توسعه دانش آموزان ایجاد شود. تعریف کلی هدف آموزش توسط بزرگترین اتحادیه معلمان در آلمان (به اختصار **GEW**) منتشر گردیده است که هر سه دیدگاه را درباره آموزش خلاصه و تلفیق کرده است: آموزش توانایی قدرت بخشیدن به افراد سوق دادن مسیر زندگی افراد به سمت استقلال، تصمیم گیری درباره نقش آنها در اجتماع، و استفاده از نقش فعالشان در شکل دادن جامعه و روابط اجتماعی را دارا کی باشد. آموزش پیش نیازی برای شناخت راه زندگی افراد می باشد آموزش برای این است که افراد لایق تر و مسئول تر شوند. بنابر این مفهوم آموزش هر دوی پیشرفتهای شخصیت فردی و اجتماعی را در بر می گیرد. و با قدرت دادن هر یک از ن شخصیت‌های فردی باعث تغییر دادن اجتماع می شود. چیزی که روی زندگی کل افراد جامعه تأثیر خواهد گذاشت. معلمان **Gymnasium** مکرراً بر روی فهرستی از مهارت‌های خاص و تواناییهای ویژه که در آن پایه‌های آموزش خوب شکل می گیرد تأکید می نمایند. برای مثال، یکی از معلمان **Gymnasium** اظهار داشت که یک شخص تحصیل کرده باید حداقل بر ۱ یا ۲ زبان خارجی تسلط کامل داشته باشد و آگاهی بنیادی از جریانات سیاسی، قدرت درک و صحبت و درباره ریاضیات و نظریات علمی و یا توانایی بالا برای تفکر انتقادی و برهان آوری در اختیار داشته باشد. آموزش با اتمام مدرسه به پایان نمی رسد و در دوران کار و شغل افراد ادامه می یابد، پیشنهاد آموزش مناسب، قدرت پیدا کردن دلیل، تفکر انتقادی و حل کردن مشکلات می باشد. آگاهی از بعضی مسائل نیز ضروری می باشد. یک شخص باید قادر به کار با اعداد، ماهرانه صحبت کردن در باره نظریات و گفتگوهای هوشمندانه باشد. و طرز کار با تکنولوژی جدید را بداند. اگر چه معلمان **Gymnasium** تأکید بر آموزش اجتماعی شدن دارند اما یکی از معلمان بیان کرد که دو نوع آموزش وجود دارد: اول، آموزش به عنوان اطلاعاتی منحصر به فرد مانند جبر و شیمی و دوم، آموزش به عنوان عامل اجتماعی کردن افراد با توجه به نظر کلیه معلمان، نوع دوم در ایفای ۱ آموزش خوب و مناسب بسیار مهمتر می باشد. معلمان مدارس **hanpt/Realschule** در بحث دانش مورد نیاز برای آموزش مناسب و خوب به مهارتهایی اصلی از قبیل توانایی خواندن، فهم ریاضی و اعداد، و درک قوانین و سیستم سیاسی دولت و کشوری که فرد در آن زندگی می کند، اشاره می کنند. در برابر معلمان **Haupt/Realschule**، معلمان **Gymnasium** بیشتر بر اهمیت نقشهای اجتماعی آموزش تأکید دارند: آموزش خوب و مناسب به معنی توانایی سر و کار با مشکلات مختلف و درگیریهای اجتماعی در حال افزایش می باشد و پیدا کردن راهی برای شخصی که می خواهد مستقل و مسئول باشد برود. البته در ۱ جامع دموکراتیک، این به معنی فهمیدن مشکلات جامعه دموکراتیک می باشد. یک فرد تحصیل کرده می داند که چگونه در یک جامعه دموکراتیک زندگی کند. معلم **hanpt/realschule** چنین تأکید می کند که مدرسه به تنهایی نمی تواند وظایف لحظه‌ای آموزش جوانان را کامل کند بیشتر یک آموزش خوب و مناسب باید « به طور بنیادی » و به صورت یکنواخت در کل زندگی پرورش داده شود. بسیاری از والدین

و معلمان اظهار کردند که اهمیت آموزش برای پرورش دادن پیشرفتهای فردی و ترقی در نظم شخصی باید به افراد جوان نشان دهیم که چه توانایی و استعدادهایی دارند که در حقیقت دانش‌آموزان طرز چگونگی یادگرفتن را می‌آموزند و در طول این جریان می‌غهمند که قادر به تمرکز بر روی هر مطلبی می‌باشند و مفهوم هر موضوع را یاد می‌گیرند همینطور به چندین نفر از والدین دانش‌آموزان دبستانی عقیده داشته‌اند که هدف آموزش پرورش پیشرفتهای فردی می‌باشد.

## معضلات آموزشی

چندین بحث با زیر سؤال قرار دادن سیستم مدارس آلمان، توجه معلمان، و والدین و دانش‌آموزان را به خود معطوف کرد. یکی از اصلی‌ترین این بحثها در سیستم آموزش آلمان، سنی است که در آن دانش‌آموزان برای ورود به یکی از ۴ نوع مدارس متوسطه انتخاب می‌شوند. در بیشتر موارد دانش‌آموزان بعد از کلاس چهارم به یکی از مدارس *Gymnasium*، *realschule*، یا *gesamtschule* وارد می‌شوند. به طور کلی دانش‌آموزان، معلمان و والدین از مدارس *Gymnasium* از سیستم موجود راضی می‌باشند در حقیقت تعدادی از معلمان *Gymnasium* آرزوی برگشتن سیستم‌های انتخابی گذشته را دارند، بسیاری از دانش‌آموزان *Gymnas* از سیستم کنونی مدارس حمایت می‌کنند و اغلب می‌گویند که پذیرش آنها در به *Gymnasium* براساس هوش آنها بوده است. به عقیده بسیاری از معلمان باید دانش‌آموزان عالی از یکدیگر جدا شوند تا بتوانند نیرو و توان آکادمیک خود را کامل کنند. آلمان کشوری است بدون منابع طبیعی، و بیشتر از نظر صنعتی توسعه یافته است. آلمان تنها می‌تواند به کشورهای خارجی مغزها، مهارت‌های و توانایی‌ها خود را صادر کند. بنابراین بسیار بی‌رحمانه می‌باشد که مدارس ما کودکانمان را برای رشد ذهنی پرورش می‌دهد. بنابراین که سیستم مدارس آلمان مناسب می‌باشد البته باید برای دانش‌آموزان موقعیتهایی وجود داشته باشد تا حرکتی صعودی از *realschule* به *Gymnasium* داشته باشند. اما این موقعیتهای بعد از کلاس چهارم، ششم و دهم بوجود می‌آیند در مقابل، اساتید، والدین و دانش‌آموزان از دبستان‌های دیگر به عنوان عیب جویی از سیستم موجود، به طور کلی گفتند که کلاس چهارم “زمان خیلی زودی برای تصمیم‌گیری و تقسیم‌بندی می‌باشد”. پدر یکی از دانش‌آموزان مدرسه فنی حرفه‌ای می‌گفت که سیستم مدارس آلمان برای پرورش دادن دانش‌آموزانی که از نظر اجتماعی و روانشناسی پیشرفت کرده باشند، مناسب نمی‌باشند. او در ادامه گفت: سیستم آموزشی، آلمان شرق سابق در مقایسه با سیستم فعلی، زمان زیادی را برای تصمیم‌گیری دانش‌آموزان، اساتید و والدین در مورد مدرسی که در آن علاقه و توانایی‌های دانش‌آموز قرار گرفته است، اختصاص می‌داده است.

## سیستم نمره دهی

معیارهای سختی امتحانات و شیوه نمره دادن در مدارس *Gesam tschale* متفاوت می‌باشد یک معلم نمره «۱» در *Realschule* را با یک نمره «۳» در *Gesamtschule* مقایسه کرد و اضافه نمود دانش‌آموزان ضعیف *Gesamtschule* با نمره «۴» یا «۵» قادرند در *Realschule* نمره «۳» بدست بیاورند. برآورد شده است که تفاوت رتبه بندی بین *Hauptschule* و *Realschule* در حدود ۱/۵ الی ۱/۵

نمره نی باشد در انواع مدارس کارنامه ها به همراه آزمون‌های اصلی ۲ بار در سال به خانه دانش‌آموزان ارسال می‌گردند و باید بوسیله والدین دانش‌آموزان مورد ملاحظه قرار گیرد. نمره دانش‌آموز برای هر درس شامل نمره آزمون، فعالیت کلاسی، تکالیف و آزمون‌ها می‌باشد. دانش‌آموزان **Hauptschule** هر سال در هر یک از دروس ابتدایی آلمانی، انگلیسی و ریاضی شش تا هشت آزمون می‌دهند. در هر صورت، آمادگی دانش‌آموزان **Hauptschule** برای آزمون‌ها معمولاً حداقل می‌باشد. از دانش‌آموزان **Hauptschule** در ایالت مرکزی ندرتاً برای رفتن به کلاس بالاتر ممانعت به عمل می‌آید. برای اینکه دانش‌آموزان به پایه بعدی ترقی کنند هر نمره ۵ در کارنامه دانش‌آموزان باید بوسیله یک نمره ۴ در موضوعی دیگر معدل گیری شود. اگر چه کارنامه ها به خانه فرستاده می‌شود تا بوسیله والدین مورد ملاحظه قرار گیرد، اما دانش‌آموزان گفتند که به طور طبیعی درباره نمراتشان با والدین بحث و گفتگو نمی‌کنند. یک معلم پایه نهم توضیح داد که کارنامه به‌عنوان « اخطار مدرسه به والدین در باره پیشرفت تحصیلی فرزندانشان » می‌باشد. والدین برای ملاقات با معلمان ازادند، آن‌ها باید قادر به توجیه نمره‌ها باشند. در موارد افزایش نارضایتی، والدین در آلمان می‌توانند مستقیماً از پیگرد قانونی استفاده کنند. در هر صورت این مسأله هرگز در **Hauptschule** اتفاق نمی‌افتد. دانش‌آموزان **Realschule** در هر سال تحصیلی در دروس ابتدایی شان شامل ریاضی ۶ آزمون اصلی می‌دهند. در درس علوم، دانش‌آموزان بیشتر بر اساس کارهای تجربی و آزمایشی داخل کلاس ارزیابی می‌شوند تا بر اساس آزمون‌های کتبی معلمان **Realschule** در ایالت مرکزی عموماً خود آزمون‌ها را تدوین می‌کنند. یک معلم توضیح داد که او گهگاه آزمون‌های فیزیک و ریاضی را در همکاری با یک معلم دیگر تدوین کرده است. به هر حال این مکرراً کار ساز نبوده زیرا سایرین معلمان، کلاسی با توانایی کمتر دارند و ممکن است تعیین تاریخی همزمان برای گرفتن آزمون سخت باشد. در پاسخ به سؤالی در ارتباط با نمره دادن و سطح سختی این معلم متذکر شد که موضوع تدریس شده در کلاس « ضعیف تر » متفاوت بود که در آن کلاس نسبت به کلاس خودش دستیابی به نمره « ۲ » ممکن و « احتمالاً آسان تر » بود. مانند **Hauptschule** و **Gesamtschule** و **Realschule** ایالت مرکزی از ارتقاء تعداد خیلی کمی از دانش‌آموزان ممانعت بعمل آمده است. یک نمره ردی در ۲ موضوع اصلی (آلمانی و ریاضی) باعث تکرار همان پایه خواهد شد. به هر حال جبران یک نمره ردی در یک موضوع بوسیله دست یابی به نمره بالاتر در سایر درس‌ها ممکن می‌باشد. اگر یک دانش‌آموز یک نمره ۵ در دینی و نمره ۲ در فیزیک گیرد، قبول خواهد شد.

❖ در ایالت جنوبی نمره‌های دانش‌آموزان **Realschule** بر اساس چهار آزمون درباره مباحث ابتدایی انگلیسی، آلمانی و ریاضی و یک آزمون شفاهی کوتاه ۱۰ تا ۱۵ دقیقه‌ای تعیین می‌تواند که هر زمانی می‌تواند گرفته شود. معلم فقط باید به دانش‌آموزان آگاهی دهد که آن‌ها بر اساس پاسخ گویی شان ارزیابی می‌شوند. آزمون شفاهی ممکن است فقط به مفاد کلاس‌های اخیر مرتبط باشد. تمام دوره‌های دیگر هر سال ۲ آزمون اصلی و یک آزمون شفاهی به عنوان آزمون رسمی دارند. به علاوه معیارهای لازم برای ارتقاء در ایالت جنوبی نسبت به ایالت مرکزی بالاتری می‌باشند. از دانش‌آموزان **Realschule** در ایالت جنوبی چنانچه نمره بالای ۵ بگیرند برای رفتن به پایه بعدی ممانعت به عمل خواهد آمد.

❖ امتحانات تکمیلی: دانش‌آموزان ایالت مرکزی در **Realschule** باکسب معدل رضایتبخش فارغ‌التحصیل می‌شوند. این حالت در بسیاری از ایالتها وجود دارد. اگر چه در بعضی ایالتها مثل ایالت جنوبی، بعد از پایه دهم باید از دانش‌آموزان یک آزمون تکمیلی پیشرفته گرفته شود. مانند **Abitur** در ایالت جنوبی،

در پایان هر سال مقیاس‌های بین تمام مدارس صورت می‌گیرد و معدل نمرات از طریق ایالت در روندی تبلیغاتی برای کلاس‌های ویژه معلمان یا مدارس منتشر می‌شوند. نتایج بوسیله مدیر آموزش جهت ارزیابی دقیق استفاده می‌شوند و معلمان باید هر انحراف منفی میانگین را توجیه کنند. اگر چه از دانش‌آموزان Hauptschule در اغلب ایالتها آزمون کلی گرفته نمی‌شود رتبه‌ای که آن‌ها در Hauptschule بدست می‌آورند می‌تواند برای تعیین آموزش‌های آینده و فرصت‌های کارآموزی مهم باشد. بخاطر دیپلم‌های بلا استفاده، دانش‌آموزان Hauptschule با رقابت سختی برای کارآموزی در هنرستانهای فنی پاره وقت روبرو هستند.

## آموزش پایه

### ❖ سیاست‌های آموزشی

❖ کودکان آلمانی در سن شش سالگی برای گذراندن مدت زمان ۴ سال آموزش ابتدایی نخستین وارد مدرسه می‌شوند. در این مدارس محیطی تربیتی آموزشی و اجتماعی برای کودکان آلمانی فراهم گردیده است. در مقایسه با مقاطع آموزشی بالاتر، این مدارس بسیار مساوات طلب می‌باشند. کودکان تحت کنترل شدید قرار نگرفته و بخاطر استعدادشان دسته بندی نمی‌شوند. هدف مدارس ابتدایی پرورش کامل استعدادهای نهفته هر کودک است. معلمان مدارس ابتدایی باور دارند که این مسئولیت آن‌ها است که به شناسایی کودکان ضعیف‌تر مبادرت نموده و به آن‌ها در زمینه درسی یاری برسانند. معلمان زمانی را برای کمک به دانش‌آموزان ضعیف‌تر چه در کلاس و چه بعد از کلاس اختصاص می‌دهند. آموزگاران به منظور بالابردن راندمان کلاس و برقراری ارتباط میان دانش‌آموزان و معلمان، اغلب همان گروه از دانش‌آموزان را به مدت یک سال درس می‌دهند، و بسیاری از معلمان و مدیران متذکر شدند که مدارس سعی می‌کنند یک معلم با همان کلاس از پایه اول تا پایه چهارم باقی بماند بنا به اعتقاد معلمان این عمل توانایی آنان در جهت دنبال کردن پیشرفت تحصیلی هر دانش‌آموز را افزایش داده و شرایط را برای حمایت شخصی از آنان فراهم می‌سازد. اگر معلم ضعف درسی کودک را تشخیص دهد، کودک ممکن است یکسال از درس عقب بیفتد چون ممکن است ضعف درسی با ورود به کلاس بالاتر بیشتر شود. به طبق آموزشی مقطع آموزش پایه تصمیم یک پایه درسی باید با جلب موافقت مسئولان مدارس صورت گیرد. با وجود اینکه در خصوص ابقاء تحصیلی دانش‌آموزان در یک پایه درسی نارضایتی‌هایی وجود دارد، اما افت تحصیلی در کلاس پیشین ننگ محسوب نمی‌شود. در عوض یک روش مهم برای پیشرفت به شمار می‌آید و با نظر مثبت کودک نسبت به آن انجام می‌شود اگر چه برای توانبخشی به کودکان ناتوان کارهایی صورت می‌گیرد، اما بیشتر آن‌ها به مدارس ویژه و نه مدارس معمولی فرستاده می‌شوند. مطابق سیاست‌های آموزش کشور مدرسه باید تجربه‌ای لذت‌بخش برای کودک باشد از این روی برقراری ارتباط با کودکان الزامی است. در این راستا، معلمان متذکر شدند که بازی‌های کلاسی که مشتمل بر تمرینات درسی به منظور جلب نظر و علاقه دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. شایان ذکر است که این سیاست طی دو سال اول آموزش کودک معمول است. آن‌ها عقیده دارند که آموزش رفتارهای اجتماعی جزء مهمی از برنامه آموزشی کودکان در مدارس پایه می‌باشد. بنا به اعتقاد بسیاری از کارگروهی موثر بوده و تدریس خصوصی به‌عنوان مکمل آموزش کلاسی در جهت بالا بردن سطح روابط اجتماعی و به منظور آسان کردن فرآیند یادگیری می‌باشند مورد

تاکید می باشد. آموزش مسئولیت پذیری به عنوان یک هدف مهم مطرح شده و معلمان وظایف کلاسی مانند آب دادن به گیاهان یا خارج کردن شیشه های شیر در ساعات تغذیه برای بالا بردن مسئولیت پذیری دانش آموزان را به آنها تکلیف می کنند. مفهوم نمره به عنوان معیاری نمایانگر عملکرد کلاسی به دانش آموزان پایه دوم و سوم آموخته می شود، بنابراین وقتی آنها وارد پایه چهارم می شوند کاملاً از سیستم نمره دهی آگاهی دارند. معلمان سبک آموزش کلاسی را نیز در پایه چهارم تغییر می دهند، آنها شروع به آموزش دروسی می کنند که جنبه نظری بیشتری داشته باشد. در این زمان همچنین از تعدادی برنامه های آموزشی کاسته می شود تا دانش آموزان پایه چهارم جهت ورود مقطع آموزش مقدماتی متوسطه آماده شوند. در واقع معلمین بر جدا سازی کودکان از محیط آرام ولی پر دغدغه مدارس ابتدایی مبادرت می نمایند.

❖ در پایان مقطع چهارم کودکان از مدارس ابتدایی به یکی از چندین مدارس مقدماتی متوسطه راه می یابند. معلمین پایه یکی از این مدارس را به دانش آموزان پیشنهاد می کنند. با این حال تصمیم گیری نهایی توسط والدین کودکان صورت می گیرد.

## آموزش عالی

❖ با وجود این که تحصیلات آکادمیک و حرفه ای تا حدودی نفوذ نا پذیر به نظر می آیند، اما راه های بسیار زیادی جهت دانش آموزان متحد و افراد حرفه ای است که می خواهند تحصیلات آکادمیک داشته باشند، در تمام دانشگاه های آلمان آموزش های تکمیلی برای دانش آموزان کلیه دانش آموزان به راحتی در دسترس بسیاری از رشته های تکنیکی و فنی در دانشکده های فنی (Fachhochschule) وجود دارد. همچنین دانشکده های خصوصی نیز موجود است و این دانشکده ها در همه ایالت ها گسترش یافته اند. دانش آموزانی که در Abitur تحصیل کرده اند دارای صلاحیت قانونی می باشند. که به دانشگاه های عمومی راه پیدا کنند. به عبارت دیگر Abitur برای دانش آموزان صلاحیت تحصیل در هر یک از دانشگاه های آلمان را فراهم می نمایند. در رشته های نظیر زیست شناسی، پزشکی، روانشناسی، شیمی و بسیاری باید داوطلبان Abitur نمره های بالاتری را جهت شرکت در این رشته ها کسب کنند. این دانش آموزان این شانس را نیز دارند که بعد از چند سال جایگزین در این رشته ها و یا در رشته های پایین تر مشغول شوند و یا به کشورهای دیگر جهت تحصیل بروند.

❖ دانش آموزان دبیرستانی (سال های اولیه) مانند برگسالانی که در کلاس شبانه تحصیل می کنند این راه را نیز دارند که در Abitur کارآموزی کنند و در آمد داشته باشند. به عنوان مثال هنرستان های فنی شغل یکی از این موارد است.

❖ دانش آموزانی که در هنرستان های فنی در حال تدریس هستند به صورت همزمان هم در کلاس های Abitur شرکت می کنند و هم واحدهایی را در دبیرستان های خود می گذرانند.

## آموزش فنی و حرفه ای

❖ سیستم دو گانه آموزش آلمان شامل کار نیمه وقت و تحصیل در کنار هم می باشد. وارد شدن در این سیستم دو گانه منجر به موفقیت و تکمیل تحصیل در مدارس می شود. تمام جوانانی که داوطلب آماده



شدن برای یک حرفه مناسب هستند باید در این سیستم شرکت کنند. به عنوان مثال ۶۰۰۰۰۰ دانش آموز یا دوسوم کسانی که تحصیل خود را تمام می کنند و در این سیستم می شوند. این دانش آموزان یک یا دو روز در هفته به صورت نیمه وقت به کار مشغول می شوند و بقیه هفته را به کلاس های درسی خود می پردازند. این کار آموزیها معمولاً بین دو تا سه سال بطول می انجامد و می توانند نمره های موفقیت- آمیزی در آزمون های پایانی بدست آورند. مدرسه Berufsschule یکی از مدارسی است که این سیستم های دو گانه را ارائه می کند. این مدرسه علاوه بر ارائه یک کارآموزی مناسب به دانش آموزان بعد از تمام تحصیلشان برای آنها شغلی در بازار کار در نظر می گیرد. آئین نامه پرورش قریب به ۳۷۰ شغل و حرفه را در اختیار دارد که به طور منظم با همکاری کارفرمایان، اتحادیه های کارگری معلمان، به روز می شود. آموزشگاه حرفه ای فدرال هدایتگر اصلی تحقیقات در زمینه تغییرات اقتصادی و تکنولوژی و آگاه سازی عموم می باشد. با توجه به اینکه حقوق و دستمزد معلمان توسط دولت ارائه می گردد و هیچگونه تصمیم گیری های فردی در آن وجود ندارد، مسئولیت مدرسه در زمینه کیفیت وسایل و تجهیزات و آموزش یکی از مهمترین مسئولیتها می باشد. مدیر یکی از مدارس گفت که قبلاً ۹۰ درصد دانش آموزانشان مدرک را نداشتند در حالی که الان مقدار بیشتر دانش آموزان با مدارک می باشند. به عبارت دیگر توانایی دانش آموزان بالاتر رفته است.

## توسعه و تکمیل دوره تحصیلات

❖ کمیته تکمیل دوره تحصیلات در نظر دارد که استانداردهایی را برای رضایت مردم توسط رأی گیری عمومی انجام دهد. بسیاری از معلمان بر این عقیده اند که بعضی متون درسی موجود بخاطر قدیمی بودن استفاده نمی شوند. آنها خواهان استفاده از اطلاعات جدید و بروز هستند. هنگامی که دانش آموزان به آزمون ها تکمیلی نزدیک می شوند تغییر دوره های تحصیلات امکان ناپذیر است و ۷۰ درصد سؤالات آن به صورت تستی می باشند. یکی از معلمان گفت که وظیفه اصلی آنها آماده کردن دانش آموزان جهت آزمون پایانی است که دانش آموزان را به داشتن شغلی در بانک هدایت می کند. آنها با تدریس بخشهایی که در آزمون پایانی زیاد مفید نیست موافق نیستند. به عنوان مثال کار با کامپیوترهای شخصی در بخشهایی از صنعت و بازرگانی مفید است زیرا استفاده های الکترونیکی از قبیل کار با کلمات و داده ها و اطلاعات باید آموزش داده شود. معلمی دیگر نیز کارهای کیفی از قبیل کارهای گروهی و گروه های رفع اشکال و ارتباطات دانش آموزان با یکدیگر بجای قرار گرفتن در حاشیه باید بیشتر تأکید شوند. بسیاری از دانش آموزان کارآموزی هنرستانهای فنی، شغل خود را که باعث تفاوت آنها با دیگران در زمینه شغل می شود، را یک فرصت مناسب جهت ورود به شغل در این بازار شغل پر رقابت می دانند. آنها همچنین آموزش حرفه ای را به عنوان یک سکوی پرتاب جهت تحصیلات آتی خود در دانشگاه می دانند. بسیاری تحصیلات علمی را بسیار کار بردی تر از ریاضی می کنند. تمام دانش آموزان این امر را تصدیق می کنند که ۱/۵ روز در هفته در مدرسه بودن آنها را کمک می کند تا قانونها و روابطی را که در بانکها حاکم می باشد را بشناسند. برنامه ها همواره به دو دسته پایه ای و مخصوص تقسیم می شوند. دانش آموزان ممکن است که یک یا دو روز در هفته به مدرسه بروند و بقیه هفته را به کار در یک شرکت خصوصی بگذرانند. مدارس ایالت مرکزی بر نامه های آموزشی شغلی در زمینه اقتصاد و مدیریت که شامل بانکها و کارهای دفتری و تجارتهای کوچک به تغذیه و

اقتصاد خانواده، فروشندگی، مدیریت هتل و آشپزی را ارائه می‌دهد. در کنار این مباحث دانش‌آموزان می‌بایست دروسی از قبیل زبان آلمانی، سیاست، تعلیمات دینی و تربیت بدنی را می‌بایست بگذرانند. آموزش دانش‌آموزان مدارس ترکیبی از طریق آزمون‌هایی است که توسط دفتر کار صنعت و تجارت مدیریت می‌شود. معلمان گفته‌اند که بیش از ۹۰ درصد دانش‌آموزان در این مدارس با نمرات بالا در این امتحانات را قبول می‌شوند. با توجه به بررسیها تعداد کتابهای موجود محدود بود: اما بیشتر از کتابهای مرجع مورد استفاده قرار می‌گرفتند و گاهی جهت دوره آنچه که معلم گفته بود استفاده می‌شدند. یکی از معلمها تجزیه کارها را بصورت زیر تخمین زد: ۴۰ درصد کتابهای تمرین، ۴۰ درصد برگه‌های تمرین و ۲۰ درصد کتابهای اصلی معلمها همچنین بر این عقیده‌اند که استفاده از کتابها تنها جهت حل تمرین و دوره آنچه که خوانده‌اند استفاده می‌شود. تمرینها به صورت تصادفی جمع آوری می‌شوند که این بدان معناست که در کلاس بعدی تنها از پنج نفر از دانش‌آموزان تمرین جمع آوری می‌شود. با توجه به مدارس دیگر تکالیف و کتابهای تمرین دانش‌آموزان این مدرسه بسیار ضعیف تر از موارد مشابه در مدارس دیگر است یکی از دانش‌آموزان به ما گفت که برای وی بین دو تا سه ساعت در هفته طول کشید تا تکالیف مربوط به مدرسه اش را انجام دهد. بعلاوه اینکه وی کارهای بانکی نیز (نوشتن گزارش از فیلمهای تعلیمی) دارد که همه آنها می‌بایست خارج از مدرسه و زمان کاری انجام شود دانش‌آموزان هنرستانهای فنی خیلی به ندرت کلاسهای خود را تکرار می‌کنند. آنها معمولاً در طول ترم و تا قبل از آزمون پایان ترم درس را می‌گذرانند و فرا می‌گیرند. آن عده از دانش‌آموزانی که کلاسهای را می‌افتند می‌توانند در سال آخر آن کلاس رادو باره تکرار کنند و دوره آموزش خود را تکمیل کنند. معمولاً در حدود ۱۰ درصد دانش‌آموزان یا کمتر معمولاً کلاس را از نو تکرار می‌کنند



## ❖ آموزشهای عملی

### ❖ گزینش تحصیلی

❖ بانکداری یکی از حرفه های برگزیده و پر طرفداری است که معلمان و دانش‌آموزان به شدت خواستار فعالیت آن می‌باشند. آنها بر این عقیده‌اند که دلیل اینکه کار در بانک با صنعت در ارتباط مستقیم قرار

دارد لازم است که افرادی لایق و کاردان درزمینه کار بانکی تربیت کنند بنابراین انتخاب کار آموزان به کیفیت و میانگین نمره‌های آن‌ها ( بخصوص در ریاضیات و زبان‌های خارجی ) و بخصوص تست هوش آن‌ها مربوط می‌باشد این شیوه اولیه درخواست یک پیش انتخاب می باشد.. انتخاب اصلی بعد از مصاحبه انجام می‌شود. در مصاحبه از آن‌ها درباره خودشان و صنعت بانکداری سؤال می‌شود. مصاحبه نیز یک فرم سؤال است که در آن در همه زمینه‌ها سؤال وجود دارد. این سؤالات مصاحبه بر بخشهایی تقسیم شده‌اند که هر کدام در بر گیرنده سؤالاتی برای سنین و مقاطع مختلف تحصیلی می‌باشند. . یکی دیگر از دلایل وجود این سؤالات تعیین میزان علاقه دانش آموزان می‌باشد. یکی از مدیران آموزشی بر این عقیده است که دارندگان مدرک Abitur در روند گزینش نسبت به فارغ التحصیلان Realschule، بهره کمتری دارند. در گذشته خانمهای دارای گواهینامه Abitur بیشترین لطمه را می‌دیدند، زیرا فکر می کردند آنها به زودی ازدواج خواهند کرد و بچه دار می‌شوند و سپس کار خود را ترک می نمایند. ناظران آموزشی آشکار نمودند که دانش آموزان با مدارک تحصیلی بالاتر نسبت به دانش آموزان مدارس Realschule یا دارندگان دیپلم، موقعیتهای شغلی بهتری را بدست می آورند. بسیاری از بانکها این مطلب را در ابتدا روشن می‌نمایند که برای دانش آموزان دوره کار آموزی فراهم می‌کنند بدون آنکه دانش آموزان انتظار یک کار دائمی را داشته باشند. اما در حقیقت بسیاری از بانکها کارمندان خود را بعد از رقابت در درخواستنامه شغلی و آزمون از همین کار آموزان بر می‌گزینند. این مسئله باعث یک تلاش جدی میان کارآموزان و یک انتخاب دقیق و صحیح کارکنان می‌شود. معمولا بانکها سه سال را جهت بررسی و آموزش قرار می دهند. یک مدیر مسئول کار آموزان در یک بانک در هر هشت سال بخاطر مشکلات کار آموزان تنها ۲ نفر را می‌تواند استخدام کند. تمام کار آموزان یک دوره سه ماهه آموزشی دارند.

## ارزشیابی دوره های کار آموزی

❖ ناظران آموزشی همواره در مورد کیفیت کار بسیار حساس می باشند. به جهت اینکه همه دانش‌آموزان بخوبی آموزش ببینند بانکها و مدیران حتی کلاس‌های در خانه دانش آموزان می‌گذرانند و همچنین سمینارهایی تشکیل می دهند. به‌عنوان مثال ممکن است سمیناری دو روزه که مقصود آن تخمین میزان ضعف مشتریان و قوی کردن آن‌ها و آموزش آن‌ها جهت یاد دادن این موارد به دیگران باشد را ترتیب دهند. کار آموزان سه روز در هفته و در مواقع تعطیلات بصورت تمام وقت به کار آموزی مشغول می‌شوند. امکان دارد کارآموزان در سال اول کار آموزی در ارتباط مستقیم با مشتریان باشند و در ۶ ماهه بعدی او وظایف و عملکردهای عادی به آنان داده شود و در انتها وی در قسمت اداره حسابداری مشغول به کار شد و در آنجا با چگونگی انجام معاملات آشنا گردند. کار آموزان برای ارزیابی کارشان باید حداقل ۴ هفته در یکی از شعبات بانک کار کنند.. کارآموزان بر اساس معیاری از عدد ۱ الی ۷ ارزیابی می شوند و با ناظرآموزش مصاحبه ای خواهند داشت. ارزیابی به مسائل شخصیتی اشاره دارد و در بر گیرنده سؤالاتی از: دانسته‌ها در زمینه بانکداری موضوع، خلاقیتها، آزمون‌ها کتبی و شفاهی، تواناییهای انجام کار تحت شرایط سخت تحصیلات دانشکده ای، حس مسئولیت، توانائی تصمیم گیری، هدایت و راهنمایی زیر دستان، می‌باشد. این فرم ارزیابی همچنین دارای توضیحاتی از مسئولیتهای مختلف از یک کار مشخص، مکانی برای مطالب اضافی و نوشته‌های ثبت شده بین کار آموز و کار فرما می‌باشد. این برگه ارزیابی از کارتهای گزارش مدرسه جدا می باشد و دانش‌آموزان بر این عقیده‌اند که از ارزش زیادی نیز بهره مند نیست. به کار آموزان درس‌های ارزشیابی کتبی داده می‌شود که تواناییها و ضعفهای دانش آموزان را نشان می‌دهد. این

مطالب با دانش پژوه مورد بحث قرار می‌گیرد و در فایل آن‌ها ذخیره می‌شود. همچنین بانک با معلمان در ارتباط است تا نظرات و درخواستهای آن‌ها را جهت بهبود کار بکار گیرند. با توجه به اینکه بعد از کارآموزی به کارآموزان شغل‌هایی که آن‌ها در آن تجربه پیدا کرده اند داده می‌شود معمولاً این کار آموزان تر جیح می‌دهند که در دانشگاه به ادامه تحصیل مشغول شوند و یا در شعبه‌ای از بانک که در نزدیکی شهر است با حقوق بالاتر مشغول شوند تا اینکه در همان محلی که کارآموزی انجام داده‌اند کار کنند. به عبارت دیگر این کارآموزان معمولاً در جایی که در آن کارآموزی کرده‌اند و آزمون‌شان را انجام دادند نمی‌مانند.

## ارزیابی تحصیلی

### ❖ آزمون تکمیلی

❖ آماده شدن برای آزمون تکمیلی که همه دانش‌آموزان ملزم به رقابت در آن می‌باشند از بازبینی امتحانات گذشته در دروس مختلف شده است. در مدرسه ۱ Berufsschule دوره آمادگی ۱ هفته‌ای برای این آزمون اختصاص داده می‌شود.

❖ با توجه به بعضی دانش‌آموزان، تصمیم برای انتخاب دانش‌آموزان بر اساس آزمون پایان ترم می‌باشد: آن‌هایی که نمره ۳ و یا بالاتر می‌گیرند بدون هیچ قید و شرطی به کار گرفته می‌شوند و درحالی که کسانی که نمره پایین‌تر از ۳ می‌گیرند قراردادی یک‌ساله جهت باز یابی با آن‌ها بسته می‌شود. معمولاً بکار گیری و استخدام کارآموزان بیشتر به نتیجه آزمون آن‌ها بستگی دارد تا عوامل دیگری مانند مدرک تحصیلی آنها. آزمون تکمیلی شامل سؤالاتی که هر سال نیز تغییر می‌کند تا کارآموزان با تغییرات در اقتصاد و قانونها آشنا شوند. آزمون شفاهی مهمترین قسمت امتحان می‌باشد. سؤالات آزمون شفاهی شامل نماینده‌ای از کارفرمایان و نماینده‌ای از کارآموزان و یک معلم می‌باشد. آزمون پایان ترم هر ۶ ماه یک بار در ایالت مرکزی و ایالت جنوبی از طریق هماهنگی سراسری صورت می‌گیرد. این مسأله یکی از نادرترین نمونه‌های همکاری است که ما بین این دو ایالت و یا هر ایالت دیگری وجود دارد. این آزمون از طرف نمایندگان از کارفرمایان و معلمان می‌باشد. آزمون تکمیلی در ایالت مرکزی از چندین سال پیش شامل سه قسمت اصلی است. (۱) اقتصاد کلی، (۲) حسابداری، تهیه کردن اطلاعات، رفتارهای مناسب تشکیلات و اطلاعات شخصی، (۳) بانکداری. برای بخش اول ۶۰ دقیقه اختصاص داده شده که شامل ۳۶ عدد تست چهار جوابی می‌باشد و در زمینه سر- فصل‌هایی مانند سیاست اقتصادی، در تقاضاها و عرضه‌ها، مالیاتها و مبادله کردن می‌باشد. قسمت دوم که ۹۰ دقیقه می‌باشد همچنین شامل ۳۶ تست چهار جوابی می‌باشد که بسیاری از آن‌ها بر موارد حقیقی دلالت دارد. بخش سوم به دو بخش تقسیم می‌شوند. بخش اول سه مشکل عملی را بیان می‌کند که از آن‌ها می‌خواهد این مشکلات را با استفاده از کپی از جمله‌های مرکب و کلیدها بعقیده آن‌ها (۹۰ دقیقه) و بخش دوم که سؤالات تستی از جنبه‌های متفاوت بانکداری است (۶۰ دقیقه). دانش‌آموزان گفتند که آن‌ها بین سه یا چهار ماه قبل از اجرای آزمون خود برای آزمون تکمیلی مطالعه می‌کنند. از زمانی که معلمان در کمیته آزمون‌ها این آزمون هستند می‌توانند کارآموزان خود را در این زمینه مشاوره و راهنمایی عملی کنند. بعضی از معلمان نیز از آزمونهای سالهای پیش جهت راهنمایی کارآموزان استفاده می‌کنند. یکی از معلمان مجموعه سؤالات طبقه بندی شده ۵ سال پیش را به ما نشان داد.

## ❖ معضلات آموزشی

❖ یکی از مشکلاتی که مدرسه و دیگر مدارس شغلی با آن مواجه هستند کاهش دانش‌آموزان و کم شدن نتیجه و نام نویسی در مدارس حرفه ای است. افزایش تعداد دانش‌آموزان مشتاق به شرکت در دانشگاه بدلیل وجه خوب اجتماعی آن، اصرار والدین و یا هر دوی آن دلیل این کاهش می‌باشد. این مسأله بخصوص در قسمت شرقی آلمان جایی که یکی از بهترین مدارس راهنمایی می‌باشد وجود دارد یکی دیگر از مشکلات اخیر سیستم دو گانه کم شدن روشهای آموزشی می‌باشد که آن نیز بخاطر اقتصاد کند و شرکتهای ادغام شده می‌باشد. مقدار زمان اختصاص داده شده به هر درس بوسیله مدرسه و نمرات دروس در هر ایالت تعیین می‌شود و گاهی بر اساس واحدهای درسی در بعضی مدارس تعیین می‌شوند در بعضی از ایالات میانگین نمرات سال چهارم باعث رفتن به مدارس بهتر می‌شود در صورتی که در ایالت‌های دیگر با توجه به خط مشی های تعیین شده و میزان توانایی، نوع مدرسه را تعیین کننده می‌باشند. در زمینه تعیین مدرسه معلمان تنها راهنمایی می‌کنند و این اولیاء هستند که تعیین می‌کنند. همچنین مدارس با سطح پایین می‌توانند در صورت ضعیف عملکرد دانش‌آموزان در سال پنجم آن‌ها را به مدارس سطح پائین تر بفرستند. مدارس بیشتر به دانش‌آموزان کار عملی، آموزش عمومی، که دانش‌آموزان را جهت ورود به مدارس حرفه ای بعد از سال نهم آماده می‌کند یاد می‌دهند.

## ❖ آموزش متوسطه

❖ مقطع مقدماتی متوسطه

❖ پذیرش تحصیلی

❖ نخستین عامل، که فرآیند ورودی دانش‌آموزان حرکت به آموزش مقدماتی متوسطه را تحت الشعاع قرار می‌دهد، آموزشهای کودکان در مقطع چهارم می‌باشد. مقیاس رتبه بندی آلمان از ۱ (A) تا ۶ (F) می‌باشد. در برخی ایالتها معدل ویژه‌ای جهت راهیابی به مدارس بالاتر نیاز می‌باشد این در حالی است که سایر ایالات شرط معدل قرار نمی‌دهند. در مطالعاتی که بر روی ما دو ایالت از سه ایالت به دانش‌آموزان آن معدل ۲/۵ را به دست آورده بودند صورت گرفت توصیه شد که آنان به **Gymnasium** یا **Realschule** وارد می‌شوند. اگر چه دانش‌آموزان با معدلهای پایین تر نیز هم در صورت تمایل والدینشان می‌توانستند به یکی از این مدارس وارد شوند. در ایالت سوم دانش‌آموزان نیاز داشتند که برای ورود به **Gymnasium** معدل ۲/۳ بدست آورند. در برخی ایالتها دانش‌آموزانی که رتبه‌شان مطابق معیارهای توصیه شده جهت ورود به **Gymnasium** یا **Realschule** نمی‌باشد، برگزاری آزمون ورودی توسط مدارس مورد نظر الزامی است. چنانچه دانش‌آموزان در آزمون پذیرفته شوند. بطور آزمایشی ثبت نام شده و اگر ثابت کنند قادر به انجام موارد خواسته شده می‌باشند در مدارس باقی می‌مانند. در سیستم آموزش سنتی آلمان، دانش‌آموزانی که کسب معدل مورد نظر نائل نگردیده و یا نمره کافی جهت ورود به **Realschule** یا **Gymnasium** را دریافت ننمایند. به **Hauptshule** وارد می‌شوند. در ایالت‌هایی که **Gesamtschule** وجود دارد دانش‌آموزان می‌توانند با هر سطح توانایی آن را به‌عنوان گریزی از انواع مدارس سنتی انتخاب نمایند.

❖ سیستم به گونه‌ای طراحی شده است که در ابتدا دانش‌آموزان را براساس سطح آموزشهای پیشین آنان دسته بندی می‌گردند.

## ❖ دوره های آموزشی

❖ نگرشی که آموزش را در سطح مدارس مقدماتی متوسطه در بر می گردد بر این اساس است که دانش آموزان باید در محیطی پرورش یابند که برای آنها مناسب باشد. بنابراین اهداف اجتماعی و آموزشی مجزا به ایجاد تفاوت آموزشی در مدارس مقدماتی متوسطه کمک کرده و دانش آموزان براساس توانایی های خود آموزش نظری مورد نیاز را دریافت می دارند. اگر دانش آموزان " شایسته " مدرسه باشند و برای یادگیری انگیزه داشته باشند موفق خواهند بود. اما اگر در حد مدرسه نباشند، به عقیده والدین و معلمان بهبوده رنج خواهند برد که این خود در روند رشد شخصیتی دانش آموز و دور نمای آینده شغلی او عاملی تعیین کننده است.

❖ دانش آموزان پایین ترین سطح در **Hauptschule**، ثبت نام به عمل می آید. این مراکز عمدتاً به ارائه آموزش دروس پایه نظری مبادرت می نمایند. دیگر رشته های ارائه شده در **Hauptschule** جهت یابی شغلی داشته و به دانش آموزان برای انتخاب شغل آینده خود آمادگی می دهند. در اغلب ایالتها، دانش آموزان در شروع پایه پنجم در **Hauptschule** ثبت نام نموده و تا پایان پایه نهم به تحصیل در این مقطع مبادرت می نمایند. با این حال در برخی ایالتها حضور در مدرسه تا پایه ۱۰ ضروری است. و در باوریا آندسته از دانش آموزانی که در پایه پنجم ثبت نام نمی کنند، برای حداقل ۲ سال به **Hauptschule** فرستاده می شوند. دانش آموزانی که قادرند وارد **Realschule** شوند در شروع پایه هفتم به آنجا منتقل می شوند و آن دسته از دانش آموزان نیز که از شرایط **Realschule** را ندارند تا پایه نهم در **Hauptschule** باقی می مانند. با این حال **Grundschule** در پایه پنجم به **Hauptschule**، **Realschule** یا **Gymnasium** منتهی می گردد. پس از اتمام موفقیت آمیز پایه نهم در **Hauptschule** و دریافت گواهی نامه مورد نظر اغلب دانش آموزان در یک برنامه کاری تمام وقت یا نیمه وقت کاری به همراه ادامه تحصیلات خود شرکت می کنند. این برنامه ها معمولاً مدت زمان ۲ تا ۳ سال به طول انجامد. آموزش جامع وسیع با کسب مهارت های کافی را برای دانش آموزان بر پایه برنامه های فراهم می نمایند

❖ در مراکز **Realschule** دانش آموزانی بر پایه برنامه های آموزشی عملی تربیت می گردند، اما تأکید عمده فرآیند آموزش آسان می باشد. تمرکز آموزشی در **Realschule** بین **unterstufe** (سطوح پایین تر) که پایه های ۶ و ۷ را در بر می گیرد و **oberstufe** (سطوح بالاتر) که بر پایه های ۸ و ۹ و ۱۰ مشتمل می گردد، متفاوت می باشد. پایه های پایین تر آموزشی تأکید عمده ای بر آموزش های تئوریک دارد در حالی است که در سطوح بالاتر بیشتر بر ایجاد نظم تأکید می گردد. دانش آموزانی که از معدل کافی جهت ورود به مدرسه برخوردار می باشند. اگر معلمش عقیده داشته باشد که محیط **Realschule** برای دانش آموز بهتر خواهد بود ممکن است به **Realschule** فرستاده شود. دانش آموزانی که **Realschule** را کامل می کنند و گواهی نامه **Realschule** را بدست می آورند واجد شرایط ادامه تحصیل در سطح **Gymnasium** و یا یکی از مدارس حرفه ای سطوح بالاتر مانند **Berufsaufbauschule**، **Berufsfachschule**، **Fachoberschule**، **Fachgymnasium**، **Berufliches Gymnasium** یا **Fachschule** می باشند. در برخی از شهرداریها، **Hauptschule** و **Realschule** ساختمانی را اشغال نموده و از معلمان و کاردر اداری مشترکی برخوردار می باشند. البته دانش آموزان این دو مدرسه با اینکه ممکن است تماس کمی با یکدیگر داشته باشند، به روش های تحصیلی جداگانه ای پرورش می یابند. در **Hauptschule** برخی رشته ها به رشته های ابتدایی تری تقسیم می گردند. در ایالت های آلمان شرقی سابق یک مؤسسه ترکیبی **Haupt Realschule** از عناوین متفاوتی اعم از **Sekundarschule**، **Mittelschule** یا **Regelschule** برخوردار می باشند که بستگی به ایالت دارد. اگر چه دانش آموزان

در پایه پنجم به این مؤسسه ترکیبی وارد می‌شوند، پایه‌های پنجم و ششم دوره بندی نشده است. بطوریکه دانش‌آموزان تا پایه هفتم به هیچ یک از این دو مدرسه وارد نمی‌شوند.

❖ در **Gymnasium** دوره های آموزشی به دانش‌آموزان ارائه می‌گردد که به طور معمول به ورود به دانشگاه منتهی می‌گردد. دانش‌آموزان ممکن است در دوران مقدماتی متوسطه ( پایه پنجم ) در **Gymnasium** ثبت نموده و یا پس از کامل کردن **Realschule** ( پایه ۱۱ ) به **Gymnasium** منتقل شوند. در برخی ایالتها این روش معمول شده است که دانش‌آموزان بعد از پایه ششم به **Gymnasium** منتقل شوند. ۳ سال آخر **Gymnasium** ( پایه‌های ۱۳ - ۱۱ در بعضی ایالتها ) **Oberstufe** نامیده می‌شود. دانش‌آموزان **Gymnasium** می‌توانند در دوران مقدماتی متوسطه بمنظور تخصصی کردن تحصیلات خود یک یا تعداد بیشتری دوره تحصیلی ارائه شده را انتخاب کنند. اغلب این دوره‌ها بر دروس چون زبان‌های کلاسیک، زبان‌های مدرن، علوم و ریاضیات مشتمل می‌گردد. دانش‌آموزی که با موفقیت **Gymnasium** را به اتمام می‌رساند آزمون‌های جامع را می‌گذراند تا **Abitur** را دریافت کنند گفتنی است که این مدرک مجوزی برای معرفی دانش‌آموزان را برای آموزش عالی یا ورود به مدارس حرفه‌ای تخصصی به شمار می‌آید.

❖ **Gymnasium** مراقبت است که نسبت به سایر مدارس رسمی‌ترمی باشد و تدریس در آن توسط معلمهایی صورت می‌گیرد که از برقراری انضباط بیشتر از آموزش لذت می‌برند. بررسی دانش‌آموزان نشان داد که اغلب جوانان آلمانی که در **Gymnasium** برای رسیدن به دستاوردهای بالاتری دوره دیده‌اند افرادی ساعی و با وجدان هستند بطوریکه آن‌ها در صحبت کردند ماهر ترند. آن‌ها عموماً حمایت مناسبی از جانب والدینشان دریافت می‌کنند. بسیاری از والدین با تحصیلات دانشگاهی یا والدین که آموزش حرفه‌ای دیده‌اند تمایل دارند فرزندانشان در دانشگاه تحصیل کنند. تفاوت‌های موجود بین ایالتها به‌عنوان برگزیده انجمن در سیستم آموزشی ۱۳-K آلمان وظیفه **Gymnasium** آموزش دانش‌آموزانی استثنایی می‌باشد که قصد ورود به دانشگاه را دارند. واژه استثنایی در هر ایالت معنای بسیار متفاوتی دارد این تفاوتها به اولویتهای آموزشی دو جذب سیاسی بر می‌گردد: دمکراتهای اجتماعی (SPD) که آرزوی افزایش دستیابی به آموزش را دارند و دموکراتهای مسیحی (CDU) که باور دارند تنها راه رسیدن به استانداردهای بالاتر، بازگشت به طرحهای روشن و مستقیم سه گانه می‌باشد. در نتیجه استانداردهای جهت پذیرفته شدن در **Gymnasium** در ایالتها جنوبی نسبت به ایالتها مرکزی بالاتر میباشد. وقتی یکی از دانش‌آموزان شمال آلمان به ایالت جنوبی می‌آید امکان دارد مجبور شود تا یک کلاس را دوباره تکرار کند. اما اگر یک دانش‌آموز آلمان مرکزی به شمال آلمان برود می‌تواند یکسال را جهشی بخواند.

❖ تحقیق در **Gymnasium** در ایالتها مرکزی و جنوبی مثال روشنی از تفاوت‌های موجود در ایالتها در مورد چگونگی پایه گذاری و تدوین تکمیل و ارزشیابی استانداردهای آموزشی در اختیار ما قرار دارد بعضی از مدارس **Gymnasiums** نسبت به سایر مدارس طرفداران بیشتری دارند و از زمانیکه این مدارس در آلمان مرکزی سوالات آزمون **Abitur** را طراحی می‌کنند سختی **Abitur** می‌تواند بوسیله استانداردهای مدرسه فرق کند در نتیجه تلاش دانش‌آموزان شهری برای کسب **Abitur** ممکن است باعث ورود آنان به **Gymnasium** با استانداردهای پایین‌تر شود. کسب گواهینامه **Abitur** با بهترین نمرات ممکن یک هدف سریع برای اغلب دانش‌آموزان **Gymnasium** می‌باشد. دانش‌آموزانی که از **Gymnasium** فارغ التحصیل می‌شوند از نظر بدست آوردن آموزشهای حرفه‌ای ورود به دانشگاه و کار بیشتر از سایرین بهره می‌برند.

## پذیرش تحصیلی

❖ مسأله ای که احساسات قوی را میان معلمان، مدیران، والدین و دانش‌آموزان بر انگیخت اتمام دوره ابتدایی و ورود به سال پنجم (یا سال اول Gymnasium) می‌باشد. در ایالت مرکزی ملاک واقعی برای پذیرش در Gymnasium وجود ندارد. دانش‌آموزان باید عموماً معدل ۲/۵ را از مدرسه ابتدایی داشته باشند و بوسیله معلمان توصیه شده باشند. مطابق قانون، والدین برای ثبت نام بچه‌هایشان در Gymnasium حق مسلم دارند حتی اگر این توصیه‌نامه را نداشته باشند. معلمان بیان کردند که این مسئله نه تنها که برای دانش‌آموزانی که بخاطر توصیه‌نامه‌های معلمان به Gymnasium فرستاده شده‌اند زیان‌آور بوده، بلکه برای استانداردهای Gymnasium هم مضر بوده است. یک معلم که چندین سال قبل در یک کلاس پنجم درس داده بود گفت مهمترین شروط برای موفقیت در دوره‌های ریاضی Gymnasium این است که دانش‌آموزان قادر به حل مسائل ریاضی با یک روش منظم باشند و فرصت پرسیدن سؤال را داشته باشند. او تصدیق کرد که بسیاری از بچه‌ها در خانواده‌ای با یک ولی پرورش می‌یابند و ممکن است کمکی را که نیاز دارند دریافت نکنند. به این علت، او ترجیح می‌دهد بچه‌ها به یکدیگر کمک کنند و او هم آزمون‌هایی به عمل آورد که هدف از آن نمره دادن نمی‌باشد. در ایالت جنوبی، معلمان و والدین با غرور درباره به سیستم معقول و واقعی این ایالت صحبت کردند که فعالیتش را با سودمندانه ادامه می‌دهد زیرا فقط دانش‌آموزان ممتاز را می‌پذیرد که قادر به تحصیل در سطح Gymnasium می‌باشند. بر عکس ایالت مرکزی که Realschule را به عنوان حق انتخاب در پایه پنجم می‌پذیرد، تمام دانش‌آموزان پایه‌های پنجم در ایالت جنوبی به Hauptschule یا Gymnasium می‌روند بعد از پایه ششم دانش‌آموزان می‌توانند از Hauptschule به Realschule یا Gymnasium انتقال یابند. معدل ۲/۳ در آلمانی، ریاضی و دینی برای پذیرفته شدن در هر Gymnasium در ایالت جنوبی مورد نیاز است. اگر یک دانش‌آموز این معدل را نداشته باشد یا در مرز قبولی باشد، می‌تواند برای یک دوره آزمایشی ۳ ساله وارد Gymnasium شود و تعدادی از آزمون‌ها کتبی و شفاهی را بگذراند تا تایید شود که او برای ورود به این مدرسه مناسب است یا خیر.

## سیستم نمره دهی

❖ دانش‌آموزان Gymnasium بین دو و چهار آزمون کلاسی هر نیمسال در دروس انگلیسی، آلمانی و ریاضی و درزیست‌شناسی هر نیمسال دو آزمون دارند و در سایر دروس در هر نیمسال یک آزمون دارند یا هیچ آزمون‌ی ندارند مثل موسیقی، جغرافی، تاریخ معلمان بطور دوره‌ای از دانش‌آموزان می‌خواهند برنامه تکالیف را بطور شفاهی مرور کنند و سپس آن‌ها را براساس نوع ارائه‌شان طبقه بندی می‌کنند. به هر حال آزمون‌های شفاهی به‌عنوان یک وسیله ارزیابی هم برای بالا بردن سطح به پایه ۱۳ عمل می‌کنند و هم اینکه دانش‌آموزان را برای آزمون Abiutr آماده می‌نمایند.

❖ دانش‌آموزان ایالت‌های مرکزی و جنوبی دوبار در سال کارنامه دریافت می‌کنند. گزارشات شامل نمره‌های انطباق شخصی و نظریه عمومی درباره همکاری، رفتار و توانایی دانش‌آموزان در پایه‌های ۵الی ۱۰ می‌باشد. قاعده نمره دادن در ایالت مرکزی ۵۰ درصد برای آزمون‌های شفاهی و ۵۰ درصد برای آزمون‌های اصلی و آزمون‌های کلاسی می‌باشد. بسیاری از معلمان متذکر شدند که تلاش می‌نمایند تا نوع سئوال‌های آزمون‌های کلاسی بر اساس تشابه سئوال‌اتی باشد که دانش‌آموزان در آزمون Abitur با آنها روبرو خواهند شد.



❖ مدارس *Gesamtschule* در تمامی ایالت‌های کشور وجود ندارد. برعکس مدارس مقدماتی متوسطه سنتی، مدارس *Gesamtschule* به پذیرش از دانش‌آموزانی با استعداد‌های مختلف مبادرت می‌نماید. از آموزش ۲ سال نخست این مدارس (پایه‌های ۶ و ۵) تحت عنوان *Forderstufe* نامیده می‌شود. این مقطع تحصیلی دوران جهت‌یابی بوده و طی آن اقدامات چندانی در خصوص توانایی‌های دانش‌آموزان صورت نمی‌گیرد. به هر حال در پایه‌های ۷ و ۸، دانش‌آموزان اغلب آموزش‌هایی در سطح ابتدایی یا پیشرفته دریافت نموده و در پایه نهم وارد سیستم سه‌گانه تحصیلی می‌شوند. این سیستم به این منظور طراحی شده است تا به دانش‌آموزان اجازه دهد دوره‌های مناسب را بر اساس سطح توانایشان بگذرانند. مثلاً یک دانش‌آموز که در ریاضی قوی است در دوره ریاضیات *A* یا *B* قرار خواهد گرفت، همان دانش‌آموز اگر در آلمانی ضعیف باشد در کلاس‌های سطح *C* آلمانی قرار می‌گیرد. اغلب دانش‌آموزان *Gesamtschule* که به ادامه تحصیلات خود در پایه‌های ۹ یا ۱۰ مبادرت می‌نمایند، از *Hauptschule* یا *Realschule* گواهی نامه دریافت می‌کنند. این دانش‌آموزان بر اساس محل اخذ گواهی‌نامه برای آموزش یا اشتغال در مراکز مختلف معرفی می‌شوند. دانش‌آموزانی که دوره‌های پیشرفته پایه ۱۰ *Gesamtschule* مشتمل بر دو زبان خارجی را با موفقیت پشت سر گذارند، به منظور تحصیل در *Abitur* یا *Gymnasium* معرفی می‌شوند.

❖ دو منشا اولیه توانایی، در کلیه مدارس مقدماتی متوسطه هوش ذاتی و حمایت خانوادگی ذکر شده است.  
 ❖ به هر حال در زندگی دانش‌آموزان خارجی عوامل محیطی در کنار حمایت خانواده اغلب به عنوان عامل بسیار مهم تأثیر گذار در توانایی مد نظر بوده اند. این فاکتورهای محیطی مکرراً در زندگی جمعیت دانش‌آموزی در *grends chule* و هاپت شول جایی که بالاترین درصد دانش‌آموزان خارجی را دارد، مشهود می‌باشد.

❖ در مدارس مقدماتی متوسطه، معلمان بیشتر راجع به هوش ذاتی، علاقه دانش‌آموزان به مطالب و انگیزه یادگیری به عنوان عواملی که نقش بزرگی در سطح توانایی و تحصیلی آن‌ها بازی می‌کنند، صحبت کردند. اغلب دانش‌آموزان توانا از نظر توانایی تحصیلی قادر به تحصیل در *Gym* بودند اما معلمان متذکر شدند که دانش‌آموزانی که هوششان کم می‌باشد ولی مشتاقند سخت کار کنند خواهند توانست در مدرسه موفق شوند و در *Abitur* قبول شوند. دانش‌آموزانی که علاقه ویژه‌ای به آموختن مطالب دارند در انجام تکالیف موفق ترند. علی‌رغم این مساله دانش‌آموزان باید معیارهای ویژه‌ای داشته باشند تا در *Gym* یا *Real* ثبت نام شوند. معلمان و والدین از افزایش تعداد دانش‌آموزانی که بر خلاف توصیه معلمان به این مدارس فرستاده شده اند صحبت کردند. که این به خود اختلاف دامنه اجرایی در هر دو نوع مدرسه می‌افزاید. در ایالت‌های آلمان شرقی سابق تعداد زیادی از دانش‌آموزانی که برای *Realschule* مناسب بودند در عوض در *Gym* ثبت نام شدند و این مساله دامنه وسیع تری در سطح توانایی در *Gym* ایجاد کرد درحالی‌که سبب شده که دامنه توانایی در مؤسسه ترکیبی *Haupt / Realschule* کاهش یابد. معلمان *Gym* اغلب متذکر می‌شوند که ضعیف‌ترین دانش‌آموزان عاقبت به مدرسه کم‌طرفدارتری منتقل خواهد شد در نتیجه، برخلاف پایه‌های ابتدایی در *Gym* اختلاف در سطح توانایی دانش‌آموزان بسیار زیاد است. درصد دانش‌آموزانی که به مدرسه کم‌طرفدارتری مانند *Realschule* و یا مدرسه ترکیبی *Haupt/Realschule* منتقل می‌شوند در ایالت‌های مختلف متفاوت است. با این حال در ایالت آلمان جنوبی به دلیل سخت‌گیری‌های عمده درصد گسترده‌ای از

دانش‌آموزان به ترک تحصیل مبادرت می‌نمایند. در ایالت جنوبی، ۶۰٪ دانش‌آموزانی که تحصیلاتشان را در Gym شروع کرده‌اند به دریافت Abitur نائل آمده و سایرین به Realschule منتقل شده و یا در آزمون ترک - مدرسه در پایان پایه ۱۰ Gym حضور می‌باشند. بنا به اظهارات دانش‌آموزان، کلاس‌های Realschule از نظر kiHkH آنان آسان بوده و در برخی موارد مطالب مورد تدریس قبلاً در Gym مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. معلمان Hauptschule تصدیق نمودند که دانش‌آموزان از ضعف زیادی برخوردار بوده و آندسته از دانش‌آموزانی که قادر ب تحصیل در Hauptschule نبودند به Sonderschule وارد شدند. به عبارت دیگر معلمان Hauptschule متذکر شدند که از بالاترین درصد دانش‌آموزان خارجی برخوردار می‌باشند. دلیل حضور بسیاری از دانش‌آموزان در Hauptschule عدم برخورداری آنان از مهارت لازم در زبان آلمانی و ناتوانی در انجام تکالیف درسی است

❖ مدرسه Berufsschule یک مدارس مقدماتی متوسطه حرفه‌ای نیمه وقت است که دانش‌آموزان به منظور تکمیل تحصیلات Realschule / Hauptschule یا Gymnasi... در آن ثبت نام میکنند در نتیجه بسیاری از معلمان Berufsschule پیش زمینه‌های آموزشی مختلف و تفاوت‌های سنی را به‌عنوان عوامل تأثیر گذار در عملکرد دانش‌آموزان این مدرسه ذکر کردند.



## ❖ همکاری های آموزشی

❖ مشارکت والدین و اولیا دانش‌آموزان

❖ همیاری والدین، جلسات شبانه والدین، معلم که به صورت سالیانه یا هر نیم سال برگزار می گردد، (Elternabende) معمول ترین راه همیاری والدین در آموزش کودکان می باشد. در طول شب ها والدین معلمان فرزندشان را ملاقات می کنند و می توانند در مورد عملکرد فرزندشان بحث کنند همچنین درباره توجه به مدرسه و نیازهای ویژه آن گفتگو کنند. علاوه بر این جلسات والدین - معلم، چندین راه دیگر

جهت همیاری والدین در برنامه مدارس دانش‌آموزان وجود دارد. انجمن اولیاء هر سال انتخاب می‌شود که وظیفه بیان خواسته‌های والدین را در جلسات اداری و غیر اداری و یا شرکت در تصمیم‌گیری‌ها مهم مدرسه را بر عهده دارد. اعضاء این انجمن در شروع سال تحصیلی توسط والدین شرکت‌کننده در جلسات معلم - والدین از هر کلاس انتخاب می‌شوند. یک "کلاس" شامل ۳۰ دانش‌آموز می‌باشد بنابراین ممکن است چهار کلاس پایه ۱۰ در یک مدرسه وجود داشته باشد و بنابراین ۴ نماینده در انجمن اولیاء از والدین دانش‌آموزان پایه ۱۰ می‌باشد. یکی از این راه‌ها، انجمن اولیاء (Schulel ternbeirat) می‌باشد که با مدیریت مدرسه و معلمان همکاری می‌نماید و تاحدی شبیه به انجمن اولیاء - مربیان آمریکا (PTA) می‌باشد. انجمن علاوه بر این که "صدای" والدین را به مدرسه می‌رساند در واقع به عنوان یک کانال اطلاع‌رسانی و گفتگوی غیر رسمی معلمان، مدیر مدرسه و والدین عمل می‌کند. در بعضی موارد، انجمن اولیاء ممکن است وظایف دیگری را نیز برعهده بگیرد. هیئت رسمی دیگری که ممکن است والدین در آن شرکت داشته باشند انجمن مدرسه (Schulkonferenz) می‌باشد. براساس قانون جدید برخی ایالت‌ها، انجمن مدرسه شامل پنج نماینده از والدین، پنج نماینده از معلمان و مدیر مدرسه می‌باشد. اعضاء مدرسه چند بار در سال با هم ملاقات می‌کنند تا در مورد موضوعاتی مانند تغییرات دوره تحصیلات، مسائل مربوط به بودجه و شرکت در پروژه‌های تحقیقی خارج از مدرسه صحبت کنند. به علاوه، انجمن مدرسه در مورد رشته‌ها مطرح شده توسط معلمان و انجمن اولیاء نیز بحث می‌کند. بعضی از مدارس یک گروه غیر رسمی تحت عنوان "میز گرد" والدین (Elternstammtisch) دارند، که در یک مکان عمومی مانند یک رستوران با یکدیگر ملاقات می‌کنند. اغلب، یک گروه اصلی از شرکت‌کنندگانی که به طور عادی به جلسات می‌آیند وجود دارد. در بیشتر موارد، این گروه اصلی شامل مدیر مدرسه و یک یا تعداد بیشتری معلم است (که ممکن است شامل والدین دانش‌آموزان نیز باشد). میز گرد والدین فرصتی است برای والدینی که راحت نیستند رشته‌ها نگران‌کننده شان را در انجمن اولیاء مطرح کنند. این موضوع ممکن است در جلسه بعدی انجمن اولیاء مورد بحث قرار گیرند. همیاری والدین در انواع مختلف مدارس نقشی که والدین در آموزش فرزندان‌شان بازی می‌کنند از یک مدرسه به مدرسه دیگر فرق می‌کند، همچنین راه‌های رسمی و غیر رسمی که از آن طریق والدین در آموزش فرزندان‌شان فعالیت دارند بر اساس سن فرزندان‌شان متفاوت می‌باشد. دانش‌آموزان آلمانی در ۱۸ سالگی به سن قانونی می‌رسند. بسیاری از دانش‌آموزان مقاطع بالایی Gymnasium و به ویژه در هنرستان‌ها ۱۸ سال به بالا هستند. معلمان مدارس فنی Gymnasium متذکر شدند که امکان دارد برگه‌های اخطاری که آنان به دلیل عملکرد ضعیف دانش‌آموزی که ۱۸ ساله به منزل وی بفرستد به خود او برسد و خود دانش‌آموز آن را امضاء نماید. همچنین یک دانش‌آموز ۱۸ ساله ممکن است خودش برگه معافی غیبت را امضا کند. والدین دانش‌آموزان بزرگ سال اصلاً در مدرسه به طور رسمی دخیل نمی‌باشند. برای مثال، در جلسات اولیاء - مربیان، دانش‌آموزان ۱۸ ساله شرکت نمی‌کنند. البته ممکن است والدین این دانش‌آموزان هنوز به طور غیر رسمی در آموزش آن‌ها دخیل باشند. والدین دانش‌آموزان Hauptschule معمولاً خیلی کم در آموزش فرزندان‌شان همکاری می‌کنند. برای مثال یک معلم Haupt/Realschule گفت او خوشحال می‌شود اگر از ۲۵ والدین کلاس ۱ و ۲ یا ۳ نفر به جلسه بیایند. والدین دانش‌آموزان Realschule نسبت به Hauptschule معمولاً بیشتر در جلسات اولیاء - مربیان شرکت می‌کنند به علاوه معلمان گفتند والدین دانش‌آموزان Realschule برای کنترل تکالیف فرزندان‌شان مشتاق‌ترند و نسبت به وضعیت نمره‌های آن‌ها علاقه مندتر می‌باشند.

❖ والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی بویژه در پایه‌های سوم و چهارم، نقش فعال‌تری در آموزش فرزندان‌شان دارند. زیرا والدین آرزو دارند فرزندان‌شان بتواند در پایه پنجم به مدرسه Gymnasium وارد شوند. در

ایالت مرکزی والدین خودشان می‌توانند تصمیم بگیرند فرزندانشان به کدام مدارس مقدماتی متوسطه بروند. اما در سایر ایالت‌ها نمرات و توصیه‌نامه‌های معلمان نوع مدرسه را مشخص می‌نمایند. عموماً والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی از محتوای دروس که فرزندانشان یاد می‌گیرند راضی هستند و اگر لازم باشد در تکالیف به آن‌ها کمک می‌کنند. در بین کلیه والدین، والدین دانش‌آموزان مدارس *Gymnasium* بیشتر از سایرین مایل هستند در کارهای مدرسه و آموزش فرزندانشان همکاری شوند.

❖ اغلب والدین دانش‌آموزان مدارس مقدماتی متوسطه گفتند اولین راهی که آن‌ها برای حمایت از آموزش فرزندشان فراهم کرده‌اند ایجاد یک محیط مطمئن و آرام جهت یادگیری می‌باشد. دانش‌آموزان به ویژه در مقاطع بالاتر از نظر تحصیلی مستقل می‌باشند و احتیاجی به کمک برای انجام تکالیفشان ندارند. با وجود این بسیاری از معلمان بیان کردند آرزو دارند والدین وضعیت و چگونگی انجام تکالیف فرزندانشان را بررسی نمایند. شاید مهم‌تر از نظارت بر انجام تکالیف، روشی باشد که از آن طریق والدین با فرزندانشان ارتباط برقرار کرده و از فعالیت‌های مدرسه آنان حمایت می‌کنند، به عبارت دیگر یعنی شیوه برخورد والدین مهم‌تر از سایر موارد می‌باشد. مطالعات متعددی نشان داده است والدینی که یک شیوه "مقتدر" شامل ترکیبی از پاسخ‌گویی و تقاضا دارند به پرورش دستاوردهای تحصیلی در فرزندانشان بیشتر علاقه دارند دانش‌آموزانی که همیشه نمرات خوب می‌گیرند از خانواده‌هایی می‌باشند که خانواده همیشه مراقب آن‌ها می‌باشند و موفقیت‌های آن‌ها را افزایش می‌دهد. دانش‌آموزانی که تصور می‌کنند هرگز چنین حمایت‌هایی را از جانب خانواده دریافت نمی‌کند. نمی‌توانند در مدرسه خوب باشند. بیشتر دلایلی که معلمان برای مشکلات نوجوانان و عملکرد ضعیف آنان در مدرسه ذکر می‌کردند فقدان حمایت خانوادگی یا فقدان علاقه والدین در مورد فرزندانشان بود. بر طبق گفته معلمان، در بسیاری از موارد والدین به سادگی تلاش برای پرورش فرزندشان را متوقف کرده و آنان را "بیشتر به حال خودشان" رها می‌کنند. در چند سال اخیر حجم مشکلاتی که معلمان باید با آن‌ها روبه‌رو شوند در اخیر افزایش یافته است. می‌توان همه انواع مشکلاتی را که ما در مدرسه داریم را بدین شکل ترسیم کرد: دشمنی با علم و هنر، خراب‌کاری، پرخاشگری، خشونت، عملکرد ضعیف، غیبت و غیره... که در اغلب موارد به وضعیت خانواده برمی‌گردد... دلیل اساسی اغلب مشکلات این است که بسیاری از بچه‌ها در خانه فرد قابل اطمینانی را در اختیار ندارد که بتواند با او صحبت کنند. وقتی والدین جدا می‌شوند، دستاوردهای تحصیلی دانش‌آموز به طور طبیعی کاهش می‌یابد. اما مشکل این جاست که شما به عنوان یک معلم نمی‌توانید کاری برای تغییر اوضاع خانواده دانش‌آموز انجام دهید. هیچ‌کس نمی‌تواند کمکی انجام دهد. تنها چیزی که یک نفر می‌تواند انجام دهد این است که با دانش‌آموز دوستانه برخورد کند و اگر او بخواهد با او صحبت نماید. روابط اجتماعی مثبت برای پرورش کافی و مناسب ارزشهای فردی و جهت‌یابی اجتماعی اهمیت دارد. درحقیقت او باور دارد که حرکت بچه‌ها به سمت کناره‌گیری اجتماعی و غفلت والدین از آن‌ها هدف‌های آماده‌تری برای پرخاشگری خشونت و جنایت فراهم می‌سازد. والدین می‌توانند نقش فعالی در "ارتقا پیشرفت فرزندانشان" داشته باشند اما حالا بسیاری از آن‌ها بسیار گرفتار هستند یا به اندازه کافی علاقمند می‌باشند. که نیروی خود را برای پرورش صحیح فرزندانشان صرف کنند. بیشتر مشکلات جوانان آلمانی از فقدان جهت‌یابی منشأ می‌گیرد. والدین بیش از این قادر نیستند نظم را در مورد فرزندانشان اجرا کنند زیرا آن‌ها خودشان از انضباط کمی برخوردارند.

❖ به علاوه، بسیاری از والدین وقتشان را بسیار پر ارزش‌تر از این می‌دانند که صرف بچه‌ها کنند.

## اولویت های آموزشی

- ❖ والدین دانش‌آموزان مدارس از Gym / Real تأثیر خانواده و حمایت آن به عنوان عامل مهمی در عملکرد دانش‌آموز یاد نمودند.
- ❖ استعداد کودکان عامل مهمی است. نحوه برخورد معلمان با کودکان نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. که این خود به ابعاد کلاس‌های درسی بستگی دارد. چرا که در کلاس‌های بزرگتر مشکلات عمده‌ای برای کودکان به‌ویژه کودکان ضعیف‌تر ایجاد می‌گردد. نکته مهم دیگر مزایای همکاری والدین با کودکان و درجه تمایل آنان جهت مشاوره با فرزندان خود در خصوص مسائل آموزش است. مسأله مهم دیگر جایگزینی والدین به جای معلمان می‌باشد. این مسأله توسط والدین دانش‌آموزان دیگری هم ذکر شده بود. در حالی که در سایر مدارس به‌عنوان یک عامل به حساب نیامده بود. بسیاری از والدین Realschule و Gym که ما با آن‌ها صحبت کردیم گفتند آن‌ها بیشتر از این قادر نبودند به کودکان در تکالیف مدرسه شان کمک نمایند. و آن‌ها انتظار داشتند کودکان در انجام تکالیفشان شخصا مسئولیت را بر عهده گیرند.
- ❖ اغلب دانش‌آموزانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند نگرانی از جهت فشار درسی نداشتند. در نتیجه به نظر دانش‌آموزانی که ما با آن‌ها صحبت کردیم معمولاً دانش‌آموزانی با معدل متوسط یا بالای متوسط بودند، بنابراین نظریات آن‌ها درباره فشاری که احساس می‌کنند ممکن است کمی غیر عادی باشد آن‌ها گفتند ممکن است فشاری در جهت ایجاد عملکرد بهتر وجود داشته باشد، اما این فشار دانش‌آموز را از پا در نمی‌آورد. به نظر آن‌ها معیارها و فشارهای که برای بالا بردن سطح درسی به کار برده می‌شود براساس نوع روش‌های آموزشی متفاوت می‌باشد به این ترتیب دانش‌آموزان ضعیفی که در کلاس به درس توجه داشته باشند و تکالیف کلاسی‌شان را انجام دهند چندان تحت فشار قرار نخواهند گرفت. بلکه حتی به آموختن تشویق خواهند شد. با این حال، همواره فشار بیشتری بر ضعیف‌ترین دانش‌آموزان وجود داشته و دانش‌آموزانی که تحت فشار هستند اغلب به خواسته مدرسه (معمولاً Gym) به مدرسی کم‌طرفدارتری منتقل می‌گردند. اگر چه Hauptshule آسان‌گیرترین مدارس مقدماتی متوسطه می‌باشد اما معلمان Hauptshule بر این باورند که شرایط برای بسیاری از دانش‌آموزان Hauptshule آسان نبوده و اهداف آموزشی مدارس از جانب خانواده‌های دانش‌آموزان مورد حمایت واقع نمی‌گیرد. در نتیجه معلمان بر این باورند که در تشویق دانش‌آموز به یادگیری لازم است که رابطه خوبی با دانش‌آموزان برقرار گردد. بنا به اعتقاد معلمان بسیاری از دانش‌آموزان در شرایط بسیار سختی قرار دارند. در این جا مهم‌ترین مسأله برقراری رابطه با دانش‌آموزان می‌باشد. زیرا اگر دانش‌آموزان در یابند، که کسی راجع به چگونگی عملکرد کلاسی آن‌ها اهمیت می‌دهد. مشتاق به یادگیری می‌گردند. معلمان Hauptshule همچنین رسیدگی بر وضعیت آموزشی دانش‌آموزان ضعیف‌تر را در حیطه وظایف خود می‌شمارند. آن‌ها پس از پایان کلاس به پرسش‌های دانش‌آموزان پاسخ داده و بر مشارکت گروهی دانش‌آموزان ممتاز با دانش‌آموزان ضعیف‌تر به‌عنوان معلمان خصوصی در این مدارس دروس ابتدا به صورت نظری توضیح داده شده و در مرحله بعد بیشتر به صورت عملی و با روش کاربردی ارائه می‌گردد. در خصوص دانش‌آموزان ضعیف‌تر، نیز بر استفاده از روش‌های تجسمی تأکید می‌گردد. از آنجایی که تعداد زیادی از دانش‌آموزان از والدین شاغل برخوردار بوده و از حمایت خارج از مدرسه برخوردار نیستند بنابراین دانش‌آموزان به انجام تمرین‌های خانه در مدرسه مبادرت می‌نمایند. به عبارت دیگر مدارس برخی از وظایف والدین را خود بر

عده می‌گیرد. معلمین همواره از نقش گسترده مدرسه برای دانش‌آموزان **Hauptshule**، صحبت به میان آورده‌اند. بنا به اعتقاد آنان دانش‌آموزان در هر وضعیتی که قرار داشته باشند، باید در مدرسه احساس راحتی و آسایش کنند. یعنی به اعتقاد آنان حتی وقتی دانش‌آموزان هیچ کلاسی ندارند در مدرسه مانده و به خانه نمی‌روند. آن‌ها در این مراکز احساس امنیت نموده و همواره از یک هم صحبت برخوردار می‌باشند. به این ترتیب مدرسه برای دانش‌آموزان همانند یک خانه خوب و مناسب می‌باشد. معلمان مدارس **Hauptshule** کاملاً برخلاف معلمان **Gymnasium** که بر آموزش‌های نظری تأکید دارند بر آموزش گروهی در کنار آموزش‌های تحصیلی تأکید می‌نمایند. در مدارس **Hauptshule** اهمیت خاصی برالگو قراردادن معلمان توسط دانش‌آموزان معطوف می‌گردد. بنابراین معلم باید یک نمونه عالی ارائه دهد. اگر معلم با دانش‌آموزان با احترام و نزاکت رفتار کند، دانش‌آموزان نیز با یکدیگر اینگونه رفتار می‌کنند بنابراین آن‌ها به برداشت رفتارهای مناسب مبادرت می‌نمایند که خانه یا محیط اطرافشان حاصل نمی‌گردد. اگر مشکلی در مورد یک دانش‌آموز خاصی وجود داشته باشد معلم وی را به گوشه‌ای برده و به صحبت‌های او گوش فرا می‌دهد تا به مشکل، وی پی برد. علاوه بر این، برنامه‌های مکمل آموزشی در مدارس ارائه می‌گردد که توسط کلیسای شهر یا انجمن محلی شکل گرفته و مورد حمایت واقع می‌گردند. دوره‌های تقویتی و تکالیف مکمل هفته‌ای چند ساعت بعد از ظهرها ارائه می‌شوند. در این راستا معلمین به دعوت از دانش‌آموزان ضعیف جهت حضور در دوره‌های تقویتی و برنامه‌های کمک درسی مبادرت می‌نمایند. با این حال، برخی از معلمان اظهار داشتند که تنها تعداد کمی از دانش‌آموزان در دوره‌های تقویتی شرکت دارند.

❖ دوره‌های ارائه شده در **Rralschule** نسبت به **Hauptshule** از جهت یابی تحصیلی بیشتری برخوردار بوده و دروس مفهومی‌تری در آن تدریس می‌گردد. تأکید عمده معلمان **Rralschule** بر تشویق دانش‌آموزان با یکدیگر و هدایت آنان به مراحل بالاتر **Hauptshule** است. به‌علاوه آن‌ها برخوردار از دانش‌آموزان از ابتکار عمل و مطالعه موضوعات مختلف تأکید دارند. بر خلاف مباحث نظری که در **Rralschule** تدریس می‌شوند، ارتباط میان دانش‌آموزان و معلمان نسبت به **Gymnasium** دوستانه‌تر است. معلمان **Rralschule** نیز همانند معلمان **Hauptshule** بر این اعتقادند که در اختیار دانش‌آموزانی باشند که سؤال دارند. آن‌ها به دانش‌آموزانی که با مطالب مشکل داشتند کمک کرده و به هم‌فکری با آنان می‌پردازند. آنها همچنین پیشنهاد می‌کنند که دانش‌آموزان ضعیف‌تر جهت برطرف نمودن ضعف خود معلم خصوصی بگیرند. بسیاری از معلمان مشوق تدریس گروهی توسط هم‌کلاسی‌ها بوده و به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند تا تمرین‌های کلاسی را به‌صورت دو نفره یا در گروه‌های کوچک انجام دهند علاوه بر این، فرصت حمایت‌های جانبی آموزشی خارج از کلاس مانند **Hauptshule** به‌صورت دوره‌های تقویتی در **Rralschule** در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد که بعد از کلاس‌های مدرسه در زمینه مباحث اصلی ارائه شده و حضور دانش‌آموزان در آن اختیاری است. **Rralschule** نقش خود را چیزی بیش از یک سخنران تحصیلی دیده و براین اعتقادند که ایجاد رابطه مناسب معلم - شاگردی از اهمیت خاصی برخوردار است، از این روی آن‌ها خود را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند بنا به اعتقاد معلمین این مدارس یگانه عملکرد مدرسه تدریس و انتقال مطالب آموزش به دانش‌آموزان نیست، بلکه کمک به دانش‌آموزان در انتقال از برهه کودکی به بزرگسالی نیز از جمله وظایف مهم آن می‌باشد

❖ حقیقتاً تعداد اندکی از دانش‌آموزان آلمانی در مدارس **Gesamtschule** ثبت نام شده که طبق سرشماری سال ۱۹۹۱ بر ۹ درصد بالغ می‌گردد.

❖ دانش‌آموزان دبیرستان‌های مختلف به گونه‌ای متفاوت از یکدیگر اوقات خود را در مدرسه سپری می‌کنند. دانش‌آموزان مدرسه **Gymnasium** و آنهایی که در رشته تحصیلی **Gesamtschule** مشغول به تحصیل هستند اغلب هر هفته ۳۵ دوره کلاسی ۴۵ دقیقه‌ای هر هفته دارند. دانش‌آموزان دوره فنی حرفه‌ای اغلب زمانشان را در کلاس می‌گذرانند. زیرا این دانش‌آموزان دروسی مانند مطالعات حرفه‌ای و اقتصاد را به علاوه رشته‌ها عادی دوره تحصیلی **Gymnasium** می‌گذرانند. تعدادی از معلمان گفتند که برای دانش‌آموزان فنی حرفه‌ای گذراندن ۴۰ کلاس در هفته و یا بیشتر نیز عادی می‌باشد. معلمی در یک مدرسه حرفه‌ای **Gymnasium** گفت که او از دانش‌آموزان خود انتظار کاری بابر با زمان کار کارمندان یک شرکت بزرگ داشت او محاسبه کرد وقتی زمان انجام تکالیف، آماده شدن برای کلاس و زمان رفت و برگشت را به ساعات کلاس اضافه کنیم دانش‌آموزان در یک مدرسه حرفه‌ای **Gymnasium** ۶۰ ساعت در هفته صرف فعالیت‌های مربوط به مدرسه می‌کنند. نتیجه مطالعات این است که دانش‌آموزان ممکن است حتی نسبت به متوسط ۲۸ ساعت در هفته گزارش شده در سال ۱۹۹۲ زمان بیشتری را نیز بگذرانند. (۱۹۹۲ Fischer)

❖ عموماً دانش‌آموزان مقطع متوسطه فقط صبحها به مدرسه می‌روند. به هر حال، چندین مورد استثنایی نیز گزارش شده است. آموزش‌های عصر پایه‌های ۱۱ تا ۱۳ در مدرسه (**Oberstufe**) ممکن است در مدرسه **Gymnasium** ارائه شود. (در ایالاتی که شهر شرقی در آن قرار دارد آموزش مدرسه **Gymnasium** بعد از پایه ۱۲ به اتمام می‌رسد و دانش‌آموزان پس از پایه ۱۲ وارد مدرسه **Oberstufe** می‌شوند) از دانش‌آموزان مدرسه **Oberstufe** انتظار می‌رود شروع به آماده‌سازی خود برای امتحان **Abitur** کنند. و بنابراین ممکن است زمان بیشتری را در مدرسه و فعالیت‌های مربوط به مدرسه بگذرانند. بعضی مدارس **Gymnasium** کلاس‌ها را به جای عصر روزهای هفته شبیه صبحها تشکیل می‌دهند. والدین دانش‌آموزان مدرسه **Gymnasium** در پایه‌های بالاتر اغلب گفتند که دختر یا پسرهایشان تا ساعت ۳ یا ۵ بعداز ظهر در مدرسه می‌مانند. و این چند روز در هفته اتفاق می‌افتد. در برخی موارد، دانش‌آموزان در کلاس‌های عصر شرکت می‌کنند، در برخی موارد دیگر در فعالیت‌های اضافه بر دوره تحصیلی با یا بدون یک معلم شرکت می‌کنند. سایر مدارس، مانند مدرسه **Gesamtschule** ممکن است بعنوان مدرسه‌های فعال در تمام روز طراحی شده باشند تا دانش‌آموزان با شرکت در فعالیت‌های ورزشی یا سایر فعالیت‌ها چندین بعداز ظهر را هر هفته در مدرسه بگذرانند.

❖ اغلب دانش‌آموزان در بوفه مدرسه غذا نمی‌خورند. طی یک روز مدرسه‌ای، چندین زنگ تفریح ۱۵ دقیقه‌ای تا نیم ساعت وجود دارد. اغلب مدارس یک کافی شاپ کوچک یا **Kiosk** دارند، که دانش‌آموزان میتوانند از آن آب میوه، شیر، قهوه و خوراکی‌هایی مانند ساندویچ یا شیرینی بخرند. به هر حال از بین تمام مدارسی که ما دیدیم، تنها مدرسه **Gesamtschule** برنامه خدماتی کاملی به دانش‌آموزان ارائه می‌کرد. دانش‌آموزان این مدرسه می‌توانند یک ناهار داغ در بوفه مدرسه با قیمت ۵۰ / ۲ دلار بخرند. ناظم مدرسه توضیح داد که بوفه قبلاً بوسیله یک مؤسسه خصوصی اداره می‌شد و فقط حدود ۵۰ ناهار در روز می‌فروخت. اکنون این بوفه توسط دانش‌آموزان زیر نظر معلمان خانه اقتصاد اداره می‌شود و آنها بین ۲۰۰ - ۱۵۰ ناهار در روز با قیمت پایین‌تری می‌فروشند.

❖ فهرست کلاس. فهرست هفتگی کلاس چندین دانش‌آموز متفاوت، تفاوت‌های موجود بین دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف و مدارس مختلف مشخص می‌کرد. اولین جدول (شکل ۱ را نگاه کنید) نشان دهنده دانش‌آموزان پایه ۸ مدرسه **Gesamtschule** در یک رشته تحصیلی خاص می‌باشد که در پایان دوره گواهی‌نامه **Realschule** را دریافت خواهد نمود بعد از پایه ۱۰ دانش‌آموزان مدرک دیگری را دریافت می‌کنند به نام **Mittlere Reife**.

❖ دانش‌آموزان که از مدرسه Gesamtschule با گواهی‌نامه Mittlere Reife بعد از پایه ۱۰ فارغ التحصیل می‌شوند برای ادامه دوره Abitur طی پایه‌های ۱۱ تا ۱۳ در مدرسه Gymnasium آزاد می‌باشند. این دانش‌آموز دوره‌های آموزشی بیشتری را (۳۳) هر هفته نسبت به دانش‌آموزی که در پایه ۸ مدرسه Gymnasium مشغول به تحصیل می‌باشد می‌گذراند. (۳۰) ، این تفاوت در تعداد دوره‌های آموزشی بدلیل این است که دانش‌آموزان مدرسه Gesamtschule زبان لاتین را انتخاب کرده‌اند. برنامه کلاس‌های عصر شامل موضوعاتی است که معلم برای دانش‌آموزان با پایه‌ها و سطح توانایی‌های مختلف طرح می‌کند. در مقایسه با دانش‌آموزان مدرسه Gesamtschule، یک دانش‌آموز پایه ۸ از مدرسه Gymnasium کلاس‌های عصر یا پروژه کاری ندارد. طی یک روز مدرسه که از ۴:۰۰ صبح تا ۱۵:۰۱ بعداز ظهر طول می‌کشد دو زنگ تفریح کوتاه وجود دارد. آلمانی، فرانسوی و ریاضیات ۴ ساعت در هفته، آموزش زبان و تربیت بدنی ۳ ساعت در هفته و چندین موضوع دیگر فقط ۲ ساعت در هفته را تشکیل می‌شود.

❖ دانش‌آموزان پایه ۱۲ مدرسه Gymnasium نیز هر هفته ۳۹ دوره کلاسی یا ساعت کلاسی را می‌گذرانند. این دانش‌آموزان دوره‌های پیشرفته آلمانی و فرانسوی (Leistungskurse) را می‌گذرانند که هر کدام پنج دوره یا ۵ ساعت در هفته می‌باشد. موضوعات دیگر برای ۲ تا ۳ دوره در هفته می‌باشند.

### ❖ اشتغال به کار دانش‌آموزان

❖ تنها درصد کمی از دانش‌آموزان گفتند از زمانیکه وارد مدرسه شده اند بیشتر زمان خود را مشغول به کار می‌باشند شاگردان سن بالاتر بیشتر تمایل داشتند تا امکان کار کردن برای آن‌ها فراهم باشد. به غیر از کار در زمان مدرسه، برای دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای کار به صورت پاره وقت و تمام وقت، در زمان تعطیلات مدارس وجود دارد. در کل، کار کردن در زمان مدرسه توسط والدین و معلمان توصیه نمی‌شود. معلمان نیز با بی‌اهمیتی در مورد کار پاره وقت شاگردانشان اظهار نظر نموده اند یکی از معلمان چنین می‌گوید: به نظر من این که یک دانش‌آموز در طول مدرسه اش کار پاره وقت داشته باشد، اشتباه می‌باشد. اشکالی ندارد که در تعطیلات مدرسه کار کنند، اما باید در طول هفته روی دروس خود متمرکز شوند. خانواده‌ها باید دانش‌آموزان را حمایت کنند، تا آنها مجبور به کار نباشند. البته، ما از تمام طبقات جامعه در مدرسه دانش‌آموز داریم. بنابراین این حمایت همیشه ممکن نمی‌باشد.

❖ اگر چه بیشتر معلمان با این نظریه موافق بودند، اما بعضی از معلمان نیز با کار دانش‌آموزان موافق بودند. معلمی از Gymnasium می‌گفت کار برای دانش‌آموزان مفید می‌باشد چون در کنار مدرسه می‌توانند « دنیای واقعی » را نیز تجربه کنند. او تاکید نمود که با کار ساعتی در یک کارخانه در طول تعطیلات مدرسه، دانش‌آموزان دنیائی از تجربه را بدست می‌آورند. « کار و کارخانه‌ها بهتر از هر چیز دیگری به دانش‌آموزان می‌آموزند. به طور کلی این مباحث و گفتگوها با آمار بدست آمده در گذشته درباره جوانان استخدام شده. مطابقت دارد. در بررسی سال ۱۹۹۲، ۱۹ درصد جوانان که آمار گیری شده بودند گفتند که در طول مدرسه شان کار پاره وقت داشته بوده‌اند. کسانی هم که کار می‌کنند به طور متوسط ۹/۵ ساعت در هفته کار می‌کرده‌اند. (Fischer ۱۹۹۲). بعضی از دانش‌آموزان گفته‌اند که در طول مدرسه به صورت پاره وقت به کارهایی اشتغال داشته اند. در اکثر موارد، دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند تا در محل کارخانه هایشان به کار مشغول شوند. اشتغال دانش‌آموزان مدارس فنی و حرفه‌ای که به صورت پاره وقت استخدام شده‌اند، به عنوان قانون، قسمتی از تجربه مدرسه فنی و حرفه‌ایشان، به صورت کار آموزشی می‌باشد. فعالیت نوجوانان در سیستم دو گانه آموزشی به صورت کار پاره وقت می‌باشد و در بقیه ساعات در مدارس فنی و حرفه‌ای مشغول می‌باشند. در مقابل دانش‌آموزان مدارس فنی و حرفه‌ای، دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای Gymnasium به عنوان فعالیت کمک نمی‌کنند. البته، معلمان در مدارس فنی و



حرفه‌ای **Gymnasium** تاکید کردند که شاگردانشان « شغل جهت دار» دارند و بنابراین «ارزش منحصر به فرد آموزش را درک می‌کنند». یکی از معلمان گفت اگر چه دانش‌آموزش بین ۵۰ و ۶۰ ساعت در هفته را به فعالیت‌های مدرسه اختصاص می‌دهند، بسیاری هنوز خواهان یافتن کار در دنیای واقعی هستند تا به تجربه دست پیدا کنند. مخصوصاً برای دانش‌آموزانی که در قسمتهای آشنائی با اصول فنی کامپیوتر، الکترونیک یا بکار بردن ریاضیات، در حال آموزش می‌باشند ممکن است باعث یافتن شغل‌هایی پاره وقت با درآمد بالا گردد. خانواده دانش‌آموزان زمان‌های مختلفی را در کنار خانواده می‌باشند. دانش‌آموزان دختر اغلب می‌گفتند که «رابطه نزدیکی» با مادرانشان دارند، به طور معمولی برای کارهایی که در زندگی شخصیشان و یا در مدرسه اتفاق می‌افتد را برای مادرانشان تعریف می‌کنند. پسران کمتر تمایل به گفتن کارهای شخصیشان به والدینشان دارند اما آنها همانند دختران تمایل به گفتن کارهای مدرسه و اجرای وظایفشان در مدرسه را به والدینشان دارند. بعد از صحبت کردن با دانش‌آموزان، مشخص گردید که در بسیاری از خانواده‌ها ارتباط از بین رفته است، به ویژه میان پسران و والدینشان. معلمان تاکید نمودند ارتباطات ضعیف از دو طرف بوجود می‌آید: بعضی اوقات جوانان با والدینشان درباره مشکلاتشان صحبت نمی‌کنند؛ و حالت دیگر آنکه، والدین زمانی را برای شنیدن حرفهای کودکان اختصاص نمی‌دهند چند تن از معلمان تاکید کردند که یکی از مهمترین مشکلات که جوانان با آن روبرو هستند این می‌باشد که والدین آنها در کارهای روزانه و شخصیشان آنقدر گرفتار شده‌اند که دیگر وقت مسائل احساسی و صحبت با فرزندانشان را ندارند یک معلم مدرسه **Gymnasium** می‌گفت که «خیلی از والدین سخت تلاش می‌کنند که با کار جبران بی توجهی نسبت به فرزندانشان را بکنند. اما کودکان همانطور که می‌خواهند بزرگ می‌شوند خیلی از والدین نیز این بحث را مطرح می‌کنند: والدین فکر می‌کنند وقت آزادشان بیشتر از این اهمیت دارد که با کودکانشان صحبت و گفتگو کنند. آنها فکر می‌کنند که مسئولیتشان با تامین خوراک خانواده‌هایشان به اتمام می‌رسد. بسیاری از والدین باید ۵۰ الی ۶۰ ساعت در هفته کار کنند و زمانی برای بزرگ کردن و صحبت با کودکانشان ندارند. دانش‌آموزان خارجی بسیاری از این خانواده‌ها فرهنگهای مختلفی دارند که مربوط به نقش خانواده در آنها معین است. معلم‌ها اظهار داشته‌اند که اغلب این دانش‌آموزان حق بردن دوستشان را به خانه ندارند. وقت والدین بیشتر در اختیار کودکان می‌باشد و اغلب وظایف جوانان در خانواده‌ها بیشتر می‌شود. خیلی از دانش‌آموزان خارجی در مصاحبه گفته‌اند که آنها بیشتر وقت خود را با برادر و خواهر و یا بقیه خویشاوندان می‌گذرانند. تعداد کمی از دانش‌آموزان از این روال احساس خرسندی می‌کردند. در بعضی از محلات، خانواده‌های «کارگران پناهنده» از ترکیه، ایتالیا و یونان مانند مهاجرین و پناهندگان اروپای شرقی و یوگوسلاوی سابق اکثریت این بخش جامعه را تشکیل می‌دهند.

### **علاقه وعدم علاقه دانش‌آموزان نسبت به مدرسه و معلمان**

❖ در حالیکه که بسیاری از دانش‌آموزان اظهار نمودند که از تقابل در برابر همتای خود و معلمان خود در مدرسه، لذت می‌برند بیشتر دانش‌آموزان این حقیقت را که مدرسه اجباری می‌باشد، دوست ندارند خیلی‌ها اشاره کرده‌اند که مدرسه به آنها تحمیل شده است: مدرسه جایی است که در آن وظایف سخت به آنها تحمیل می‌شود و مکانی که در آن روی اعمال آنها قضاوت بدی انجام می‌گیرد. خیلی از دانش‌آموزان مدرسه را جایی پر از فشار روحی توصیف کرده‌اند، در مدرسه دانش‌آموزان از مورد تمسخر قرار گرفتن توسط معلم و شاگردان دیگر ترس دارند. آنان چنین اظهار نظر کرده‌اند که دانش‌آموزان وقتی که سوال را در کلاس اشتباه جواب

می‌دهند مورد تمسخر قرار می‌گیرند. خیلی از معلمان در مصاحبه گفتند که چگونگی عملکرد دانش‌آموزان در محیط مدرسه وابسته به شخصیت دانش‌آموز و خانواده‌اش می‌باشد.

❖ براساس روحیات دانش‌آموزان، هر دانش‌آموز دختر یا پسر ممکن است مدرسه را به عنوان یک فضای دلپذیر یا غیرخوش آیند تجربه کرده باشد. برای مثال، وقتی روابط خانوادگی کمرنگ باشد تعداد زیادی از دانش‌آموزان مدرسه را به عنوان جایگزینی برای خانواده قبول می‌کنند بقیه کودکان که کمبود در محیط خانواده ندارند، ممکن است بسیاری از قوانین مدرسه را ناخوش آیند ببینند و این کودکان با خوشحالی به مدرسه نمی‌آیند. آنان احساس مسئولیت در قبال مدرسه را دوست ندارند. دانش‌آموزان کلاس هشتم یک مدرسه **Hauptshule** می‌گفتند که معلم مورد علاقه آن‌ها در کلاس شوخی می‌کند و زمان خوبی را با دانش‌آموزان سپری می‌کند. اما کلاس نیز تحت کنترلش می‌باشد آنان گفتند که خیلی چیزها از کلاسش یادگرفته‌اند. وقتی از دانش‌آموزان رفتار اشتباهی سر می‌زند معلم از دست آنان عصبانی نمی‌شود و کاری نمی‌کند که دانش‌آموزان احساس بدی داشته باشند. در مقابل او به معلمی که اغلب عصبانی می‌شود و کودکان را دچار فشار عصبی می‌کند احترام نمی‌گذارند. او خیلی سخت می‌تواند کلاس را به کنترل خود در بیاورد و کلاس را پر از فشار عصبی می‌نماید

## ❖ آموزش معلمان

### ❖ ساختار آموزشی

❖ معلمان برنامه‌هایی متنوع و دروس متفاوتی برای تدریس در ساعات مختلف در طول یک هفته دارند. معلمان مدارس ابتدایی عموماً حداقل برای ۲ سال به شکل تمام وقت در ۱ کلاس تدریس می‌کنند. یک معلم کلاس اول در همان کلاس را در سال دوم تدریس خواهد کرد قبل از اینکه به کلاس دیگری در پایه سوم و چهارم برود. به این ترتیب معلمان قادرند رابطه نزدیکی با دانش‌آموزانشان ایجاد کنند. معلمان مدارس مقدماتی متوسطه حداقل دو درس اصلی را به دانش‌آموزان سطوح مختلف درس می‌دهند. آن‌ها عموماً تعداد کمی ساعات بیکاری در طول روز آموزشی دارند.

❖ معلمان هر هفته بین ۲۳ و ۲۷ درس ۴۵ دقیقه‌ای را تدریس می‌کنند. (در بعضی ایالتها بالای ۲۸ درس) معلمان مدارس ابتدایی سنگین ترین میزان تدریس را دارند و تأکید کردند که تدریس ۲۷ کلاس در هر هفته در کلاس‌هایی با بیش از ۳۰ دانش‌آموز بسیار مشکل می‌باشد. اغلب معلمان مدارس ابتدایی مدرسه را بین ۱۲:۰۰ الی ۱:۰۰ ظهر ترک می‌نمایند. اغلب معلمان مدارس مقدماتی متوسطه مدرسه را حدود ساعت ۱:۰۰ ظهر ترک می‌کنند. بجز معلمان **Gymnasium** که کلاس‌های بالاتر را درس می‌دهند. مدیران عموماً تا ساعت ۴:۰۰ بعداز ظهر و دیرتر هم در مدرسه می‌مانند.

❖ دانش‌آموزان کلاس‌های ۱ الی ۱۰ در مدارس ابتدایی و مدارس مقدماتی متوسطه به کلاس‌های ۲۵ الی ۳۰ نفره تقسیم می‌شوند. عموماً این کلاس‌ها از ۱ سال تا سال دیگر ثابت می‌ماند. معلم برگزیده شده برای هر کلاس، نه تنها وظایف اجرایی یک کلاس و تنظیم زمان جلسه اولیاء و مربیان را انجام می‌دهد بلکه چندین درس را هم تدریس می‌کند. معلم کلاس همچنین مسئول دفتر کلاسی می‌باشد که معلمان در آن عنوان درس‌های روزانه، سرفصلهای تدریس شده و تکالیف تعیین شده را یادداشت می‌نمایند. هیچ معلم جایگزین اضافی وجود ندارد. از معلمان خواسته می‌شود جایگزین معلم غایب شوند. معاون یا مدیر یک برنامه تدریس جایگزینی طرح می‌کنند که هرگاه معلمی بیمار شود اجرا می‌گردد. معلمی که طبق برنامه

جایگزین می‌شود دفتر کلاسی را برای کسب اطلاعاتی درباره پیشرفت کلاس بررسی می‌کند اگر زمانی که احتیاج به یک معلم جایگزین است، معلمی در اختیار نباشد، ممکن است کلاس تعطیل شود و دانش‌آموزان به خانه فرستاده شوند.

❖ معلمان خودشان ملزم به گذراندن یک دوره طولانی آموزشی – حداقل ۶ یا ۷ سال – می‌باشند.

❖ از زمانی که از آموزش های دانشگاهی معلمان به طور وسیعی استفاده شد، اغلب مشاهده شد تجربه تدریس دانش‌آموزان با ارزش تر می‌باشد و در واقع جهت یابی عملی از آموزشهای دانشگاهی آنها می‌باشد، ارائه تعلیمات پیوسته فراوان است، اما در اغلب ایالتها الزامی نمی‌باشد. اختیارات معلمان آلمانی برای پیشرفت حرفه‌ای محدود می‌باشد. یک امکان پیشرفت در مدیریت مدرسه می‌باشد که معلم، معاون یا مدیر می‌شود. آنها همچنین ممکن است آموزشیار معلمان مدرسه شوند یا موقعیتی در ایالت یا وزارتخانه آموزش منطقه پیدا کنند. اغلب معلمان خدمتگزاران مدنی می‌باشند. به هر حال به معلمان در ایالت های جدید ( آلمان شرقی سابق ) جایگاه خدمت گذاران مدنی داده نشده است. تا زمانی که بیش از نیمی از معلمان به یکی از چند اتحادیه های معلمان تعلق دارند، پایگاه آنان به‌عنوان خدمتگزاران مدنی آنها را از اعتصاب منع می‌کند. میان اغلب مشکلات عمومی که معلمان با آن روبرو می‌باشند. انضباط کلاس و دانش‌آموزان مشکل زا اصلی ترین مشکل می‌باشد. طرز نگرش نسبت به ادامه و تکمیل آموزش: معمولاً معلمان از کم بودن زمان آموزش معلمان که منجر به عدم توانایی بعضی از آنها برای شرکت در این دوره ها می‌شود، شکایت می‌کنند. معلمان معمولاً در کلاس‌هایی که بیشتر به آن علاقه دارند شرکت می‌کنند. معلمانانی که سابقه تدریس بیشتری دارند کمتر از معلمان تازه کار به این کلاس‌ها اهمیت می‌دهند. در مقایسه با معلمان ایالات قدیمی، معلمان ایالات جدید بیان کردند که خواهان دریافت جدید ترین اطلاعات و متدها در رشته‌ها درسی خود هستند به همین دلیل آنها در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند. معلمان با تجربه معمولاً شرکت در کلاس‌های آموزش مستمر را زیاد لازم نمی‌دانند و صرف زمان برای این کلاسها را ضروری نمی‌بینند. در حالیکه معلمان تازه کار برای شرکت در این کلاس های آموزشی رغبت بیشتری از خودشان نشان می‌دهند.



## کادر آموزشی

- ❖ معمولاً مدارس تعداد کمی پرسنل اداری دارند. کلیه مدیران معلمان قبلی هستند که هنوز تا جایی که برنامه آموزشی اجازه دهد تدریس می‌نمایند. علاوه بر یک یا دو منشی و یک سرایدار (که نظافت نمی‌کند اما از ساختمان مدرسه مراقبت می‌کند)، در اغلب مدارس چند تن از معلمان مسؤولیتهای اضافی مانند سرپرستی آزمایشگاه علوم یا کتابخانه را بر عهده دارند. در میزان تدریس این معلمان کاهش صورت می‌گیرد. عموماً "مدارس پرستار ندارند و دانش‌آموزانی که بیمار می‌باشند به خانه فرستاده می‌شوند یا در موارد اورژانس فوراً به نزد، یک پزشک یا بیمارستان فرستاده می‌شوند. معمولاً، دفتر کار منشی، دفتر مدیر و مکان استراحت معلمان شامل یک محل می‌باشد - مدیر مرتباً در هر سه اتاق رفت و آمد دارد.
- ❖ اغلب معلمان کلاس‌های اول الی دهم بغیر از هنرستان‌های فنی در شروع سال تحصیلی فقط برای یک کلاس تعیین می‌شوند. با سیستم آموزش دوره‌ای در شروع پایه ۱۱ در Gymnasium دانش‌آموزان دیگر به یک کلاس تعلق ندارند و بنابر این یک معلم ندارند. یک معلم کلاس نه تنها یک یا تعداد بیشتری درس را به گروه خاصی از دانش‌آموزان درس می‌دهد بلکه مسؤول اداره و رسیدگی به موضوعات اداری ایجاد شده توسط دانش‌آموزان در کلاس و والدین آنها می‌باشد. به علاوه، معلمان مسؤول نوشتن گزارش نمرات دانش‌آموزان به صورت دو بار در سال می‌باشند. همچنین معلمان برای کلاس یک نماینده انتخاب می‌کنند و زمان ملاقات با والدین دانش‌آموزان طی سال تحصیلی را تعیین می‌کنند.
- ❖ در مدارس Gesamtschule معلمان باور دارند که دانش‌آموزان باید طی دو سال اول تحصیلشان واحد امکان در یک کلاس کنار هم بمانند تا یک محیط آموزشی پشتیبان و غیر رقابتی ایجاد گردد و برقراری یک رابطه دوستانه آسان تر شود. معلمان کلاس تا جاییکه امکان دارد دروس متعددی را در یک کلاس درس می‌دهند، زیرا وقتی یک معلم در یک کلاس تدریس می‌نماید نسبت به کلاسی که چندین معلم دارد شاگردان برای وی شناخته شده تر می‌باشند. بر طبق گفته معلمان، فایده دیگر داشتن یک کلاس برای دانش‌آموزان این است که بجای اینکه از یک کلاس به کلاس دیگر بروند، کلاسی دارند که معلمان به آن می‌آیند. دفتر کلاسی : معلم کلاس همچنین مسؤول دفتر کلاسی می‌باشد که معلمان اهداف درسی روزانه، سرفصلهایی که باید تدریس شود و تعیین تکالیف را در آن یادداشت می‌نمایند. دفتر کلاسی همیشه در کلاس وجود دارد مگر اینکه کلاس‌ها عوض شوند، مانند زمانیکه دانش‌آموزان به آزمایشگاه شیمی یا سالن ورزش می‌روند. در ابتدای نیمسال تحصیلی یک دانش‌آموز از کلاس انتخاب می‌شود تا دفتر کلاسی را نگه دارد و مسؤول می‌باشد که دفتر را بین کلاس‌ها حمل نماید. دفتر کلاسی در هر نوع مدرسه ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. این دفتر یک مدرک رسمی است که شامل توصیف مختصری از مباحثی است که تدریس شده است و به عنوان کار مدرسه و تکلیف برای یک کلاس معین هر روز تعیین می‌شود و اغلب شامل شماره صفحه کتاب درسی استفاده شده و تکالیف تعیین شده می‌باشد. معلم کلاس و مدیر مدرسه باید در پایان هر هفته مطالب ثبت شده در این کتاب را بررسی نمایند. علاوه بر درس‌های ثبت شده، دفتر کلاسی شامل جدول دوره‌ای و جدول کلاس برای دانش‌آموزان یک کلاس، فهرست معلمان و موضوعاتی که آنها در آن کلاس درس می‌دهند، آدرس و شماره تلفن دانش‌آموزان، لیست حضور و غیاب و اسامی دانش‌آموزان انتخاب شده و سخنگوی والدین برای کلاس می‌باشد.

## معلم جانشین

❖ وقتی یک معلم غایب است، ناظم یا مدیر یک جایگزین انتخاب می‌کنند. از سایر معلمان خواسته می‌شود در غیاب همکارشان در آن کلاس درس دهند. هیچ معلم "جایگزین" اضافی وجود ندارد. معلمان غایب نیاز نیست اهداف درسی آماده شده را برای معلمانی که قرار است در کلاس آن‌ها درس دهند باقی بگذارند. معلمی که قرار است برای معلم دیگر جایگزین شود معمولاً دفتر کلاسی را بررسی می‌نماید تا از برنامه کلاس آگاه شود. اگر معلم جایگزین با دروسی که باید تدریس شود آشنا نباشد ممکن است از دانش‌آموزان بخواهد که تکالیفشان را در کلاس انجام دهند. در برخی موارد معلمان در شرایطی که باید جایگزین شوند کتابها یا سرگرمی‌هایی را به کلاس می‌برند. در مدارس راهنمایی، معلمان که زمان آزاد دارند اولین انتخاب به‌عنوان معلم جایگزین می‌باشند. اگر زمانیکه احتیاج به جایگزین باشد معلمی در دسترس نباشد، بویژه زمانیکه اولین یا آخرین ساعت روز مدرسه باشد کلاس تعطیل می‌شود. از دانش‌آموزان خواسته می‌شود دیرتر به مدرسه بیایند یا زودتر مدرسه را ترک کنند. بر طبق تیترا یکی از روزنامه‌های اخیر آلمانی، ۴ درصد از کلاسها در ایالت مرکزی بدلیل غیبت معلمان تعطیل می‌شود. در مدارس ابتدایی اگر یک معلم مریض باشد، مدیر ممکن است یک برنامه جایگزینی ترتیب دهد بطوریکه تمام کلاسهای مدرسه را تحت تأثیر قرار دهد. از زمانیکه معلمان مدارس ابتدایی معمولاً تمام مطالب را برای یک کلاس تدریس می‌کنند، اغلب مشکل است که به جای او یک معلم جایگزین پیدا کرد. اگر یک معلم بمدت یک هفته غایب باشد ممکن است مدیر تصمیم بگیرد کلاس را منحل کند و دانش‌آموزان را به کلاسهای دیگر بفرستد. در سایر موارد، ممکن است مدیر برنامه هفتگی کلاس را از طریق منحل کردن کلاسهای ویژه که تنها تعداد اندکی از معلمان می‌توانند آنرا اداره کنند، تغییر دهد. اگر یک معلم برای مدت بسیار طولانی غیبت داشته باشد ممکن است مدیر با اداره آموزش و پرورش محلی تماس گرفته و از آن‌ها تقاضای یک معلم اضافی نماید. معلمان *Gesamtschule* از شنیدن این مطلب که در مدارس آمریکا معلمان جایگزین ویژه وجود دارد تعجب کردند. بر طبق گفته این معلمان: در گذشته سیستم جایگزینی مشابه با سیستم آمریکا در ایالت مرکزی وجود داشت. معلمان تأکید کردند که آمدن یک فرد از خارج از مدرسه به عنوان معلم جایگزین بی معنی می‌باشد. به هر حال آن‌ها از سیستم اخیر که در آن هیچ معلمی برای جایگزینی در یک کلاس یا یک درس وجود نداشت انتقاد کردند. معلمان توضیح دادند که معلم جایگزین تنها در صورتی مؤثر است که معلمان در دروس و در کلاسهای جایگزین شوند که معمولاً در آنها تدریس می‌کنند. تنها در این صورت است که می‌توان از معلمان جایگزین انتظار داشت که به خوبی آماده شوند.

## ارزیابی تحصیلی

❖ معلمان علاوه بر دفتر کلاسی، یک دفتر نمره دارند که در آن زمان و چگونگی ارزیابی کار دانش‌آموزان را ثبت می‌نمایند. به طور کلی، معلمان به آزمون‌ها، پرسشها (بویژه در مورد زبان‌ها)، شرکت در فعالیتهای کلاسی و فعالیتهای فوق برنامه مانند نمایشهای کلاسی نمره می‌دهند. معمولاً به تکالیف نمره داده نمی‌شود. معلمان طی دو سال اول مدارس ابتدایی گزارشهای نمره‌های رسمی را برای دانش‌آموزان نمی‌نویسند. به هر حال آن‌ها، گزارش عملکرد دانش‌آموزان را در پرسشها و آزمون‌ها نگه می‌دارند تا بعداً

برای تهیه گزارشهای ارزیابی دانش‌آموزان و ضعف هر دانش‌آموز استفاده شود. در ایالت شرقی، فقط نمره دو درس ریاضی و زبان آلمانی در پایه چهارم برای پذیرش در **Gymnasium** محاسبه می‌شود: بسیاری از معلمان مدارس ابتدایی بیان کردند از دادن توصیه نامه جهت مدارس راهنمایی برای دانش‌آموزان پایه - چهارم بمیناک می‌باشند. معلمان ایالت‌های شرقی گفتند که پایه چهارم برای چنین تصمیم‌گیری مهمی بسیار زود است. اما، اغلب معلمان مدارس ابتدایی در ایالات قدیمی باور دارند که یک معلم با تجربه باید بتواند تعیین کند آیا یک دانش‌آموز می‌تواند وارد یک **Gymnasium** شود یا باید به نوع دیگری از مدارس راهنمایی شود. معلمان مدارس مقدماتی متوسطه بویژه در **Gymnasium** گفتند نمره دادن اغلب مشکل می‌باشد. بویژه زمانی که معلمان می‌دانند که بعضی از دانش‌آموز قبلاً این پایه را تکرار کرده اند و با تنبیه بدنی در خانه اش تهدید می‌شوند.

### رابطه متقابل معلمین با دانش‌آموزان

- ❖ در مدرسی که مشاهده کردیم، رابطه متقابل معلم و دانش‌آموز از حد رسمی تا غیر رسمی تغییر می‌کرد. برخلاف تغییرات موجود در روابط، در روابط معلم و دانش‌آموز عمومی می‌تواند وجود داشته باشد. برای مثال، معلمان کلاس‌های سطح بالاتر، دانش‌آموزانشان را از پایه ۱۱ تا پایه ۱۳ بوسیله نام کوچک صدا می‌زنند و آن‌ها را به طور رسمی مورد خطاب قرار می‌دهند. ارتباط بین معلم و دانش‌آموزان از یک کلاس به کلاس دیگر براساس مقاطع تحصیلی فرق می‌کند.
- ❖ تفاوت‌های موجود در روش تدریس ممکن است به کیفیت رابطه دانش‌آموز-معلم تاثیر بگذارد. معلمان **Haupt/Realschule** مشاهده کردند استفاده از کار گروهی و توضیح مفاهیم احتیاج به مثال‌های واقعی دارد. برای مثال یک معلم در **Realschule** از صورت حساب تلفنش برای توضیح متغیر استفاده کرد. دانش‌آموزان کلاس او برای محاسبه صورتحساب تلفن بصورت گروهی کار کردند و بنظر می‌رسید یک رابطه گرم و دوستانه با معلم دارند. بیشتر موارد معلمانی که درس‌ها را به شکلی جالب و روشی روشن و واضح تدریس می‌نمایند، ارتباط خوبی با دانش‌آموزانشان دارند. برای مثال یک معلم **Haupt/Realschule** برای دانش‌آموزان کلاس ۱۰ خود تئوری فیثاغورث را قدم به قدم تدریس کرد اما قبل از آن مسائل را به صورت منطقی و استدلالی توضیح داد و با شور و حرارت مسأله را پیش برد. او در انتهای کلاس مطالب را به کمک دانش‌آموزان خلاصه کرد. وقتی یکی از دانش‌آموزان جواب غلط می‌داد بوسیله معلم سرزنش نمی‌شد و همچنین مورد آزار سایر دانش‌آموزان قرار نمی‌گرفت اما از او خواسته می‌شد دوباره برهان قبل از جواب را توضیح دهد. معلم به روشی صحبت می‌کرد و بخشی از زمانش را برای جواب دادن به سوالهای دانش‌آموزان به یک روش دوستانه نگه می‌داشت.
- ❖ تعدادی از معلمان **Haupt/Realschule** ذکر کردند که سن یک معلم در رابطه معلم-دانش‌آموز نقش مهمی دارد. یک معلم بیان کرد از زمانی که معمولاً معلمان جوان با دانش‌آموزان سازگاری و رابطه بهتری دارند به آن‌ها نیاز بیشتری وجود دارد. بر طبق گفته این معلم، که حدود چهل سال داشت، معلمان جوان فهم بیشتر و قدرت تحمل زیادتری در برابر علائق دانش‌آموزان دارند. یک معلم تعلیمات اجتماعی در یک هنرستان فنی پیشنهاد کرد موضوعی که معلم تدریس می‌کند در تعیین این رابطه نقش بازی می‌کند. بر طبق گفته این معلم، معلمان رشته‌ها غیر کارآموزی در هنرستان فنی در جلب علاقه دانش‌آموزان کار

سخت تری دارند. برای مثال یک معلم ریاضیات می داند که برقراری رابطه با دانش‌آموزان سخت است، زیرا آن‌ها معمولاً به ریاضیات علاقه ای ندارند. در عوض، اغلب این دانش‌آموزان به رشته‌ها مرتبط با کار علاقه دارند و بنابراین در این کلاس‌ها از خود شور و حرارت بیشتری نشان می‌دهند که در نتیجه تأثیر مثبتی بر رابطه معلم - دانش‌آموز دارد. در اغلب ایالت، مشاهدات در یک مدارس ابتدایی رابطه ای گرم و دوستانه بین معلمان و دانش‌آموزان را نشان می دهد. دانش‌آموزان مدارس ابتدایی بیشتر روز درسی شان را با یک معلم می‌گذرانند و بنابراین فرصت های بیشتری برای ایجاد یک رابطه نزدیک دارند. معلمان دریافته اند که تشخیص کلیه نیازهای دانش‌آموزان در طول یک دوره آموزشی بسیار مشکل می باشد. در هر کلاس ۳۰ دانش‌آموز وجود دارد، که بیشتر آن‌ها از ملیتهای مختلف می باشند. و زبان اصلی آن‌ها هم آلمانی نیست.

### روابط معلمین با اولیاء دانش‌آموزان

❖ والدین در طول سال تحصیلی فرصت هایی برای ملاقات با معلم فرزندانشان در اختیار دارند. تعداد و هدف این ملاقاتها برطبق ایالت ها، نوع مدرسه و معلمان به طور قابل ملاحظه‌ای فرق می‌کند. در جلسات شبانه والدین- معلم (Elternabende) ، معلم کلاس و والدین در یک عصر در شروع سال تحصیلی با یکدیگر ملاقات می‌کنند. در این جلسه معلم کلاس خودش را معرفی می‌کند و برنامه‌های آموزشی سال تحصیلی را بیان می نماید. والدین هم از میان خودشان نماینده‌ای انتخاب می‌کنند. اگر یکی از والدین از روشی که یک موضوع یا سرفصل تدریس می‌شود ناراضی باشد با نماینده اولیاء تماس می گیرد. و از او می‌خواهد یک جلسه اولیاء و مربیان ترتیب دهد. جلسات روزانه اولیاء و مربیان: علاوه بر جلسات شبانه والدین- معلم جلسه اولیاء و مربیان در طول سال تحصیلی دوبار تشکیل می‌شود. ( معمولاً ژانویه و ژوئن یا جولای ) والدین برای صحبت با معلم فرزند شان درباره عملکرد آن‌ها ملاقاتهایی انجام می‌دهند. اگر یکی از والدین نتواند طبق برنامه ملاقات در جلسه حاضر شود می‌تواند طی ساعات کاری معلم با او ملاقات کند، که معمولاً یک بار در هفته بعد از مدرسه می‌باشد. هم یاری والدین در مدارس ابتدایی : برای والدین دانش‌آموزان پایه سوم و چهارم، بمنظور آگاه کردن آن‌ها در مورد انتخاب مدارس مقدماتی متوسطه جلسات اضافی تشکیل می‌گردد. همچنین برای معلمان فرصتهایی بمنظور ملاقات غیررسمی با والدین وجود دارد. برطبق گفته اغلب معلمان، والدین دانش‌آموزان، مدارس ابتدایی بجز تعداد کمی از آن‌ها، در آموزش فرزندانشان بسیار فعالیت می‌کردند. بعضی والدینی که متخصص بودند، احساس می‌کردند رشته‌ها تدریس شده در کلاس را بهتر از معلمان می‌دانند. معلمان مدارس ابتدایی در ایالت شرقی یکبار در سال تحصیلی به خانه دانش‌آموزان می‌روند تا محیط اجتماعی که بچه‌ها در آن زندگی می‌کنند را ببینند. معلمان گفتند که این ملاقاتها برای شناخت عملکرد دانش‌آموزان و رفتار آن‌ها در مدرسه مفید است. معمولاً وقتی دانش‌آموزان در مدرسه خوب عمل نمی‌کنند علاوه بر جلسات اولیاء - مربیان ، جلسات شخصی با والدین این دانش‌آموزان برگزار می گردد. همچنین این جلسات وقتی دانش‌آموزان با همکلاسی‌هایشان مشکل دارند یا فاقد مهارت اجتماعی می باشند تشکیل می گردد. همیاری والدین در مدارس مقدماتی متوسطه: در مقایسه با والدین دانش‌آموزان، مدارس ابتدایی والدین دانش‌آموزان مدارس مقدماتی متوسطه اغلب اوقات با معلمان فرزندانشان ملاقات نمی‌کنند. معلمان مدارس مقدماتی متوسطه

گفتند، بجز تعداد اندکی از جلسات والدین - معلم بطور معمول والدین در طول سال تحصیلی به مدرسه نمی‌روند. بسیاری از والدین حتی در این جلسات هم شرکت نمی‌کنند. بجز معلم کلاس که وظیفه تنظیم جلسات اولیاء و مربیان را دارد، معلمان **Gymnasium** عموماً با والدین دانش‌آموزانشان ملاقات نمی‌کنند مگر اینکه مشکلی وجود داشته باشد. براساس مصاحباتی که با معلمان در یک هنرستان فنی انجام شد بنظر رسید که ارتباط کمتری بین والدین و معلمان دانش‌آموزان هنرستان های فنی نسبت **Gymnasium** وجود دارد. معلمان هنرستان فنی بیان نمودند که آنها اغلب اگر دانش‌آموزان برای مدت طولانی غیبت کنند یا در مدرسه خوب عمل نکنند فقط به والدین تلفن می‌زنند.

## ❖ معضلات آموزشی

❖ معلمان از تعدادی مشکلاتی که آنها در کلاس با آن روبرو هستند صحبت کردند و درباره جایی که می‌توانند راه حلی پیدا کنند صحبت نمودند. دانش‌آموزان مشکل را: عموماً معلمان سعی می‌کنند خودشان شخصاً با رفتارهای ناهنجار در کلاس برخورد کنند. به هر حال اگر معلم یک درس نتواند به تنهایی از پس ناسازگاریها برآید، معلم دیگری را از آن مشکل آگاه می‌سازد و سپس آنها با یکدیگر در مورد برخورد مناسب تصمیم می‌گیرند. اگر رفتار دانش‌آموزی که مشکل دارد تغییر نکند، از معلم کلاس خواسته می‌شود که با مدیر مدرسه تماس بگیرد. یک ناظم در یک مدرسه **Gymnasium** گفت: معلمان در زمان مناسب مشکل را مطرح نمی‌کنند تا به آنها کمک شود. از معلم کلاس انتظار می‌رود قبل از شکایت به مدیر به دقت اعمال و حرکات دانش‌آموز را بمدت هشت هفته زیر نظر داشته باشند. امکان دارد در جلسه معلمان با مدیر، مدیر تصمیم بگیرد دانش‌آموز به کلاس دیگری منتقل شود. اگر این انتقال موثر نباشد جلسه‌ای با کلیه معلمان ترتیب داده می‌شود. ضمناً معلمان سعی می‌کنند در مورد مشکل با والدین دانش‌آموزان تماس بگیرند. در موارد نادر و معمولاً اگر یک دانش‌آموز مواد مخدر مصرف کند یا باعث وارد آمدن آسیب جدی به دیگران شود ممکن است به مدرسه دیگری فرستاده شود. معلمان مشاوره: در بعضی ایالتها معلمان ویژه‌ای وجود دارند که به‌عنوان مشاور برای دانش‌آموزان و والدین در مدارس عمل می‌کنند. تعداد مشاوران به اندازه مدرسه بستگی دارد. به‌عنوان مثال یک **Gymnasium** با حدود ۱۲۵۰ دانش‌آموز در ایالت شرقی سه معلم مشاور دارد که هر کدام در یک زمینه خاص مانند جلوگیری از اعتیاد یا برنامه‌ریزی تحصیلی تخصص دارند. معلمان مشاور از نظر میزان تدریس ساعات کمتری تدریس می‌کردند و برای خود دفتر مخصوصی داشتند که والدین و دانش‌آموزان چهار بار در هفته می‌توانستند در آنجا با مشاور ملاقات کنند. بخاطر این که تماس تلفنی با دفتر جوانان و روانشناسان در این چهار دوره صورت می‌گیرد، زمان بیشتری جهت مشاوره با دانش‌آموزان باقی نمی‌ماند.

❖ دانش‌آموزان اغلب استفاده مناسبی از مراکز مشاوره انجام نمی‌دهند. یک معلم مشاوره در یک مدرسه ترکیبی **Haupt/Realschule** گفت تعداد کمی از دانش‌آموزان به دفتر می‌آیند. وقتی دانش‌آموزان به دفتر می‌آیند اغلب در مورد مشکلاتشان با هم‌کلاسیه‌ها، والدین و معلمان بحث می‌کنند و راهنمایی می‌خواهند. مشاور هم سعی می‌نماید مشخص کند آیا مشکلات دانش‌آموز جدی هستند یا خیر برای کمک با یک روانشناس تحصیلی متخصص در اداره آموزش و پرورش تماس می‌گیرد اگر چه والدین از آمدن به مدرسه در ساعت‌های مشاوره استقبال می‌کنند معلمان مشاوره گزارش کردند که والدین به سختی



به دفتر آن‌ها می‌آیند. در مدارس ایالت‌های مرکزی، معلمان مشاور در بسیاری از مدارس به‌عنوان بخشی از برنامه گسترده ایالتی ویژه برای مبارزه با اعتیاد دانش‌آموزان فعالیت می‌کنند. این برنامه بیش از ۱ دهه می‌باشد که شروه به فعالیت کرده است. یک معلم مشاور در یک هنرستان فنی گفت بیشتر دانش‌آموزان برای مشاوره درباره مسائل شخصی به نزد او می‌آیند و فقط حدود ۵ درصد از دانش‌آموزان بخاطر اعتیاد به او مراجعه می‌کنند.

❖ اغلب معلمان مدارس مقدماتی متوسطه و بسیاری از معلمان مدارس ابتدایی گفتند دریافته‌اند که برخورد با دانش‌آموزان و اداره آن‌ها کار مشکلی می‌باشد. معلمان مدارس ابتدایی ذکر کردند که بچه‌ها در سالهای اخیر تغییر کرده‌اند و بدست آوردن بینش و نگرش نسبت به آن‌ها و دانستن چیزهایی که علاقه آنان را تحریک می‌کند، و تصمیم‌گیری درباره رفتار با آن‌ها تلاش و انرژی زیادی می‌خواهد برطبق گفته بسیاری از معلمان مدارس ابتدایی، تدریس ۲۷ کلاس در هر هفته در یک کلاس ۳۰ نفره خسته‌کننده می‌باشد. همیشه بچه‌هایی وجود دارند که مشکلاتی دارند و کلاس را بوسیله مسخرگی و قلدری بهم می‌زنند. معلمان گفتند از اتلاف زمان و انرژی شان برای کمک یا نظم دادن به چنین دانش‌آموزانی احساس بدی دارند و بنابراین نسبت به سایرین هم غفلت می‌کنند. برای راحتی دانش‌آموزان و کمک به آن‌ها، بعضی معلمان از موسیقی مدیتیشن و ورزش یوگا در کلاس استفاده می‌کردند. این کار بویژه در مدارس ابتدایی انجام می‌شد. محدودیت‌های موجود در تاثیر گذاری: تاثیرات عملکرد معلمان بوسیله چند عامل محدود می‌شود. همانطور که قبلاً هم ذکر گردید آشفتنگی کلاس و رفتار دانش‌آموزان نگرانی بسیاری از معلمان است. اگر چه معلمان به مستقل کار کردن عادت کرده‌اند، اما بعضی بیان کردند احساس می‌کنند در صورت همکاری با سایر معلمان نتیجه کارشان افزایش خواهد یافت. بیشتر معلمان تضمین کاری را به‌عنوان عامل محدودکننده تأثیرگذاری معلمان نمی‌دانستند. دو معلم دیگر هم به طور انتقادی از ارتباط معلمان و والدین نام بردند. آن‌ها رسمیت و فاصله موجود بین معلمان و والدین را مناسب نمی‌دانستند. به نظر آن‌ها شکافی بین خانه و مدرسه وجود دارد که هیچ معنایی ندارد. آن‌ها بر این باورند. هم والدین و هم معلمان باید به کاستن این فاصله و شکاف کمک نمایند. که معلمان در رأس قرار دارند.

## ❖ ارتقاء شغلی معلمان

❖ فرصت معلمان برای پیشرفت بسیار محدود می‌باشد. در نهایت معلمان می‌توانند به‌عنوان دستیار مدیر مدرسه و یا می‌توانند در جایی از دفتر آموزش و یا به‌عنوان دبیر سمینارها به‌عنوان معلم معلمان دانش‌آموزان انتخاب شوند. در کلیه حالتها معلمان به همان جایگاه خدمتگزاری دولتی باز می‌گردند. معلمانی هم که پیشرفت و ارتقائی ندارند معمولاً در همان جایگاهشان از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار می‌شوند. در میان همه معلمان، معلمان مدارس *Gymnasium* از موقعیت بهتری برای پیشرفت برخوردارند. این معلمان بعد از انتخابشان به‌عنوان خدمتگزار دولتی معمولاً لقب مشاور تحصیلی را می‌گیرند. یک معلم *Gymnasium* بعد از ۵ سال خدمت می‌تواند به‌عنوان مشاور تحصیلی انتخاب شود. بعد از آن یک معلم می‌تواند به‌عنوان هدایتگر آموزشی و سپس مشاور مدیر و نهایتاً مدیر مدرسه شود. پیشرفته‌تها تنها شامل تعویض عنوان نمی‌شود بلکه ممکن است در تغییرات دستمزد و حقوق نیز تاثیر داشته باشد. معلمان در تمام مدارس نیز می‌توانند پیشرفت کنند و دستمزد بیشتری دریافت کنند. این

پیشرفته‌ها حداکثر می‌تواند به مدیریت مدرسه ختم شود. مدیران مدارس برای این امر تربیت نشده‌اند بلکه آن‌ها همان معلمانی هستند که بعد از چندین سال ارتقاء به اینجا رسیده‌اند. معلمان می‌توانند معاون مدیر و گاهی نیز مدیر همان مدرسه یا مدرس‌های مشابه شوند. معلمان **Realschule - - Hauptschule** و **Grund Schuele** که می‌توانند مدیر مدرسه شوند معمولاً بصورت کاندیدا و با توجه به مدیریت و سابقه تدریسشان انتخاب می‌شوند.

❖ مدیران و معاونین مدیران به اندازه زمان برنامه خود می‌توانند تدریس کنند. به‌عنوان مثال معلم یک هنرستان فنی و حرفه‌ای که دارای ۱۰۰۰ دانش‌آموز است می‌تواند ۴ کلاس در هفته تدریس کند. به نظر مدیران تدریس برای آن‌ها از جهت در ارتباط بودن با معلمان دیگر حائز اهمیت است. مشاور و معاون مدیر نیز مدیر را در زمانبندی و همچنین آمارها و همچنین کارهای مدیریتی دیگر همچون اختصاص کلاس‌ها یا برنامه زمانبندی امتحانات یاری می‌کند. همچنین معاونین نیز برنامه‌ای جهت معلمان جایگزین تهیه می‌نمایند. مدیران معمولاً کار نظارت و ارزیابی معلمان را بر عهده دارد. در حقیقت امکان پیشرفت برای معلمان مدرسه ممکن است منجر به این شود که در سمینارهای ایالتی این معلمان به عنوان معلم، معلمان دیگر برگزیده شوند و به صورت نیمه وقت یا تمام وقت کار کنند. به‌عنوان مثال یک معلم نیمه وقت که ۱۰ معلم را آموزش می‌دهد به اندازه ۱۰ کلاس حقوق بیشتر دریافت می‌کند. بنابراین بخاطر این مزایا معلمان معمولاً بصورت تمام وقت این وظیفه را قبول می‌کنند. برای اینکه معلمی به عنوان دبیر سمینار برگزیده شود باید با قبول و تکمیل موارد اجتماعی موافقت کند. در سالهای اخیر با توجه به ارائه مطالب جدید و قوی، معلمان نیز باید جهت گذراندن کلاس‌ها بوسیله معلمان قدیمی آماده شوند. ابتدا توصیه نامه ای به دفتر مرکزی مدارس فرستاده می‌شود. سپس بازرسی جهت برآورد وضعیت نهائی معلمان به آنجا می‌آید. دبیران سمینار نیاز به گذراندن دوره‌ای خاص ندارند.

### شرایط استخدامی معلمان

❖ تمام معلمان در ایالات قدیمی بصورت دوره‌ای استخدام می‌شوند. به‌عنوان مثال در ایالت **westfafen-Nordrhein** ۹۲ درصد (بیش از ۱۴۰۰۰۰۰) معلم بصورت دوره‌ای استخدام هستند، و ما بقی بصورت قرار دادی می‌باشند. تنها ساکنین و شهروندان آلمانی می‌توانند استخدام شوند. با توجه به قانون اتحادیه اروپا در سال ۱۹۸۶ و مجلس آن زمان، آلمان به ساکنین سایر کشورها نیز اجازه استخدام در مدارس آلمانی را می‌دهد. این در حالی است که این ساکنین نمی‌توانند بصورت استخدامی کار کنند بلکه بصورت قرار دادی به کار گرفته می‌شوند. این در حالی است که معلمان قرار دادی نیز می‌توانند از بسیاری مزایای استخدامی‌ها برخوردار شوند. تمام معلمان قراردادی باید ضوابط اخلاقی و حرفه‌ای را که معلمان استخدامی می‌پذیرند قبول داشته باشند. معلمان استخدامی دارای سابقه طولانی در آلمان می‌باشند. در هر حال استخدام شدن یا نشدن بین معلمان از زوایای مختلفی مورد رقابت قرار گرفت. سیاستمداران هدایت کننده‌های جامعه دموکراتیک (**SPD**) با حذف استخدام موافق بودند. اولین دلیل ارائه این مطلب مسئله اقتصاد بود: این معلمانی که در بالا ذکر شد همگی در سالهای اولیه به خدمت گرفته شدند، با تخمین میزان پرداخت‌های باز نشستگی و همچنین موج معلمان تازه کار جهت استخدام باعث ترس سیاستمداران می‌شد. نه تنها سیاستمداران و خبر نگاران بلکه خود معلمان نیز در بعضی شرایط با استخدام موافق نبودند. آن‌ها مطالبی را به‌عنوان مشکلات استخدام ذکر کردند: به نظر من استخدام یک معلم و امنیت شغلی وی در هنگام ورود به این شغل مناسب نمی‌باشد. این به آن دلیل است که ممکن است آن

معلم، معلم خوبی نباشد و یا این که معلم دنبال شغل بهتری باشد. این مسئله هم برای معلمین و هم برای دانش‌آموزان مضر می‌باشد. در حال حاضر استخدام یک شکل مهم معلمان می‌باشد زیرا معلمان ایالات جدید نمی‌توانند همانند معلمان ایالات قدیمی استخدام شوند. و در بسیاری از موارد، معلمان ایالات جدید با ترس از دست دادن شغل خود مواجهند. معلمان مدارس ابتدایی در ایالت های جدید از موقعیت شغلی خود بسیار می‌ترسیدند زیرا این ایالات در صد استخدام ۱۰۰۰ معلم جدید بودند. این معلمان بر این عقیده بودند که ایالت توانائی مالی جهت استخدام تمامی معلمین را ندارد. موقعیت اجتماعی: میزان احترام و حرمت یک معلم همواره توسط کلیه ایالت‌های آلمان مورد تأکید و تأیید می‌باشد. اما به معلمان و مکان تدریسی که معلم در آن تدریس می‌نماید ربط دارد. معلمان در شهرهای بزرگ نسبت شهرهای کوچک و روستاها از احترام کمتری برخوردارند زیرا در شهرها سطح عمومی سواد مردم بالاتر می‌باشد. همچنین معلمان **Garund, Hauptschule** از احترام کمتری نسبت به معلمان **Realschule, Gesamtschule** برخوردارند و معلمان **Gymnasium** از احترام بیشتری نسبت به سایرین برخوردار می‌باشند. معلمان همواره سرهمه مسائل سرزنش می‌شوند. چگونه می‌توان تصمیم گرفت که معلمی خوب است یا بد؟ معیارها چیست؟ معلمان هیچگاه احترام لازم را دریافت نمی‌کنند. معلمان کاهش احترام و تأمینات اجتماعی را در کنار افزایش تقاضاهای وزارت آموزش احساس می‌نمایند. وزارت آموزش با کم شدن بودجه‌ها مواجه می‌باشد. معلمان نیز مجبور به تحمل این کمبود به علاوه حجم زیاد کلاس مطالب آموزشی می‌باشند.

## حقوق و مزایای معلمین

❖ دلیل آنکه معلمان استخدامی می‌باشند. حقوق آن‌ها بر اساس میزان حقوق ملی پرداخت می‌شود حقوق معلمان در سطح A-۱۲ تا A-۱۶ (از ۳۵۰۰۰ دلار تا ۴۹۰۰۰ دلار) در سال می‌باشد. جدول ۲ میزان حقوق‌ها را مشخص کرده است. معلمان **Reslschule** و تازه کار (۴۰۰۰ دلار) مدیران و کمک مدیران و معاونین پایه (۴۴۰۰۰ دلار) و مدیران و هنرستان فنی (۴۹۰۰۰ دلار) در سال دریافت می‌کنند. این حقوق‌های سالیانه با توجه به تعداد افراد خانواده آن‌ها و ازدواج زیادتر می‌شود. معلمان استخدامی تمام وقت همچنین از مزایایی از قبیل بیمه سلامتی، زمان تفریح، عیدی کریسمس و حقوق بازنشستگی می‌باشد. این مسأله جذابیت‌های زیادی را برای افرادی که علاقه به آموزش بچه‌ها و وارد شدن به دنیای معلمی را دارند به همراه دارد. معلمان استخدامی هر دو سال یک بار اضافه حقوق می‌گیرند تا به سن ۵۰ برسند و در آن زمان حقوق آن‌ها ثابت می‌شود. معلمان همچنین در طول ۲ دوره آموزش برای شغل معلمی حقوقی دریافت می‌کنند. در حقیقت آن‌ها نصف معلمان تازه کار تمام وقت حقوق دریافت می‌کنند. به دلیل این که آن‌ها برای استخدام آموزش داده می‌شوند بنابراین از بسیاری از مزایای افراد استخدامی، همچنین حقوق اضافی و غیره برخوردار می‌باشند. به عنوان کمترین پرداخت یک معلم **Garund, Hauptschule** که زیر ۲۶ سال سن دارد می‌تواند ۱۸۰۰ مارک (۸۶۰ دلار) در ماه دریافت کند. به عنوان حداکثر پرداخت در این شرایط دانشجوی متأهل در که بیش از ۲۶ سال سن دارد تقریباً ۲۶۰۰ مارک (۱/۲۴۰ دلار) در ماه دریافت می‌کند

❖ هر ۲/۱۰ مارک آلمان معادل یک دلار احتساب گردیده است.

## ❖ باز نشستگی

❖ معمولاً معلمان به طور طبیعی در سن ۶۵ سالگی باز نشستگی می‌شوند اما گاهی قبل از رسیدن به این سن خود را پیشاپیش باز نشستگی می‌کنند بنابراین از حقوق بازنشستگی کمتری برخوردار می‌شوند. میزان حقوق باز نشستگی معمولاً به میزان سال های تدریس ارتباط دارد. به‌عنوان مثال معلمی که ۳۵ سال سابقه خدمت دارد حقوقی معادل ۷۵ درصد میزان دریافتی در آخرین سال تدریسش را دریافت می‌کند. (Schult ۱۹۹۰). سال های گذراندن دوره آموزشی در دانشگاه و دوره آموزشی شغل معلمی نیز به‌عنوان سابقه کار حساب می‌شود.

## ❖ نهادهای مرکزی

### اتحادیه معلمان

❖ معلمها می‌توانند به اتحادیه‌ای ملحق شوند، این در حالی است که آنها اجازه اعتصاب ندارند زیرا کارمند دولت می‌باشند. در سال ۱۹۸۷ در حدود ۶۵ درصد معلمان در آلمان به یکی از چهار اتحادیه معلمان ملحق شدند. بزرگترین این اتحادیه‌ها، اتحادیه علوم و آموزش [GEW] می‌باشد که دارای ۲۰۰۰۰۰ عضو می‌باشد که ۱۳۰ ۰۰۰ نفر از آنها دانش‌آموز معلم هستند [GEW] نماینده تحصیل کرده‌های بسیاری مانند، اساتید دانشگاه ها معلمان دانشکده‌های فنی معلمان مدارس دولتی و خصوصی می‌باشد اتحادیه آموزش و پرورش [VBE] نماینده ۱۰۰۰۰۰ معلم می‌باشد. اعضای این اتحادیه اغلب از مدارس Garunds chule, Haupt Sender Schule و می‌باشد. اتحادیه معلمان آلمان [LV] دارای ۰۰۰ ۱۲۰ عضو می‌باشد. اعضا اغلب از Real schule و Gymnasium و Berufs schule می‌باشند. اتحادیه دیگری بنام اتحادیه زبانشناسان (Philologenverband) نیز وجود دارد. که اغلب معلمان Gymnasium در آن مشغولند. اتحادیه مکانی برای افراد حرفه ای، اقتصادی، قانونی و اجتماعی برای اعضایش می‌باشد. اتحادیه مأمور برقراری نشستها و جلسات و تعیین وضعیت آموزشی می‌باشد این در حالی است که قوانین تنها توسط وزارت آموزش تعیین می‌شود. اتحادیه همچنین در زمینه اطلاع رسانی عمومی از قبیل چاپ مجلات و برگزاری کنفرانس‌ها نیز فعالیت دارد. اتحادیه GEW به عنوان مثال مجلاتی مانند Erziehung, wissenschaft چاپ می‌کند که مطالب آموزش و تدریس در آن وجود دارد.

❖ در بین اتحادیه‌ها سیاستهای متفاوتی وجود دارد. به‌عنوان مثال مدرسه را به‌عنوان جایگزینی از سه مدرسه می‌باشد و میزان تواناییهای آنها را برآورد می‌کند. اتحادیه مسئولیت بهبود کردن وضعیت آموزش و معلمان مدارس Hauptschule و مدارس ابتدایی را به عهده دارد.

### نرخ ساعات تدریس

❖ معلمان مدارس ابتدایی سنگین ترین میزان تدریس را دارند. آنها متذکر شدند که میزان تدریس ۲۷ کلاسی هفتگی آنها بسیار سنگین می‌باشد که افزایش ثبت نام در بسیاری مدارس به ایجاد کلاس‌های ۳۰ نفره منجر گردیده است. میزان تدریس از ایالتی به ایالت دیگر فرق می‌کند و به نوع مدرسه نیز بستگی دارد. در مدارس ایالت مرکزی، وظیفه هفتگی معلمان به شرح زیر است : ۲۷ کلاس در Realschule, Hauptschule, ۵/۲۶ کلاس در Gymnasium, Gesamtschule و هنرستان های

فنی (کارآموزی) ۲۳/۵ کلاس وقتی معلمان به سن ۵۳ سالگی رسیدند می‌توانند میزان تدریستان را ۱ کلاس در هفته کم کنند، در سن ۵۵ سالگی، ۲ کلاس در هفته و در سن ۵۸ سالگی ۳ کلاس در هفته. معلمانی که وظایف اضافی مانند مشاوره تحصیلی دانش‌آموزان و حل مشکلات شخصی، رابطه میان دانش‌آموزان و معلمان یا راهنمایی رشته‌ها را بر عهده می‌گیرند می‌توانند میزان تدریستان را کم نمایند. در برخی موارد، معلمانی که به‌عنوان رابط میان معلمان و دانش‌آموزان عمل می‌کنند ممکن است کاهش ۱ یا ۲ کلاس در هفته را در میزان تدریستان داشته باشند. اخیراً معلمان مدارس ابتدایی و مدارس مقدماتی متوسطه سال‌های پایین‌تر در یکی از ایالت‌های جدید بدلیل فقدان منابع مالی بصورت نیمه وقت همراه با میزان تدریس ۲۳ کلاس در هفته کار می‌کنند. به عبارت دیگر، در این ایالت در *Gymnasium*، معلمان برای تدریس ۲۴ کلاس در هفته در نظر گرفته شده‌اند اما در حقیقت از آن‌جائی که معلم کافی در دسترس نمی‌باشد. ۲۷ کلاس در هر هفته تدریس می‌کنند.

### زمان کاری معلمان

❖ در طول روز چندین زنگ تفریح ۱۵ الی ۲۰ دقیقه‌ای وجود دارد. معلمان از این زنگ‌های تفریح به‌عنوان فرصتی جهت صحبت با همکارانشان استفاده می‌کنند. یک یا تعداد بیشتری از معلمان برای نظارت بر دانش‌آموزان در حیاط مدرسه طی زنگ تفریح تعیین شده‌اند که بر طبق یک برنامه گردشی می‌باشد. معمولاً معلمان نهار را در خانه می‌خورند زیرا اغلب مدارس بوفه ندارند. به هر حال معلمان ممکن است مدرسه را برای خوردن نهار ترک کنند و سپس بعدازظهر برای تدریس یا سرپرستی پروژه‌ها برگردند. در طول ساعات آزاد احتیاجی نیست معلمان در مدرسه بمانند. آن‌ها می‌توانند این زمان را برای انجام مأموریت‌های خارج از مدرسه آماده شدن برای کلاس یا صحبت با همکاران صرف کنند. به طور کلی، معلمان گفتند که بیشتر از ۲ ساعت از روز را صرف آماده شدن برای کلاس می‌کنند، که معلمان با تجربه زمان کمتری را صرف می‌کنند. به هر حال، آن‌ها بیان کردند که این زمان متفاوت است و می‌تواند بیشتر از ۲ ساعت هم باشد که این بستگی به وظایف روز بعد آنان در مدرسه دارد. علاوه بر تدریس معلمان باید چندین بار در ماه در جلساتی شرکت کنند. که به طور معمول شامل جلسه معلمان درباره یک موضوع ویژه و یک جلسه عمومی برای تمام معلمان، مدیر و ناظم می‌باشد. معلمان بویژه در کلاس‌های سطح بالاتر، با توجه به تفاوت برنامه‌هایشان مقدار زمان بیشتری را برای آماده سازی آزمون‌ها و تصحیح تکالیف دانش‌آموزان صرف می‌نمایند.

❖ متد آموزش، عاملی برای اصلاحات متعددی در سیستم آموزش بوده و H آبه عنوان نتیجه معلمان بیان کردند، که آنان همیشه نسبت به این متد آموزش معلمان، به روز نمی‌باشند. در حال حاضر، معلمان در تمام شهرهای آلمان باید ۱ دوره ۲۴ ماهه آموزش دانش‌آموزان را قبل از تدریس تمام وقت خود برای اولین بار فرا بگیرند.

### اهداف آموزش

❖ معلمان مدارس متوسطه اظهار کردند که هدف آموزش بالا بردن اطلاعات و دانستنی‌های دانش‌آموزان می‌باشد. معلمان مدارس ابتدایی، آموزشی را مناسب می‌دانند که متنوع باشد.

❖ به جز معلمان **Gymnasium** ، معلمان مدارس متوسطه معنی کلی آموزش را براساس اطلاعات و مهارت‌های لازم برای کمک به آماده سازی دانش‌آموزان برای شغل‌های آینده شان می‌دانند. معلمان مدارس ابتدایی بیشتر طرفدار جنبه آموزش اجتماعی می‌باشند. به عبارت دیگر، احتیاج دانش‌آموزان به یادگیری و کار کردن، هر دو به یکدیگر وابسته می‌باشند. و همچنین باید بر روی مسائل اجتماعی آنان نیز تأکید شود. یکی از وظایف ابتدائی معلمان هنرستان‌های فنی آن است که به دانش‌آموزان در رفع نیاز های مهارت‌های اجتماعی و پیدا کردن شغل‌شان کمک کنند. به علاوه، تمام معلمان مدارس مقدماتی متوسطه اظهار داشته‌اند که معلمان باید در دروسی که تدریس می‌کنند اطلاعات کافی داشته باشند و باید این اطلاعات به روز باشند. همچنین معلمان باید مفاهیم سخت و پیچیده را به ساده ترین شکل به دانش‌آموزان انتقال دهند. معلمان سعی می‌کنند تا دانش‌آموزان، اشتباهات و مسائل را خودشان تجربه کنند.

❖ معلمان در تمام مدارس گفتند که اهمیت توانائی مجسم مشکلات و رابطه‌ی با دنیای بسیار زیادی باشد و باعث می‌شود. تا دانش‌آموزان دریابند چگونه با این مشکلات در دنیای زندگی واقعی روبرو شوند. یک معلم خوب باید قادر به تغییر موضوع درس براساس علاقه و انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری باشد. برای اینکه مشکلات شخصی باعث کاهش رابطه میان معلم و دانش‌آموز می‌شود معلم باید این دور اندیشی و توانایی را داشته باشد تا آنها را کمک و یاری نموده و مشتاق سازد تا درباره مشکلاتشان صحبت کنند و در نهایت آنها را مشاوره و راهنمایی کند. به علاوه، معلمان نیاز دارند که اعصاب و شخصیتی قوی داشته باشند. " یک معلم خوب باید راه نزدیک شدن به دانش‌آموزان و ایجاد رابطه دوستانه با آنها را همزمان با کنترل کلاس بیاموزد.

## رده های سنی

❖ طبق آمار سال ۱۹۹۰ بیشی از ۶۵ درصد از معلمان در آلمان در مدارس **Grandschule / Realschule.Hauptschule** و **Gymnasium** بین سنین ۳۵ و ۴۵، ۴۵ و ۵۵ و کمتر از ۲۰ درصد زیر ۳۵ سال سن دارند. بعضی کارشناسان از سن معلمان در مدارس آلمان به عنوان مشکل اساسی یاد می‌کنند. آنها ترجیح می‌دهند که معلمان از جوانان و مسنها تشکیل شده باشد، چون ممکن است دانش‌آموزان دوست داشته باشند که معلم جوان داشته باشند تا بتوانند با او ارتباط برقرار کنند. نیز سن معلمان مدارس **Grund Schuele.Realschule** و **Hauptschule** و **Gymnasium** طی سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۹۰

❖ اگرچه متغیر سن از ۲۸ الی ۶۲ سال بوده اما، سن میانگین ۴۳ سال بوده است. اکثریت معلمان در مدرسه باقی می‌مانند تا به عنوان مدیر یا ناظم انتخاب شوند و یا برای انتقال آنها به مدارس دیگر موافقت شود. معلمان باید بعد از مدت زمانی از مدرسه‌های به مدرسه دیگر بروند، بنابراین آنها مجبور به آشنایی با دبیران دیگر و محیط مدارس دیگر خواهند بود و چیزهای بیشتری می‌آموزند. اگر چه، ممکن است بسیاری از معلمان از این نظریه استقبال نکنند زیرا امکان دارد تا تمایل به تغییر محیط زندگی خودو خانواده شان نداشته باشند.

## انگیزه شغلی

- ❖ وقتی از معلمان درباره انگیزه آنها برای انتخاب شغل سؤال می شود اکثراً در پاسخگویی با تردید مواجه می شوند اما بیشترین این دلایل را به عنوان دلیل اصلی برای انتخاب شغل مهمی بیان می کنند: آرزوی کار کردن با بچه ها و نوجوان، کار ساعتی پاره وقت و کار فنی دراز مدت و جذابیت شغلی و امنیت بعضی معلمان بدلیل جذابیت تدریس وارد مدارس ابتدایی شده اند تا بتوانند فضای گرمی در کلاس ایجاد کنند و فضای خشک درسها را بهبود بخشند. بعضی معلمان مدارس ابتدایی قبلاً کارهای دیگری انجام می داده اند و بعد معلم شده اند. گفتند که دلیل اصلی برای روی آوردن به تدریس این بود که آنها نمی توانستند در شغل‌هایشان خانواده‌ای بیابند یعنی رفتارهایی شبیه خانواده‌ها را میان خود بیابند. همچنین معلمان اظهار داشتند که به این خاطر به تدریس جذب شده‌اند که تدریس را دوست دارند و به آن علاقه مند هستند.
- ❖ کار پاره وقت ساعتی برای معلمان جذاب می باشد؛ آنها قادر به تصمیم گیری برای خودشان هستند که چه مقدار وقت را باید صرف تدریس و چقدر وقت را صرف طرح سوال بکنند. معلمان در مدارس فنی و حرفه‌ای و gymnasium که قبلاً در مشاغل دیگر مشغول به کار بوده‌اند نیز به مفید بودن این گونه کار کردن اشاره کرده اند. امنیت شغلی نیز دلیل بسیار مهمی برای معلمان در انتخاب شغل معلمی می باشد. دلایل شخصی نیز معلمان را به شغل تدریس راهنمائی کرده است. چندین معلم خانم گفتند که پدرهایشان آنها را به این شغل تشویق کرده‌اند

## سیاستهای آموزشی

- ❖ اگر کودک در حد مدرسه نباشد، اگر قادر به یادگیری زبان‌های خارجی نباشد و اگر استعداد یادگیری مسائل التزامی را نداشته باشد، پی در پی مردود خواهد شد و مکرراً با شکست مواجه خواهد شد و در نتیجه رشد شخصیتی کودکان دچار مشکل خواهد شد. آنها پی در پی شکست را تجربه می کنند و هیچ تجربه موفق ندارند... در نتیجه، ما معتقدیم که کودکانی را که در حد مدرسه نیستند نباید به مدارس فرستاد. این دسته از کودکان باید هر چه سریعتر تحت تعلیماتی با روش‌های آموزش مناسب قرار گیرند. کلیه دست اندرکاران سیستم آموزشی آلمان نقش تفاوت‌های فردی را در توانائی افراد عملاً تأیید کرده‌اند. روش‌های آموزشی متفاوت در سیستم آموزشی آلمان انعکاسی است از این باور اجتماعی و سیاسی که توانایی فردی و هوش در همه افراد یکسان نیست. جداسازی متعصبانه دانش‌آموزان و فرستادن آنان به مدارس مختلف از این تفکر نشأت می گیرد که یک جامعه برای دستیابی به موفقیت و پیشرفت به نخبگان تحصیل کرده و نیروی کار ماهر نیاز داشته و نیازهای آموزشی این دو گروه کاملاً با یکدیگر متفاوت است. اغلب دانش‌آموزان باید تحت آموزش عملی قرار گیرند که سبب می شود به عنوان قشر مولد در جامعه فعالیت کنند. براین اساس، بهترین و باهوش ترین دانش‌آموزان باید بر اساس روشی منظم بر پایه رشته‌های کلیدی و مهم تئوریک تعلیم یافته تفکر منطقی را بیاموزند، سوال بپرسند و برای حل مشکلات بطور مستقیم عمل نمایند. به این ترتیب دانش‌آموزان آمادگی تحصیل در دانشگاه را خواهند یافت و دانشگاه سبب می شود که برای قبول مسئولیت در جامعه و سر انجام رهبری جامعه آلمان مهیا گردند. عموماً در ایالت‌هایی که از نظر سیاسی محافظه کارترند، به ویژه ایالت‌های جنوبی، تفاوت میان روش‌های آموزشی نسبت به دیگر مناطق کشور ملموس تر است. در ایالت‌هایی که طی دهه‌های اخیر تحت تاثیر حزب دموکرات اجتماعی قرار گرفته‌اند، اعتقاد به اجرای سیستم بازتر، سبب گردیده

است تا انعطاف پذیری و همکاری بیشتری میان روش‌های آموزشی به وجود آید. طبقه بندی سنتی مدارس سطوح پایین‌تر متوسطه در این ایالت‌ها همچنان به قوت خود باقی است اما اضافه شدن مدارس جامع نشان‌دهنده نیاز به تغییر در سیستم آموزشی است. علاوه بر عقاید سیاسی مختلف که برخی تغییرات را در سیستم آموزشی آلمان بوجود آورده است، جامعه آلمان و سیستم مدارس آن از افزایش تنوع فرهنگی تاثیر پذیرفته‌اند. در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۲۲، تعداد دانش‌آموزان خارجی ثبت نام شده در مدارس آلمان از ۸۰۰،۲۷ به ۹۰۰،۸۳۱ نفر افزایش یافته است. تعداد زیادی از این اعراد به کودکان اولین یا دومین نسل کارگران مهاجر کشورهای اروپای جنوبی نظیر یونان، ایتالیا و ترکیه تعلق دارند. به طور کلی می‌توان گفت که انحلال اتحاد جماهیر شوروی بسیاری از این مهاجران را از کشورهای دیگر نظیر لهستان، روسیه و یوگسلاوی به آلمان سوق داده است. تسهیلات تابعیت آلمانی سبب شده که بسیاری از مهاجران نسل دوم در آلمان باقی مانده و به خاطر نزدیکی زادگاه اروپایی شان میراث فرهنگی و زبانشان را حتی پس از چندین سال اقامت در آلمان حفظ کنند. به جز مدارس ابتدایی، انواع دیگری از مدارس وجود دارد که برنامه‌های آموزشی متفاوتی از جهت زمان بندی، تفهیمی و اهمیت ارائه می‌دهند. افرادی که یکی از این دوره‌ها را با موفقیت پشت سر بگذارند گواهی نامه‌ای دریافت می‌دارند که امکان برخورداری از فرصتهای تحصیلی و یا آموزش حرفه‌ای جهت احراز شغل مناسب را فراهم می‌آورد. در جایی که سنت نقش مهمی در انتخاب رشته تحصیلات متوسطه بازی کرده و دختران و پسران همان رشته‌ای را انتخاب می‌نمایند که والدین شان از آن‌ها می‌خواهند، امروزه والدین از فرصتهایی که گواهینامه‌های مدارس متوسطه ایجاد می‌کنند، بیشتر آگاهی دارند. در نتیجه در صد ثبت نام در این مدارس افزایش یافته است. علی‌رغم این واقعیت که تحت تاثیرات تاریخی و سیاسی کاملاً متفاوت، تفاوت‌های فلسفی و ساختاری در سیستم آموزشی این سه ایالت بوجود آمده است، سیستم اغلب قسمت‌ها بسیار به هم شبیه می‌باشد.

## معضلات آموزشی

### ۱- بیکاری و فقر

معلمان تصویر نسبتاً ملالت آوری را از وضعیت خانوادگی نوجوانان بویژه در ایالت‌های جدید آلمان شرقی سابق ترسیم نمودند. برای مثال، یک معلم *Hauptrealschule* در شهر شرقی درباره فقدان انگیزه یادگیری در دانش‌آموزانش صحبت کرد. وقتی دلایل این فقدان انگیزه پرسیده شد او عوامل اجتماعی و خانوادگی مانند تعداد زیاد بیکاران، وضعیت بد اقتصادی، فقدان همیاری والدین و حمایت آنان و فقدان الگوهای مناسب ذکر نمود. او گفت اغلب دانش‌آموزان هنوز نفهمیده‌اند که برای پیدا کردن کار مناسب به دیپلم احتیاج دارند. بیکاری یک مسئله جدی در آلمان می‌باشد. از ژانویه ۱۹۹۵، متوسط جمعیت بیکار بالای ۱۰ درصد بوده است. که در آلمان شرقی بالاتر و حدود ۱۴/۷ درصد بوده است. در آلمان غربی این آمار ۸/۹ درصد بود. در آمارگیری اخیر در مورد وضعیت اقتصادی در ایالت‌های جدید که توسط وزارتخانه فدرال انجام شد، ۴۰ درصد از جوانان آلمان شرقی سابق گزارش کردند که آنان اخیراً "مشکلات مالی" را تجربه کرده‌اند. این نظر فردی بوسیله آمار هم تأیید می‌شود که از هر سه نفری که از رفاه اجتماعی برخوردار می‌باشد. در ایالت‌های شرقی یک نفر زیر ۱۸ سال می‌باشد. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در ایالت‌های جدید شرایط اقتصادی نه برای همه ولی برای بسیاری از افراد در حال پیشرفت می‌باشد. برای مثال، درصد خانواده‌های صاحب فرزند درآمد خالص ماهانه ای



بین ۳۰۰۰ مارک (۲۰۰۰ دلار) الی ۵۰۰۰ مارک (۳۲۰۰ دلار) داشته اند کمتر از ۲۵٪ در سال ۱۹۹۱ تا ۶۸٪ در ۱۹۹۳ متغییر بوده است.

والدین دانش‌آموزان همچنین نگرانی شان را از بیکاری اعلام کردند. بنظر می‌رسد بازار کار بطور فزاینده‌ای راکد گردیده است. شغل‌ها آنچنانکه در گذشته بودند، امروزه مطمئن نیستند. یک معلم *Gesamtschule* گفت چشم انداز نگران کننده استخدام در بسیاری از زمینه‌ها افراد جوان را “ نسبت به زندگیشان بی هدف ” کرده است و باعث گردیده بجای انتخاب شغل مورد علاقه شان به سراغ انتخاب‌های دوم، سوم، یا چهارم بروند. یک معلم *Realschule* درباره به تأثیرات اجتماعی فقدان جهت یابی شغلی صحبت نمود. ۱ معلم در *Hauptrealschule* در حالیکه شانه اش را بالا می‌انداخت گفت: خشونت قسمتی از فرهنگ رسانه‌های ما است و متأسفانه بنظر می‌رسد همینطور نیز خواهد ماند. از زمانیکه خشونت موجود در رسانه‌ها مورد انتقاد قرار گرفت، معلمان و والدین توضیح دادند که رسانه‌ها بر روی کودکان تأثیر منفی دارند. رسانه باعث تحریک بیش از حد، از بین رفتن ظرفیت یادگیری و افزایش مصرف می‌شود. او اضافه کرد که یکی از بزرگترین مشکلاتی که جوانان آلمانی با آن مواجه هستند “ فقدان فرصتهایی برای برقراری ارتباط واقعی با مردم است. ” که این مشکل بوسیله رسانه‌ها ایجاد شده است که تنها اجازه ارتباط “ غیرمستقیم ” را می‌دهند. او در ادامه گفت: تلویزیون فرهنگ مصرف را افزایش می‌دهد، جایی که مصرف گرایی بالاتر از سایر موضوعات قرار می‌گیرد. بسیاری از معلمان و والدین نیز ذکر کردند که رسانه‌ها باعث خسته شدن تفکرات می‌شوند.

## ۲- جنایت و خشونت

خشونت و جنگ و دعوا در مدارس آلمان بیشتر در اثر رسانه‌های آلمانی ایجاد شده است و مناظراتی میان مصلحت اندیشان، آموزگاران، والدین و دانش‌آموزان بوجود آورده است. از زمانیکه روزنامه‌ها در مورد خشونت فراوان موجود در مدرسه گزارش میکنند، محققان خودشان در مورد تعمق در مورد خطرات افزایش خشونت موجود در مدرسه محتاط تر شده‌اند. دانش‌آموزان و معلمان ادعا کردند که اعمال جدی خشونت بار در مدرسه نادر بودند بویژه آندسته از اعمالی که شامل آسیب‌های بدنی میباشد. تهدیدهای زبانی نسبت به درگیریهایی بدنی در مدارس شایع تر است. برای مثال یک دانش‌آموز پایه هشتم در یک *Gesamtschule* گفت با اینکه او هرگز در مدرسه مورد درگیری بدنی قرار نگرفته اما تهدیدهای لفظی را تجربه کرده است. یکی از معلمان *Realschule* بیان کرد معمولاً تشخیص داده نمی‌شود که چرا خشونت در مدرسه (یا جامعه) اتفاق می‌افتد برای مثال مردمی که در ترافیک گیر کرده‌اند با هم بحث و دعوا میکنند و حد خود را تشخیص نمی‌دهند این نوع تجاوز لفظی است. دانش‌آموزان در مدرسه یکدیگر را بخاطر مدل مو یا لباس‌ها مسخره میکنند و این نوعی خشونت است علاوه بر خشونت و وحشیگری در مدرسه، افزایش میزان جنایت در جامعه عامل نگرانی بسیاری از والدین، معلمان و دانش‌آموزان مدارس شده است. یکی از معلمان *HauptRealschule* وجود خشونت در جامعه و افزایش آن را ناشی از فقدان ورزش و تسهیلات کافی در شهرهای بزرگ دانست. پدر یکی از دانش‌آموزان *Realschule* در تایید این معلم گفت: افزایش خشونت ناشی از این حقیقت است که بسیاری از شهرها مراکز مخصوص جوانان را تعطیل کرده‌اند و همچنین افراد جوان علاقه شان را به کلیسا از دست داده‌اند.

## ملاحظات تاریخی

❖ آلمان از قرون پیش ، منطقه مسکونی گروه‌های خاص از قبایل ژرمن بود در قرن اول پیش از میلاد تا سالهای اولیه پس از میلاد دولت روم نواحی اطراف رود راین و آلمان جنوبی را به تصرف خود در آورد ولی در سال نهم پس از میلاد پیشرفت های آنان در آلمان متوقف شد. در قرون چهارم و پنجم میلادی ژرمن ها به متصرفات امپراطوری روم در اروپای مرکزی و غربی حمله بردند و نواحی وسیعی را اشغال کردند. ژرمنها کمی بعد تحت تسلط اقوام فرانک درآمدند. از قرن هشتم میلادی آیین مسیحیت در آلمان رواج یافت. در آن زمان آلمان تحت تسلط سلسله فرانکی کارولنژیان بود. با مرگ شارلمانی پادشاه کارولنژی، امپراطوری وسیع وی تجزیه شد و به موجب پیمان وردن در سال ۸۴۳، آلمان تحت حکومت لوئی ژرمنی درآمد. پس از مرگ وی آلمان میان سه فرزندش تقسیم گردید و بدین ترتیب امپراطوری قرون وسطی آلمان پدیدار گشت و هر ناحیه دم از خودمختاری و استقلال زد. با این حال آلمان کمتر از دیگر کشورهای اروپایی در معرض خطر تجزیه بیشتر قرار گرفت. در قرن دهم آلمان مورد حمله و هجوم اقوام نورمن ها، اسلاوها و مجارها واقع شد.

❖ در اواسط و اواخر قرن دهم، قدرت سلطنت مرکزی دوباره استقرار یافت و وحدت آلمان تأمین شد. تا اواخر قرن یازدهم، آلمان مقتدرترین دولت اروپایی بود. در قرون یازدهم، دوازدهم و سیزدهم اختلافات مذهبی در آلمان به اوج خود رسید. این اختلافات سرانجام منجر به تجزیه آلمان نواحی تابعه آن گردیده و هر ناحیه دارای حکومت محلی شد و آلمان بصورت اتحادیه ای ظاهری درآمد. پس از جنگهای مذهبی سی ساله در اروپای مرکزی (۴۸-۱۶۱۸) قدرت شاهان بیش از پیش تضعیف گردید. در اتحادیه آلمان دو کشور پروس و اتریش از بقیه قدرتمندتر بودند. ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۶ اتریش را از آلمان جدا کرد و به این ترتیب به رقابت دیرینه این سرزمین با پروس پایان داد. ناپلئون اتحادیه ای در آلمان جنوبی تأسیس کرد که در سال ۱۸۱۳ منحل شد. در سال ۱۸۱۵ بر طبق مفاد کنگره وین اتحادیه آلمان زیر نفوذ اتریش تشکیل شد. در این میان دولت پروس موافقتنامه ای با کشورهای آلمان جنوبی منعقد ساخت. سپس قیامهای سال ۱۸۴۸ در نواحی آلمانی تحت تسلط اتریش روی داد که سرکوب گردید. در سال ۱۸۶۱ ویلهلم اول به سلطنت ناحیه پروس رسید و پس از چندی حکومت را به دست صدراعظم مقتدر خویش بیسمارک سپرد. بیسمارک از همان آغاز صدارت به اصلاح امور کشور پرداخت و شروع به حکومت استبدادی نمود و برای آنکه وحدت تمامی نواحی آلمان را عملی سازد دست به سه جنگ مهم و تاریخ ساز در اروپا زد. وی در سال ۱۸۶۴ بنای جنگ با دانمارک را گذاشته و نواحی وسیعی را به تصرف درآورد. سپس در سال ۱۸۶۶ شروع به جنگ با اتریش نمود. این جنگ را بیسمارک برای بیرون راندن اتریش از اتحادیه آلمان (جنوبی) برانگیخت. از آغاز جنگ، پروس بشدت اتریش را مجبور به عقب نشینی کرد و در چند ناحیه به اتریشیها شکستهای سنگین وارد آمد که در طول تاریخ بی سابقه بود. در عهدنامه صلح که در بیست و سوم ماه اوت سال ۱۸۶۶ در شهر پراگ منعقد گردید، اتریش عدم مداخله در امور کشورهای آلمان را پذیرا شد. پس از آن اتحادیه ای مرکب از ۲۲ کشور شمالی آلمان به ریاست پادشاه پروس تشکیل شد. سومین جنگ پروس با فرانسه بود. بهانه ای که آتش جنگ را برافروخت اختلاف دو کشور بر سر پادشاهی اسپانیا بود که به شاهزاده ای از خاندان پادشاه پروس پیشنهاد شده بود. با تحریک پروس، فرانسه جنگ را آغاز کرد و ایالات جنوبی نیز با پیوستن به پروس و اتحادیه آلمان شمالی بر ضد فرانسه وارد عمل

شدند. دولت پروس در جنگ با فرانسه به پیروزیهای فراوان نایل آمد و قسمتهای وسیعی از آن کشور (حتی پاریس) را فتح نموده و دهها هزار تن اسیر گرفت. سرانجام با پیروزی نهایی، عهدنامه فرانکفورت بین طرفین منعقد گردید. بموجب این عهدنامه فرانسه پرداخت غرامتی معادل ۵ میلیارد فرانک را قبول کرد (که بعداً آن را پرداخت) و نواحی آلزاس و لورن نیز به آلمان واگذار شد.

❖ بیسمارک پس از این پیروزیها در ژانویه سال ۱۸۷۱ در قصر ورسای (در حومه پاریس، فرانسه در آن زمان هنوز در اشغال پروس بود) اعلامیه ای صادر نمود و ترتیب تاجگذاری ویلهلم اول را به عنوان امپراطور آلمان داد و تمام کشورهای آلمان آن روز تحت حکومت واحدی قرار گرفتند. از این زمان آلمان پس از انگلیس بصورت دومین قدرت نظامی و اقتصادی اروپا درآمد و به تدریج دارای مستعمراتی نیز در آفریقا و اقیانوسیه گردید. در سال ۱۸۸۸ فردریک سوم و سپس ویلهلم دوم به پادشاهی آلمان رسیدند. در آن زمان آلمان شامل دو آلمان شرقی و غربی فعلی، قسمت اعظم لهستان فعلی و نواحی وسیع دیگری بود. ویلهلم دوم بیسمارک را در سال ۱۸۹۰ برکنار نمود و خود شروع به دیکتاتوری نمود. ویلهلم دوم در دوران حکومت خود همچون دیگر کشورهای اروپایی شروع به ساخت و انبار کردن اسلحه نمود (دوره صلح مسلح). در سال ۱۸۸۲ اتحاد مثلث متشکل از آلمان، ایتالیا و اتریش بنیان نهاده شد (که ایتالیا بعداً از آن خارج شد). در سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ آلمان جزء متحدین در جنگ جهانی اول شرکت کرد. با شروع جنگ بین اتریش و صربستان، آلمان به روسیه و فرانسه اعلان جنگ داده و شروع به پیشروی در تمام جهات کرد. آلمان در ماه اوت ۱۹۱۴ به بلژیک هجوم برد و پس از مدت کوتاهی آن را مسخر ساخت. پروس شرقی نیز مورد هجوم واقع شد. آلمان سپس به فرانسه هجوم برده و قسمتهای وسیعی از آن را اشغال کرد. از همان اوائل جنگ، تفوق نیروی دریایی متفقین (بخصوص انگلستان) بر آلمان آشکار بود. در همان اوایل تمام مستعمرات خارج از اروپای آلمان از دستش خارج شدند. در بیست و دوم ماه اوت سال اول جنگ، ژاپن نیز به متحدین اعلان جنگ داد. دولت عثمانی در نوامبر ۱۹۱۴ به کمک آلمان و اتریش وارد جنگ شد. در اوایل سال ۱۹۱۵ آلمانها حملات خود را شدت دادند و تمام سرزمینهایی را که از دست داده بودند باز پس گرفتند. در فوریه همان سال اعلام کردند که کشتیهای بازرگانی را در آبهای بریتانیا مورد حمله قرار خواهند داد. در ماه مه همان سال ایتالیا نیز به متحدین اعلان جنگ داد. در سال ۱۹۱۶ حملات آلمانها در جبهه غرب نسبتاً دارای رکود شد و متفقین برای اولین بار از تانک استفاده کردند. در ماه دسامبر رومانی به تصرف آلمان درآمد. در طی سالهای ۱۷-۱۹۱۶ آلمانها با استفاده از زیردریاییهای خود صدمات شدیدی به ناوگانهای متفقین وارد آوردند و این امر سرانجام در ششم آوریل ۱۹۱۷ موجب ورود امریکا به جنگ بر علیه متحدین شد. در همان سال آلمانها به انقلابیون روسیه در رسیدن به قدرت کمک کردند و پس از چندی جنگ با روسیه خاتمه یافته و دو کشور ترک محاصره نمودند.

❖ در اوایل سال ۱۹۱۷ جنگهای شدیدی در جبهه های غرب در گرفت که موجب عقب نشینی نسبی متحدین و تلفات شدید متفقین گردید. در ماههای اوت و اکتبر فرانسویان قسمت اعظم نواحی اشغالی خود را پس گرفتند. در همین دورانها جنگ در جبهه ایتالیا ادامه داشت. در ۲۱ مارس ۱۹۱۸ آلمانها تعرض نهایی خود را آغاز کردند و تا حدودی نیز پیش رفتند. با این حال در هیچیک از میدانها موفق به شکستن خطوط متفقین نشدند. از این زمان سپاهیان آمریکایی با شدت بیشتری وارد جنگ علیه آلمان شدند. از اوایل سال ۱۹۱۸ بتدریج تمام متحدین آلمان تسلیم متفقین گردیدند. در ماه سپتامبر خطوط دفاعی آلمانها شکافته شد و انگلیسیها، فرانسویها و امریکاییها بسرعت پیش رفتند. در همین زمان احساسات

انقلابی در آلمان بالا می گرفت و شورشها و تمرداتی در کشور بوقوع پیوست بطوریکه در اوایل ماه نوامبر شورش در همه جا بالا گرفت که این امور منجر به کناره گیری ویلهلم دوم در نهم نوامبر گردید و در ۱۱ نوامبر نیز قرارداد متارکه جنگ در جنگل کومپینی امضاء گردید. قرارداد صلح نیز میان آلمان و متفقین در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ در ورسای امضاء گردید و بدین صورت جنگ پایان گرفت. در پایان جنگ بر خلاف سال ۱۹۱۴ رمقی برای آلمان باقی نمانده بود. با استعفای ویلهلم، در کشور اعلام جمهوری شد و ابرت اولین رئیس جمهور برگزیده شد. در همان اوان انقلابات و شورشهایی از طرف چپ و راستگرایان بوقوع پیوست که سرکوب شدند. کشور آلمان در طی سالهای ۳۳-۱۹۱۹ به جمهوری وایمار معروف بود. تورم و بیکاری نیز به مشکلات این کشور افزوده بود. با مرگ ابرت در سال ۱۹۲۵ مارشال جنگی آلمان هیندنبورگ جانشین وی گردید. از این زمان وضع اقتصادی آلمان رشد سریعی یافته و آلمان مجدداً جزو کشورهای مقتدر اروپا گردید تا اینکه با پدیدار شدن بحران اقتصادی جهانگیر سال ۱۹۲۹ باز هم ورشکستگی به آلمان روی آورد. در سال ۱۹۳۲ حزب نازی در رایشستاگ (پارلمان) دارای کرسیهای زیادی شد و رهبر آن هیتلر، در نتیجه نفاق میان مخالفانش، به صدراعظمی منصوب شد. وی در سال ۱۹۳۳ شخصاً تمام امور را در دست گرفته و حکومتی دیکتاتوری برقرار نمود. خدمت زیر پرچم را اجباری نموده و شروع به مسلح نمودن سربازان کرد. از سال ۱۹۳۶ بین آلمان نازی و ایتالیای فاشیست پیمان اتحاد منعقد شد. در همین دورانها آلمان همچنین به سلطنت طلبان اسپانیا به رهبری ژنرال فرانکو در جنگهای داخلی آن کشور کمک می کرد. در ماه مارس ۱۹۳۸ با زمینه هایی که از قبل وجود داشت اتریش به تصرف نیروهای آلمانی درآمد و قسمتی از خاک آن کشور شد. با پایان کار اتریش، آلمان هیتلری از چکسلواکی خواست تا ناحیه سودت را به آلمان مسترد دارد. فرانسه انگلیس که خواستار عدم جنگ و درگیری با آلمان بودند نیز، از این خواسته حمایت کردند و دولت چکسلواکی نیز بناچار تسلیم این امر گردید. آلمان در ماه آوریل ۱۹۳۹ بوهم و موراوی در چکسلواکی را نیز تسخیر کرد.

❖ در ماه اوت همان سال میان آلمان و شوروی پیمان عدم تعرض منعقد شد و هیتلر پس از اطمینان از این امر به لهستان حمله بر دو جنگ جهانی دوم را آغاز کرد. مقاومت لهستان در مقابل حملات سریع نازیها بسرعت از هم گسیخت و قسمت اعظم این کشور بتصرف آلمان درآمد. در ماه آوریل ۱۹۴۰ آلمان به دانمارک و نروژ لشکر کشید و آنها را متصرف شد. در ماه مه کشورهای هلند، بلژیک و لوکزامبورگ نیز تحت تسلط نازیها درآمدند. در این زمان نیروهای آلمان با حمله شدیدی نیروهای متفقین را در غرب از هم جدا ساختند ولی در آخر موفقیتی از این عمل بدست نیآوردند. در دهم ژوئن همان سال ایتالیا نیز به کمک آلمان وارد جنگ شد. آلمان نیز که حمله خود را به فرانسه شروع کرده بود کار تسخیر آن کشور را یکسره نموده و در ۲۲ ژوئن فرانسه تسلیم شد و نواحی شمالی و سواحل غربی آن تحت تصرف نازیها درآمد. در این زمان زیردریاییهای آلمانی در تمام دریاهای اروپا فعالیت داشتند. آلمان سپس کوشید تا از راه بمباران هوایی، انگلستان را وادار به تسلیم کند و در این راه هزاران انگلیسی را کشت ولی نتوانست به هدف نهایی خویش دست یابد.

❖ آلمان برای تکمیل استیلای خویش بر بالکان در آوریل سال ۱۹۴۱ به یونان و یوگسلاوی حمله برد و در ماه مه هر دو را تسخیر کرد. در این زمان جنگ در آفریقا نیز جریان داشت. جنگ در این ناحیه در ۱۹۴۳ با شکست متحدین پایان یافت. در ماه ژوئن جزیره کرت نیز به دست چتربازان آلمانی سقوط کرد.

❖ در ۲۲ ژوئن سال ۱۹۴۱ همزمان با اولین سالگرد تسلیم فرانسه، آلمان متحداً با فنلاند، مجارستان و رومانی به شوروی حمله ور شد و به سرعت پیش رفت ولی در ۴۰ کیلومتری مسکو متوقف شد و استالینگراد (لنینگراد فعلی) را به محاصره درآورد. حمله متقابل شوروی، آلمانها را مجبور به عقب نشینی در تمام طول جبهه ها کرد ولی ۱۹ ژوئن ۱۹۴۲ آلمانها بار دیگر حمله کرده و تمام اوکراین و کریمه را فتح نموده و به قفقاز رسیدند. در ۱۱ دسامبر همان سال آلمان و ایتالیا به امریکا اعلان جنگ دادند. از سال ۱۹۴۳ شکستهای پی در پی آلمان آغاز شد. در ماههای آخر ۱۹۴۲ متفقین به ایتالیا هجوم بردند و آن را تسخیر کردند.

❖ عدم توفیق آلمانها در تسخیر استالینگراد، توأم با خروج از افریقای شمالی، ورق جنگ را برگرداند. در اواخر سال ۱۹۴۲ و اوایل ۴۳ تا ۴۴ روسها دست به تعرض شدیدی زده و قفقاز و سپس سایر نقاط اشغالی خود را پس گرفته و شروع به نفوذ در داخل مرزهای آلمان و متحدانش نمودند. در سال ۱۹۴۴ قسمت اعظم بالکان از وجود آلمانها پاک شد. لهستان و اتریش نیز بعداً از دست آلمانها خارج شدند. در جبهه غرب نیز حملات متفقین با کمک زیاد امریکا شدت گرفت و آلمانها در اواخر سپتامبر ۱۹۴۴ از بیشتر خاک فرانسه خارج شدند و سپاهیان متفقین وارد بلژیک و هلند شدند. در اواخر سال ۱۹۴۴ و اوایل سال بعد حملات از هر دو طرف ادامه یافت و سرانجام در حمله تعرضی فوریه ۱۹۴۵ خطوط دفاعی آلمانها شکافته شد و در ماه مارس متفقین از رود راین گذشتند. در ۲۴ آوریل نیز روسها از شرق به برلین قدم نهادند و آلمان در هفتم ماه مه (به دنبال خودکشی هیتلر) تسلیم بلاشرط شد و بسیاری از سران نازی دستگیر شدند. (که عده ای از آنان پس از محکومیت در دادگاه نورنبرگ محکوم به اعدام و یا زندانهای درازمدت گردیدند). آلمان در این زمان به ویرانه ای تبدیل گشته بود.

❖ در پنجم ژوئن ۱۹۴۵ فرماندهان متفقین در برلین زمام امور را به دست گرفتند. نیروهای روسی تمام آلمان شرقی را تصرف کرده بودند و آلمان غربی فعلی نیز به تصرف فرانسه، آمریکا و انگلستان درآمده بود که به دنبال آن برلین به چهار بخش اشغالی تقسیم گردید. پس از آن، کنفرانس پوتسدام با شرکت رهبران کشورهای متفقین و شوروی منعقد شده و تصمیماتی در مورد آلمان اتخاذ گردید و ۱۱۴،۰۰۰ کیلومتر از خاک این کشور به همسایگانش مسترد گردید. بزودی اختلافات متفقین در اداره آلمان نمایان شد و در سال ۱۹۴۸ اتحاد شوروی از شورای فرماندهی متفقین خارج گردید و سرانجام در ۱۹۴۹ آلمان به دو جمهوری مجزا تقسیم گردید. جمهوری فدرال آلمان (غربی) متشکل از نواحی اشغالی فرانسه، انگلیس و آمریکا و همچنین جمهوری دمکراتیک آلمان (شرقی) متشکل از نواحی اشغالی شوروی ایجاد گشتند. در همان سال تئودور هریس و کنراد ادنائر به ترتیب به ریاست جمهوری و صدارت اعظمی آلمان غربی رسیدند.

❖ آلمان در سالهای اولیه پس از جنگ به عضویت چندین سازمان جهانی و اروپایی درآمد. آلمان از پایان جنگ دوباره در راه صنعتی شدن گام برداشت و بسرعت مقام والایی را در میان کشورهای جهان بدست آورد؛ بصورتی که هم اکنون اولین قدرت اقتصادی اروپا و چهارمین کشور از لحاظ تولید ناخالص ملی (۱۹۸۱) در جهان می باشد (پس از آمریکا، شوروی و ژاپن). در سال ۱۹۵۵ آلمان غربی از لحاظ اداره امور

سیاسی کاملاً مستقل شد. صدراعظمی های آلمان بعد از جنگ تاکنون عبارتند از : کنراد ادنائر (از ۶۳-۱۹۴۹) لودویک ارهارد (۶۵-۱۹۶۳) کورت کیسینجر (۶۹-۱۹۶۶) ویلی برانت (۷۴-۱۹۶۹) و هلموت اشمیت (از ۱۹۷۴ به بعد). در سالهای پس از جنگ موضوع شهر برلین چندین بار موجب مخاصمه میان طرفهای درگیر گردیده است. با وجود گذشت بیش از ۳۶ سال از جنگ جهانی دوم، هنوز صدها تن از نیروهای امریکایی در آلمان غربی مستقر هستند (کشور آلمان اجازه تشکیل ارتش مستقل را ندارد) و هم اکنون مقتدرترین متحد نظامی امریکا در جهان می باشد.

### ملاحظات جغرافیایی

❖ آلمان کشوری است که در قلب اروپا قرار دارد و با کشورهای دانمارک، هلند، بلژیک، فرانسه، سوئیس، اتریش، جمهوری چک و لهستان همسایه می باشد. مساحت آلمان در حدود ۳۵۷۰۹۹ کیلومتر مربع می باشد.

### ملاحظات اقتصادی

❖ کشور آلمان از نظر صنعتی بعد از آمریکا و ژاپن در مقام سوم قرار دارد. مهمترین صنایع این کشور کارخانه های اتومبیل ، ماشین آلات سنگین ، الکترونیک و کارخانه های صنایع شیمی و کامپیوتر می باشند. کشور آلمان از لحاظ توریستی جاذبه خاصی دارد و در سال ۱۹۹۹ بیش از ۵۳/۷ توریست به این کشور مسافرت کرده اند.

### ملاحظات علمی

❖ در آلمان هم دانشگاههای دولتی وجود دارد و هم دانشگاههای خصوصی. کلیه دانشگاههای دولتی، معتبر و رایگان می باشد. دانشگاههای خصوصی رایگان نمی باشند و باید در مورد آنها به وزارت علوم کشور مربوطه مراجعه کرد. دانشجوی فقط موظف است تا هزینه های زندگی خود اعم از اجاره منزل، پوشاک، مواد غذایی و بیمه درمانی را پرداخت کند. اتاق ها و آپارتمان هایی وجود دارد که با قیمت مناسب فقط به دانشجویان اجاره داده می شود. حدود هزینه زندگی دانشجوی در آلمان بانضمام خوراک، پوشاک، رفت و آمد و کلیه هزینه های جانبی حدوداً ۷۰۰-۸۰۰ یورو می باشد. دانشجوی تعداد ساعت محدودی در هفته اجازه کار دارد. جهت ثبت نام در دانشگاه ارایه بیمه درمانی الزامیست و بیمه درمانی برای هر شش ماه حدود ۳۰۰ یورو در نظر گرفته میشود.